

چهل گوهر نکویی

برگزیده آیات قرآن، سخنان معصومان علیہ السلام، و کلمات بزرگان
در چهل موضوع اخلاقی



حمید خان احمدی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چهل گوهر نکویی

نویسنده:

حمید خان احمدی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست	۵
چهل گوهر نکویی	۱۸
مشخصات کتاب	۱۸
اشاره	۱۸
فهرست مطالب	۲۰
دیباچه	۴۲
پیش گفتار	۴۵
گوهر اول: ادب (تربیت)	۵۱
اشاره	۵۱
کلام حق	۵۱
اختران عصمت و ولایت	۵۱
قند پارسی	۵۳
حدیث دیگران	۵۵
ضرب المثل	۵۵
گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت	۵۵
گوهر دوم: امانت داری	۵۷
اشاره	۵۷
کلام حق	۵۷
اختران عصمت و ولایت	۵۷
قند پارسی	۵۹
حدیث دیگران	۶۱
ضرب المثل	۶۱
گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت	۶۱
گوهر سوم: امید (رجا)	۶۳

۶۳	اشاره
۶۳	کلام حق
۶۳	اختران عصمت و ولایت
۶۵	قند پارسی
۶۵	حدیث دیگران
۶۵	ضرب المثل
۶۶	گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت
۷۰	گوهر چهارم: اندیشیدن (تفکر)
۷۰	اشاره
۷۰	کلام حق
۷۰	اختران عصمت و ولایت
۷۲	قند پارسی
۷۴	حدیث دیگران
۷۴	ضرب المثل
۷۴	گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت
۷۵	گوهر پنجم: پاکدامنی (حیا)
۷۵	اشاره
۷۵	کلام حق
۷۵	اختران عصمت و ولایت
۷۷	قند پارسی
۷۸	حدیث دیگران
۷۸	ضرب المثل
۷۹	گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت
۸۱	گوهر ششم: پاکیزگی
۸۱	اشاره
۸۱	کلام حق

۸۱	اختران عصمت و ولایت
۸۳	قند پارسی
۸۵	ضرب المثل
۸۵	گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت
۸۷	گوهر هفتم: پا یداری (استقامت)
۸۷	اشاره
۸۷	کلام حق
۸۷	اختران عصمت و ولایت
۸۹	قند پارسی
۸۹	حدیث دیگران
۹۰	ضرب المثل
۹۱	گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت
۹۲	گوهر هشتم: پدر و مادر (والدین)
۹۲	اشاره
۹۲	کلام حق
۹۲	اختران عصمت و ولایت
۹۴	قند پارسی
۹۵	حدیث دیگران
۹۵	ضرب المثل
۹۵	گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت
۹۸	گوهر نهم: پرهیزگاری (تقوا)
۹۸	اشاره
۹۸	کلام حق
۹۹	اختران عصمت و ولایت
۱۰۰	قند پارسی
۱۰۲	حدیث دیگران

۱۰۲	ضرب المثل
۱۰۲	گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت
۱۰۴	گوهر دهم: پند (نصیحت)
۱۰۴	اشاره
۱۰۴	کلام حق
۱۰۴	اختران عصمت و ولایت
۱۰۶	قند پارسی
۱۰۸	ضرب المثل
۱۰۸	گر نکته دان عشقی بشنو تو این حکایت
۱۱۰	گوهر یازدهم: تواضع (فروتنی)
۱۱۰	اشاره
۱۱۰	کلام حق
۱۱۰	اختران عصمت و ولایت
۱۱۲	قند پارسی
۱۱۴	حدیث دیگران
۱۱۴	ضرب المثل
۱۱۴	گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت
۱۱۷	گوهر دوازدهم: توبه (پشیمانی)
۱۱۷	اشاره
۱۱۷	کلام حق
۱۱۷	اختران عصمت و ولایت
۱۱۹	قند پارسی
۱۲۱	حدیث دیگران
۱۲۱	ضرب المثل
۱۲۲	گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت
۱۲۳	گوهر سیزدهم: توکل و رضا

۱۲۳	اشاره
۱۲۳	کلام حق
۱۲۳	اختران عصمت و ولایت
۱۲۵	قند پارسی
۱۲۵	ضرب المثل
۱۲۶	گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت
۱۲۹	گوهر چهاردهم: خاموشی (سکوت)
۱۲۹	اشاره
۱۲۹	کلام حق
۱۲۹	اختران عصمت و ولایت
۱۳۱	قند پارسی
۱۳۳	حدیث دیگران
۱۳۳	ضرب المثل
۱۳۳	گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت
۱۳۵	گوهر پانزدهم: خوش خویی (حسن خلق)
۱۳۵	اشاره
۱۳۵	کلام حق
۱۳۵	اختران عصمت و ولایت
۱۳۷	قند پارسی
۱۳۹	حدیث دیگران
۱۳۹	ضرب المثل
۱۳۹	گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت
۱۴۲	گوهر شانزدهم: خویشاوندی (صله رحم)
۱۴۲	اشاره
۱۴۲	کلام حق
۱۴۲	اختران عصمت و ولایت

قند پارسی	۱۴۴
ضرب المثل	۱۴۶
گرنکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت	۱۴۶
گوهر هفدهم: خویشتن داری (حلم)	۱۴۷
اشاره	۱۴۷
کلام حق	۱۴۷
اختران عصمت و ولایت	۱۴۷
قند پارسی	۱۴۹
حدیث دیگران	۱۵۱
ضرب المثل	۱۵۱
گرنکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت	۱۵۲
گوهر هجدهم: دانش (علم)	۱۵۴
اشاره	۱۵۴
کلام حق	۱۵۴
اختران عصمت و ولایت	۱۵۴
قند پارسی	۱۵۶
حدیث دیگران	۱۵۷
ضرب المثل	۱۵۸
گرنکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت	۱۵۸
گوهر نوزدهم: دوستی (رفاقت)	۱۶۰
اشاره	۱۶۰
کلام حق	۱۶۰
اختران عصمت و ولایت	۱۶۰
قند پارسی	۱۶۲
حدیث دیگران	۱۶۴
ضرب المثل	۱۶۴

۱۶۵	گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت
۱۶۷	گوهر بیستم: رازداری
۱۶۷	اشاره
۱۶۷	کلام حق
۱۶۷	اختران عصمت و ولایت
۱۶۹	قند پارسی
۱۶۹	حدیث دیگران
۱۷۱	ضرب المثل
۱۷۱	گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت
۱۷۵	گوهر بیست و یکم: راستی (صداقت)
۱۷۵	اشاره
۱۷۵	کلام حق
۱۷۵	اختران عصمت و ولایت
۱۷۷	قند پارسی
۱۷۹	حدیث دیگران
۱۷۹	ضرب المثل
۱۷۹	گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت
۱۸۲	گوهر بیست و دوم: سخاوت
۱۸۲	اشاره
۱۸۲	کلام حق
۱۸۲	اختران عصمت و ولایت
۱۸۴	قند پارسی
۱۸۴	حدیث دیگران
۱۸۵	ضرب المثل
۱۸۶	گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت
۱۸۹	گوهر بیست و سوم: شجاعت

۱۸۹	اشاره
۱۸۹	کلام حق
۱۸۹	اختران عصمت و ولایت
۱۹۱	قند پارسی
۱۹۳	حدیث دیگران
۱۹۳	ضرب المثل
۱۹۳	گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت
۱۹۶	گوهر بیست و چهارم: شکر و سپاس
۱۹۶	اشاره
۱۹۶	کلام حق
۱۹۶	اختران عصمت و ولایت
۱۹۸	قند پارسی
۲۰۰	حدیث دیگران
۲۰۰	ضرب المثل
۲۰۱	گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت
۲۰۳	گوهر بیست و پنجم: صبر
۲۰۳	اشاره
۲۰۳	کلام حق
۲۰۳	اختران عصمت و ولایت
۲۰۵	قند پارسی
۲۰۶	حدیث دیگران
۲۰۷	ضرب المثل
۲۰۷	گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت
۲۱۰	گوهر بیست و ششم: عدالت
۲۱۰	اشاره
۲۱۰	کلام حق

۲۱۰	اختران عصمت و ولایت
۲۱۲	قند پارسی
۲۱۴	حدیث دیگران
۲۱۴	ضرب المثل
۲۱۴	گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت
۲۱۶	گوهر بیست و هفتم: عزت (شرف)
۲۱۶	اشاره
۲۱۶	کلام حق
۲۱۶	اختران عصمت و ولایت
۲۱۸	قند پارسی
۲۱۹	حدیث دیگران
۲۱۹	ضرب المثل
۲۱۹	گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت
۲۲۲	گوهر بیست و هشتم: عفو (گذشت)
۲۲۲	اشاره
۲۲۲	کلام حق
۲۲۲	اختران عصمت و ولایت
۲۲۵	حدیث دیگران
۲۲۶	ضرب المثل
۲۲۶	گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت
۲۲۸	گوهر بیست و نهم: عهد (پیمان)
۲۲۸	اشاره
۲۲۸	کلام حق
۲۲۸	اختران عصمت و ولایت
۲۳۰	قند پارسی
۲۳۱	حدیث دیگران

۲۳۲	ضرب المثل
۲۳۲	گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت
۲۳۴	گوهر سی ام: عیادت بیمار
۲۳۴	اشاره
۲۳۴	کلام حق
۲۳۴	اختران عصمت و ولایت
۲۳۶	قند پارسی
۲۳۶	حدیث دیگران
۲۳۷	ضرب المثل
۲۳۸	گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت
۲۳۸	اشاره
۲۳۸	به عیادت رفتن کر بر همسایه رنجور خویش
۲۴۲	گوهر سی و یکم: عیب پوشی
۲۴۲	اشاره
۲۴۲	کلام حق
۲۴۲	اختران عصمت و ولایت
۲۴۴	قند پارسی:
۲۴۶	حدیث دیگران
۲۴۶	ضرب المثل
۲۴۶	گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت
۲۴۹	گوهر سی و دوم: قناعت
۲۴۹	اشاره
۲۴۹	کلام حق
۲۴۹	اختران عصمت و ولایت
۲۵۱	قند پارسی
۲۵۲	حدیث دیگران

۲۵۲	ضرب المثل
۲۵۳	گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت
۲۵۵	گوهر سی و سوم: گمان نیکو (حسن ظن)
۲۵۵	اشاره
۲۵۵	کلام حق
۲۵۵	اختران عصمت و ولایت
۲۵۷	قند پارسی
۲۵۸	حدیث دیگران
۲۵۹	ضرب المثل
۲۵۹	گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت
۲۶۲	گوهر سی و چهارم: مشورت
۲۶۲	اشاره
۲۶۲	کلام حق
۲۶۲	اختران عصمت و ولایت
۲۶۴	قند پارسی
۲۶۵	حدیث دیگران
۲۶۶	ضرب المثل
۲۶۶	گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت
۲۶۷	گوهر سی و پنجم: مهمان نوازی
۲۶۷	اشاره
۲۶۷	کلام حق
۲۶۷	اختران عصمت و ولایت حضرت رسول صلی الله علیه و آله
۲۶۹	قند پارسی
۲۷۱	ضرب المثل
۲۷۱	گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت
۲۷۳	گوهر سی و ششم: میانه روی و اعتدال

۲۷۳	اشاره
۲۷۳	کلام حق
۲۷۳	اختران عصمت و ولایت
۲۷۵	قند پارسی
۲۷۷	حدیث دیگران
۲۷۷	ضرب المثل
۲۷۸	گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت
۲۸۰	گوهر سی و هفتم: نیکوکاری
۲۸۰	اشاره
۲۸۰	کلام حق
۲۸۰	اختران عصمت و ولایت
۲۸۲	قند پارسی
۲۸۵	حدیث دیگران
۲۸۵	ضرب المثل
۲۸۶	گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت
۲۸۷	گوهر سی و هشتم: وطن دوستی (حب وطن)
۲۸۷	اشاره
۲۸۷	کلام حق
۲۸۷	اختران عصمت و ولایت
۲۸۹	قند پارسی
۲۹۱	حدیث دیگران
۲۹۱	ضرب المثل
۲۹۳	گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت
۲۹۴	گوهر سی و نهم: همسایه داری
۲۹۴	اشاره
۲۹۴	کلام حق

۲۹۴	اختران عصمت و ولایت
۲۹۶	قند پارسی
۲۹۸	ضرب المثل
۲۹۸	گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت
۳۰۱	گوهر چهلیم: یتیم نوازی
۳۰۱	اشاره
۳۰۱	کلام حق
۳۰۱	اختران عصمت و ولایت
۳۰۳	قند پارسی
۳۰۵	حدیث دیگران
۳۰۵	ضرب المثل
۳۰۵	گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت
۳۰۸	کتاب نامه
۳۱۵	درباره مرکز

سرشناسه: خان احمدی، حمید، ۱۳۵۳ -

عنوان و نام پدیدآور: چهل گوهر نکویی / حمید خان احمدی؛ [تهیه کننده] مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.

مشخصات نشر: قم: دفتر عقل: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری: ۱۳۸ ص. __ (مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما؛ ۵۲۱)

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۶۳-۲۴-۵

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: قرآن. برگزیده ها __ ترجمه ها

موضوع: اخلاق اسلامی

موضوع: خودسازی (اسلام)

موضوع: احادیث شیعه __ قرن ۱۴

شناسه افزوده: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهش های اسلامی.

رده بندی کنگره: ۱۳۸۸ ۹چ ۱۷خ/ ۸/۲۴۷ BP

رده بندی دیویی: ۶۱/۲۹۷

شماره کتابشناسی ملی: ۱۸۵۵۹۹۰

ص: ۱

اشاره

ص: ۲

چهل گوهر نکویی

کد: ۵۲۱

نویسنده: حمید خان احمدی

تهیه کننده: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

ناشر: دفتر عقل

چاپ: زلال کوثر

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۸

شمارگان: ۱۴۰۰

بها: ۱۷۰۰۰ ریال

نشانی: قم، بلوار امین، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

تلفن: ۲۹۱۹۶۷۰ _ ۰۲۵۱ دورنگار : ۲۹۱۵۵۱۰

تهران: خیابان جام جم، ساختمان شهید رهبر، طبقه زیرزمین

تلفن: ۲۲۰۱۴۷۳۸ نمابر: ۲۲۱۶۴۹۹۷

info@irc.ir www.irc.ir

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۶۳-۲۴-۵ \ ISBN: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۶۳-۲۴-۵

فهرست مطالب

دییآچه ۱

پیش گفتار ۴

گوهر اول: ادب (تربیت) ۹

کلام حق ۹

اختران عصمت و ولایت ۹

قند پاریسی ۱۰

حدیث دیگران ۱۱

ضرب المثل ۱۱

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت ۱۱

گوهر دوم: امانت داری ۱۲

کلام حق ۱۲

اختران عصمت و ولایت ۱۲

قند پاریسی ۱۳

حدیث دیگران ۱۴

ضرب المثل ۱۴

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت ۱۴

گوهر سوم: امید (رجا) ۱۶

کلام حق ۱۶

اختران عصمت و ولایت ۱۶

قند پارسی ۱۷

حدیث دیگران ۱۷

ضرب المثل ۱۷

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت ۱۷

گوهر چهارم: اندیشیدن (تفکر) ۱۹

کلام حق ۱۹

اختران عصمت و ولایت ۱۹

قند پارسی ۲۰

حدیث دیگران ۲۱

ضرب المثل ۲۱

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت: ۲۱

گوهر پنجم: پاکدامنی (حیا) ۲۲

کلام حق ۲۲

اختران عصمت و ولایت ۲۲

قند پارسی ۲۳

حدیث دیگران ۲۴

ضرب المثل ۲۴

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت ۲۴

گوهر ششم: پاکیزگی ۲۶

کلام حق ۲۶

اختران عصمت و ولایت ۲۶

قند پارسى ۲۷

ضرب المثل ۲۸

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت ۲۸

گوهر هفتم: پایداری (استقامت) ۲۹

کلام حق ۲۹

اختران عصمت و ولایت ۲۹

قند پارسی ۳۰

حدیث دیگران ۳۰

ضرب المثل ۳۰

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت ۳۱

گوهر هشتم: پدر و مادر (والدین) ۳۲

کلام حق ۳۲

اختران عصمت و ولایت ۳۲

قند پارسی ۳۳

حدیث دیگران ۳۴

ضرب المثل ۳۴

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت ۳۴

گوهر نهم: پرهیزگاری (تقوا) ۳۶

کلام حق ۳۶

اختران عصمت و ولایت ۳۶

قند پارسى ۳۷

حديث ديگران ۳۸

ضرب المثل ۳۸

گر نکته دان عشقى، بشنو تو اين حكايت ۳۸

گوهر دهم: پند (نصيحت) ۳۹

كلام حق ۳۹

اختران عصمت و ولایت ۳۹

قند پارسی ۴۰

ضرب المثل ۴۱

گر نکته دان عشقی بشنو تو این حکایت ۴۱

گوهر یازدهم: تواضع (فروتنی) ۴۲

کلام حق ۴۲

اختران عصمت و ولایت ۴۲

قند پارسی ۴۳

حدیث دیگران ۴۴

ضرب المثل ۴۴

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت ۴۴

گوهر دوازدهم: توبه (پشیمانی) ۴۶

کلام حق ۴۶

اختران عصمت و ولایت ۴۶

قند پارسی ۴۷

حدیث دیگران ۴۸

ضرب المثل ۴۹

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت ۴۹

گوهر سیزدهم: توکل و رضا ۵۱

کلام حق ۵۱

اختران عصمت و ولایت ۵۱

قند پاریسی ۵۲

ضرب المثل ۵۲

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت ۵۲

گوهر چهاردهم: خاموشی (سکوت) ۵۴

ص: ۷

کلام حق ۵۴

اختران عصمت و ولایت ۵۴

قند پارسی ۵۵

حدیث دیگران ۵۶

ضرب المثل ۵۶

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت ۵۶

گوهر پانزدهم: خوش خویی (حسن خلق) ۵۷

کلام حق ۵۷

اختران عصمت و ولایت ۵۷

قند پارسی ۵۸

حدیث دیگران ۵۹

ضرب المثل ۵۹

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت ۵۹

گوهر شانزدهم: خویشاوندی (صله رحم) ۶۱

کلام حق ۶۱

اختران عصمت و ولایت ۶۱

قند پارسی ۶۲

ضرب المثل ۶۳

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت ۶۳

گوهر هفدهم: خویشتن داری (حلم) ۶۴

کلام حق ۶۴

اختران عصمت و ولایت ۶۴

قند پاریسی ۶۵

حدیث دیگران ۶۶

ضرب المثل ۶۶

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت ۶۶

گوهر هجدهم: دانش (علم) ۶۸

کلام حق ۶۸

اختران عصمت و ولایت ۶۸

قند پارسی ۶۹

حدیث دیگران ۷۰

ضرب المثل ۷۰

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت ۷۰

گوهر نوزدهم: دوستی (رفاقت) ۷۲

کلام حق ۷۲

اختران عصمت و ولایت ۷۲

قند پارسی ۷۳

حدیث دیگران ۷۴

ضرب المثل ۷۴

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت ۷۴

گوهر بیستم: رازداری ۷۶

کلام حق ۷۶

اختران عصمت و ولایت ۷۶

قند پارسی ۷۷

حدیث دیگران ۷۷

ضرب المثل ۷۸

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت ۷۸

گوهر بیست و یکم: راستی (صداقت) ۸۰

کلام حق ۸۰

اختران عصمت و ولایت ۸۰

ص: ۹

قند پارسی ۸۱

حدیث دیگران ۸۲

ضرب المثل ۸۲

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت ۸۲

گوهر بیست و دوم: سخاوت ۸۴

کلام حق ۸۴

اختران عصمت و ولایت ۸۴

قند پارسی ۸۵

حدیث دیگران ۸۵

ضرب المثل ۸۵

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت ۸۶

گوهر بیست و سوم: شجاعت ۸۸

کلام حق ۸۸

اختران عصمت و ولایت ۸۸

قند پارسی ۸۹

حدیث دیگران ۹۰

ضرب المثل ۹۰

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت ۹۰

گوهر بیست و چهارم: شکر و سپاس ۹۲

کلام حق ۹۲

اختران عصمت و ولایت ۹۲

قند پارسی ۹۳

حدیث دیگران ۹۴

ضرب المثل ۹۴

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت ۹۴

ص: ۱۰

گوهر بیست و پنجم: صبر ۹۶

کلام حق ۹۶

اختران عصمت و ولایت ۹۶

قند پارسی ۹۷

حدیث دیگران ۹۷

ضرب المثل ۹۸

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت ۹۸

گوهر بیست و ششم: عدالت ۱۰۰

کلام حق ۱۰۰

اختران عصمت و ولایت ۱۰۰

قند پارسی ۱۰۱

حدیث دیگران ۱۰۲

ضرب المثل ۱۰۲

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت ۱۰۲

گوهر بیست و هفتم: عزت (شرف) ۱۰۳

کلام حق ۱۰۳

اختران عصمت و ولایت ۱۰۳

قند پارسی ۱۰۴

حدیث دیگران ۱۰۵

ضرب المثل ۱۰۵

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت ۱۰۵

گوهر بیست و هشتم: عفو (گذشت) ۱۰۷

کلام حق ۱۰۷

اختران عصمت و ولایت ۱۰۷

حدیث دیگران ۱۰۸

ص: ۱۱

ضرب المثل ۱۰۹

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت ۱۰۹

گوهر بیست و نهم: عهد (پیمان) ۱۱۰

کلام حق ۱۱۰

اختران عصمت و ولایت ۱۱۰

قند پاریسی ۱۱۱

حدیث دیگران ۱۱۱

ضرب المثل ۱۱۲

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت ۱۱۲

گوهر سی ام: عیادت بیمار ۱۱۴

کلام حق ۱۱۴

اختران عصمت و ولایت ۱۱۴

قند پاریسی ۱۱۵

حدیث دیگران ۱۱۵

ضرب المثل ۱۱۵

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت ۱۱۶

گوهر سی و یکم: عیب پوشی ۱۱۸

کلام حق ۱۱۸

اختران عصمت و ولایت ۱۱۸

قند پارسى: ۱۱۹

حديث ديگران ۱۲۰

ضرب المثل ۱۲۰

گر نکته دان عشقى، بشنو تو اين حكايت ۱۲۰

گوهر سى و دوم: قناعت ۱۲۲

كلام حق ۱۲۲

ص: ۱۲

اختران عصمت و ولایت ۱۲۲

قند پارسی ۱۲۳

حدیث دیگران ۱۲۴

ضرب المثل ۱۲۴

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت ۱۲۴

گوهر سی و سوم: گمان نیکو (حسن ظن) ۱۲۶

کلام حق ۱۲۶

اختران عصمت و ولایت ۱۲۶

قند پارسی ۱۲۷

حدیث دیگران ۱۲۷

ضرب المثل ۱۲۸

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت ۱۲۸

گوهر سی و چهارم: مشورت ۱۳۰

کلام حق ۱۳۰

اختران عصمت و ولایت ۱۳۰

قند پارسی ۱۳۱

حدیث دیگران ۱۳۱

ضرب المثل ۱۳۲

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت ۱۳۲

گوهر سی و پنجم: مهمان نوازی ۱۳۳

کلام حق ۱۳۳

اختران عصمت و ولایت ۱۳۳

قند پارسی ۱۳۴

ضرب المثل ۱۳۵

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت ۱۳۵

ص: ۱۳

گوهر سی و ششم: میانه روی و اعتدال ۱۳۷

کلام حق ۱۳۷

اختران عصمت و ولایت ۱۳۷

قند پارسی ۱۳۸

حدیث دیگران ۱۳۹

ضرب المثل ۱۳۹

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت ۱۳۹

گوهر سی و هفتم: نیکوکاری ۱۴۱

کلام حق ۱۴۱

اختران عصمت و ولایت ۱۴۱

قند پارسی ۱۴۲

حدیث دیگران ۱۴۳

ضرب المثل ۱۴۳

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت ۱۴۴

گوهر سی و هشتم: وطن دوستی (حب وطن) ۱۴۵

کلام حق ۱۴۵

اختران عصمت و ولایت ۱۴۵

قند پارسی ۱۴۶

حدیث دیگران ۱۴۷

ضرب المثل ۱۴۷

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت ۱۴۸

گوهر سی و نهم: همسایه داری ۱۴۹

کلام حق ۱۴۹

اختران عصمت و ولایت ۱۴۹

قند پارسی ۱۵۰

ضرب المثل ۱۵۱

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت ۱۵۱

گوهر چهلیم: یتیم نوازی ۱۵۳

کلام حق ۱۵۳

اختران عصمت و ولایت ۱۵۳

قند پارسی ۱۵۴

حدیث دیگران ۱۵۵

ضرب المثل ۱۵۵

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت ۱۵۵

کتاب نامه ۱۵۷

دیباچه

دیباچه

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «إِنَّ مِنَ الْبَيَانِ لَسِحْرًا؛ برخی از سخن ها افسونگرند.» (۱) افسون آن نیز به این است که می تواند روحی تازه در کالبد آدمیان بدمد، فرهنگ و شخصیت انسان ها را دگرگون کند، دل ها را از ایستایی برهاند و به جنبش و پویایی وادارد و سرچشمه رویش ها و زایش های علمی و معنوی در جامعه شود. مولانا در این باره گفته است:

آب حیات آمد سخن، کاید ز علم «مِنْ لَدُنْ»

جان را از او خالی مکن، تا بر دمد اعمال ها

و باز از اوست که:

این سخن، آبی است از دریای بی پایان عشق

تشنگان را آب بخشد، مردگان را جان دهد

از این رهگذر «سخنان» آسمانی بزرگان به ویژه اهل بیت علیه السلام همانند لوحی است که نگرش ها و باورهای آنان در این لوح بازتاب یافته و چون

جویباری است که آن نگرش ها و باورهای حیات بخش را در درازنای بستر تاریخ، همواره جاری و خروشان نگاه داشته و آن را به شط «جاودانگی و مانایی» پیوند زده است.

روح تشنه بشر، همواره نیازمند آب حیات بخش است و حیات انسانی آدمیان وام دار ریزش باران رحمتی است که قطره های آن را سخنان ابرمردان علم و معنا تشکیل می دهد.

به تعبیر زیبای حکیم نظامی گنجیه ای:

ما که نظر بر سخن افکنده ایم

مرده اویم و بدو زنده ایم

سردپیان آتش از او یافتند

گرم روان آب در او تافتند

اوست در این ده ز ده آبادتر

تازه تر از چرخ کهن زادتر

او ز عَلم فتح نماینده تر

وز قلم اقلیم گشاینده تر

چهل گوهر نکویی برآمده از گزینشی سنجیده از میان سخنان بزرگان است که به همت پژوهشگر ارجمند، آقای حمید خان احمدی انجام پذیرفت. این اثر که از سخنانی حیات بخش مایه گرفته است، می تواند چون آبی جاری، جای خود را در لابه لای سرزمین دل مخاطبان باز کند و با سیراب کردن جان آنها، به سرزمین اندیشه شان، سرسبزی و طراوت بخشد. بی تردید، نیاز جامعه اسلامی ما به این گونه کارهای ارزشمند، روزافزون است و امید داریم فرهنگ کهن این مرز و بوم با آثاری از این دست، بالنده تر و شکوفاتر گردد.

خاطرمان باشد که طنین انداز بودن سخنان گران مایه در گوش جان انسان ها، از سازوکارهای اصلی دست یابی به «بهشت نقد» در همین دنیای

زود گذر خواهد بود، همان گونه که حکیم ابوالقاسم فردوسی در این باره به زیبایی سروده است:

جهان از سخن کرده ام چون بهشت

از این بیش تخم سخن کس نکشت

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پیش‌گفتار

پیش‌گفتار

اخلاق و سفارش‌های اخلاقی، از پایه‌های بنیادین ادیان الهی و حتی مسلک‌ها و مرام‌های بشری به شمار می‌رود. درباره ماهیت و چیستی اخلاق، تعریف‌های متفاوتی با دیدگاه‌ها و جهان‌بینی‌های مختلف بیان شده است. از دیدگاه فلاسفه مادی و غربی؛ اخلاق، گاهی، ندای وجدان بشری؛ گاه، عنصری تابع منافع طبقاتی رنجبران؛ زمانی، شاخه‌ای از آگاهی انسان نسبت به طبیعت و خود و در بیانی دیگر، وظیفه انسان نسبت به دیگران توصیف شده است که این تعریف‌های متناقض، ابهام‌های فراوانی را درباره درستی آنها پدید می‌آورد.

بر اساس نوشته استاد شهید مطهری، از دیدگاه فلاسفه اسلامی، «اخلاق، یعنی حکومت عقل و اراده بر وجود انسان به طوری که تمام میل‌ها اعم از میل‌های فردی و میل‌های اجتماعی در اختیار عقل و اراده باشد»^(۱). بر پایه همین دیدگاه، خداوند در قرآن کریم با اشاره به آگاه بودن انسان بر خیر و شر خود به طور عام (که اخلاق را نیز می‌توان زیرمجموعه مهم و مؤثر آن برشمرد) پی‌آمدهای اطاعت یا نافرمانی از دستورهای الهی را که با اختیار و اراده آدمی صورت می‌پذیرد، یادآوری کرده است:

۱- مرتضی مطهری، فلسفه اخلاق، تهران، صدرا، ۱۳۸۳، ص ۵۳.

وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا. (شمس: ۷ _ ۱۰)

و قسم به جان آدمی و آن که آن را درست کرد. پس به او پلیدی و پرهیزکاری را الهام کرد. بی گمان، آن که جان را پاکیزه داشت، رستگار شد و آن که آن را بیالود، در باخت.

اکنون به تعریف های واژگانی «اخلاق» در برخی منبع های مرجع می پردازیم:

۱. «اخلاق، مأخوذ از تازی، خوی و طبیعت و عادت و طبع و مزاج، عادت و خصال و سلوک است».^(۱)

۲. «اخلاق، جمع خلق و خوی هاست و علم اخلاق، دانش بد و نیک خوی ها ... و به نقل از کشاف اصطلاحات الفنون، علم اخلاق عبارت است از علم معاشرت با خلق و آن از اقسام حکمت عملیه است و آن را تهذیب اخلاق و حکمت خلقیه نیز نامند ...».^(۲)

۳. «خلق، صفت زشت یا زیبای ریشه دار و تثبیت شده ای است که دارای آثار رفتاری در سلوک فردی و اجتماعی انسان می باشد».^(۳)

۴. «خلق، عبارت است از هیئت ثابت نفسانی که افعال به آسانی و بدون فکر و نظر از آن صادر می شود. اگر افعالی که از این هیئت صادر می شود، شرعاً و عقلاً پسندیده باشد، این هیئت، خلق نیکو و اگر زشت و ناپسند باشد، خلق بد نامیده می شود».^(۴)

۱- علی اکبر نفیسی، فرهنگ نفیسی، تهران، ۱۳۱۷، ذیل واژه «اخلاق».

۲- علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، واژه «اخلاق».

۳- فرهنگ جامع نوین، ذیل واژه «اخلاق».

۴- عبدالله بن محمد رضا شبر، اخلاق، قم، هجرت، ۱۳۷۴، ص ۱۰.

در اهمیت جایگاه «اخلاق» همین بس که حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله آن را «ظرف دین»^(۱) نامیده و فلسفه بعثت و رسالت خویش را اکمال و اتمام اخلاق دانسته است. به بیان شیوای خواجه نصیرالدین طوسی در اوصاف الاشراف: «خود حضرت رسالت، نقاب از چهره عروس این معنی، برانداخته و جمال این تلویح را بر سریر این تشریح جلوه داده که: بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»^(۲).

در این پژوهش، چهل گوهر ارزشمند از دریای اخلاق الهی و انسانی گرد آمده است.

اربعمینی است که درهای فتوح

زو گشاده است به خلوتگه روح

عبدالرحمان جامی

هر کدام از موضوع های اخلاقی به شرح زیر بخش بندی شده است:

۱. در بخش «کلام حق» آیه یا آیاتی که دلالت صریح یا تلویحی به موضوع دارند، به عنوان شاهی مبین آمده اند. (با یک مورد استثنا)

کتاب حق بخوان از نفس و آفاق

مزین شو به اصل جمله اخلاق

شیخ شبستری

۲. در بخش «اختران عصمت و ولایت»، حدیث یا احادیثی از نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله، امیر مؤمنان علی علیه السلام و دیگر ستارگان پرفروغ ولایت و امامت آورده شده است.

به اخلاق اهل کرم روی کن

به اکرام هر نیک و بدخوی کن

عبدالرحمان جامی

۳. در بخش «قند پارسی»، سخنان نغزی از شکرستان ادب پارسی برای شیرین کامی خوانندگان محترم، آورده ایم.

۲- محمد بن حسن نصیرالدین طوسی، اوصاف الاشراف، تهران، کتاب خانه مرکزی دانشگاه تهران، ۱۳۰۶، ص ۳.

شکرشکن شوند همه طوطیان هند

زین قند پارسی که به بنگاله می رود

حافظ شیرازی

۴. در بخش «حدیث دیگران»، (۱) سخن یا سخنانی از مشاهیر جهان برای افزودن بر ملاحات گفتار آمده است. باید دانست با تسامح و عنایت به حکم «أُنْظِرْ إِلَى مَا قَالَ وَ لَا تَنْتَظِرْ إِلَى مَنْ قَالَ» (۲) از سخن این گویندگان بهره گرفته شده است.

خنک آنکه در صحبت عاقلان

بیاموزد اخلاق صاحب دلان

سعدی

۵. در بخش «ضرب المثل»، نکته هایی در قالب ضرب المثل از ملت های جهان (به فارسی و انگلیسی) (۳) آورده شده است تا خوانندگان با مثل های دیگر اقوام جهان در موضوع های یاد شده آشنا شوند.

۶. در پایان، با بیان حکایتی منثور یا منظوم که بیشتر هم ادبی است، به موضوع اصلی، نگاهی دوباره می افکنیم. این بخش را با عنوان «گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت» آورده ایم.

در آوردن گواه ها، مثل ها و احادیث، سعی بر ایجاز و خلاصه گویی بوده است که: «خَيْرُ الْكَلَامِ، مَا قَلَّ وَ دَلَّ» (۴) با این حال، تصرف یا دخالتی در آنها صورت نگرفته است. تنها در موارد اندکی، برخی شواهد ادبی، تخلیص شده اند یا با در نظر گرفتن امانت داری، تغییرهای ناچیزی صورت گرفته است.

۱- خوش تر آن باشد که سر دلبران گفته آید در حدیث دیگران مولانا جلال الدین محمد بلخی

۲- به سخن بنگر، نه به صاحب سخن.

۳- برگرفته از: منوچهر موسوی، فرهنگ منظوم و منثور ضرب المثل هایی فارسی و انگلیسی، اردشیر غوث، مثل ها و اندیشه ها، منوچهر غدایانی، جنگ دهه زبانه مثل ها؛ اسدالله نوروزی، امثال و حکم انگلیسی، رونالد ریدوت، ضرب المثل ها؛ ترجمه: مسعود میرایی و حمیدرضا بلوچ؛ عبدالله قنبری، فرهنگ و ضرب المثل های انگلیسی.

۴- بهترین سخن آن است که کوتاه و گویا باشد.

ما بدان مقصد عالی نتوانیم رسید

هم مگر پیش نه‌د لطف شما گامی چند

حافظ شیرازی

گوهر اول: ادب (تربیت)

اشاره

گوهر اول: ادب (تربیت)

زیر فصل ها

کلام حق

اختران عصمت و ولایت

قند پارسی

حدیث دیگران

ضرب المثل

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

کلام حق

کلام حق

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَن تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ. (حجرات: ۲))

ای مؤمنان! صدایتان را از صدای پیامبر، فراتر نبرید و در گفتار با او بلند سخن نگویید، چنانکه با یکدیگر سخن می گوید. مبدا کردارهایتان بی آنکه خود دریابید، تباه شود.

(فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّهٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةٌ طَيِّبَةٌ. (نور: ۶۱))

پس چون به هر خانه ای در آمدید، به همدیگر سلام کنید؛ درودی که نزد خدا مبارک و پاکیزه است.

اختران عصمت و ولایت

اختران عصمت و ولایت

(هیچ پدری برای فرزندش، میراثی بهتر از ادب بر جای نمی گذارد. (۱))

((خطاب به امیرالمؤمنین): ای علی! حق فرزند بر پدر آن است که برایش نام نیکو برگزیند و او را به خوبی ادب بیاموزد و در موقعیت مناسبی قرار دهد. (۲))

حضرت امیر علیه السلام

(فرزندم! در راه ادب آموزی تو از فرصت استفاده کردم و پیش از آنکه دل کودکانه ات سخت شود و عقلت به اندیشه های دیگر مشغول گردد، به تربیت پرداختم و وظیفه پدری خود را انجام دادم. (۳))

(ادب، جامه ای کهنه ناشدنی است. (۴))

۱- بهاءالدین خرمشاهی و مسعود انصاری، پیام پیامبر، تهران، منفرد، ۱۳۷۶، ص ۸۳۷.

۲- بهاءالدین خرمشاهی و مسعود انصاری، پیام پیامبر، تهران، منفرد، ۱۳۷۶، ص ۱۲۹.

۳- مرتضی فرید تنکابنی، الحدیث (روایات تربیتی)، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۵۱.

۴- ابن شعبه حرانی، تحف العقول، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۲، ص ۱۳.

امام سجاد علیه السلام

(بارخدایا! مرا در تربیت و ادب و نیکوکاری فرزندانم یاری فرما. (۱))

امام صادق علیه السلام

(اگر از عمرت فقط دو روز باقی مانده باشد، یک روزش را به فرا گرفتن ادب و تربیت اختصاص بده تا روز مرگت، از سرمایه های اخلاقی روز قبل، یاری بخواهی. (۲))

قند پارسی

قند پارسی

(لقمان را گفتند ادب از که آموختی؟ گفت: از بی ادبان؛ هر چه از ایشان در نظرم ناپسند آمد، از آن پرهیز کردم.

گلستان سعدی

(ادب نه کسب عبادت، نه سعی حق طلبی است

به غیر خاک شدن، هر چه هست، بی ادبی است

بیدل دهلوی

(پرتو نیکان نگیرد هر که بنیادش بد است

تربیت، نا اهل را چون گردکان بر گنبد است

سعدی

(حافظا! علم و ادب ورز که در مجلس شاه

هر که را نیست ادب، لایق صحبت نبود

حافظ

(از خدا جوییم توفیق ادب

بی ادب محروم گشت از لطف رب

مثنوی معنوی

(خوی نیکو گیرد آن کز نیک یابد تربیت

۱- صحیفه سجادیه، ترجمه: عبدالحمید آیتی، تهران، سروش، ۱۳۷۵، ص ۴۰.

۲- الحدیث، ج ۱، ص ۵۳.

شیر حکمت نوشد آنک اُمّ الکتابش مادر است

نورالدین جامی

حدیث دیگران

حدیث دیگران

(اسکار وایلد: ادب خرجی ندارد، ولی همه چیز را می تواند بخرد.

(کنفوسیوس: اگر می خواهی کاری بکنی که در یک سال ثمر دهد، گندم بکار و اگر می خواهی کاری کنی که در طول سال ثمر دهد، درخت بکار و اگر می خواهی کاری بکنی که در صد سال ثمر دهد، مردم را تربیت کن.

ضرب المثل

ضرب المثل

.Manners make the man)

(انسان، با ادب و رفتارش شناخته می شود.

.Wise man learns by others faults)

(مرد عاقل از خطاهای دیگران، پند می آموزد.

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

(پادشاهی، پسری را به ادیبی داد و گفت: این فرزند توس، تربیتش همچنان کن که یکی از فرزندان خویش. ادیب خدمت کرد و متقبل شد و سالی چند برو سعی کرد و به جایی رسید و پسران ادیب در فضل و بلاغت منتهی شدند. ملک، دانشمند را مؤاخذت کرد و معایت فرمود که وعده خلاف کردی و وفا به جا نیاوردی. گفت: بر رأی خداوند روی زمین پوشیده نماند که تربیت، یکسان است و طبایع مختلف:

گرچه سیم و زر ز سنگ آید همی

در همه سنگی نباشد زرّ و سیم

بر همه عالم همی تابد سهیل

جایی انبان می کند، جایی ادیم^(۱)

۱- سعدی، گلستان، تهران، آتلیه هنر، ۱۳۷۵، ص ۱۲۱.

گوهر دوم: امانت داری

اشاره

گوهر دوم: امانت داری

زیر فصل ها

کلام حق

اختران عصمت و ولایت

قند پارسی

حدیث دیگران

ضرب المثل

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

کلام حق

کلام حق

(إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا. (نساء: ۵۸)

خداوند به شما فرمان می دهد امانت ها را به صاحب آنها بازگردانید.

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ. (انفال: ۲۷)

ای مؤمنان! به خداوند و پیامبر خیانت نکنید و در امانت های خود، دانسته، خیانت نورزید.

اختران عصمت و ولایت

اختران عصمت و ولایت

حضرت رسول صلی الله علیه و آله

(امانت (امانت داری) موجب رزق است و خیانت مایه فقر. (۱)

(کسانی که در سخن، راست گوتر و در ادای امانت، کوشاتر و در عهد و پیمان، باوفاتر و در اخلاق، نیکوتر و با مردم، گرم تر هستند، در قیامت، به من از همه نزدیک ترند. (۲)

حضرت امیر علیه السلام

(امانت را به کسی که تو را امین شمرده است، برگردان و به کسی که به تو خیانت کرده است، خیانت نکن. (۳)

۱- نهج الفصاحه، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران، دنیای دانش، ۱۳۸۲، حکمت ۱۰۶۲.

۲- الحدیث، ج ۱، ص ۴۷.

۳- علی رضا صابری یزدی و محمدرضا انصاری محلاتی، الحکم الزاهره، قم، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵، ص ۶۷۲.

امام سجاد علیه السلام

(بر شما باد به ادای امانت! اگر قاتل حسین بن علی علیه السلام، شمشیری را که با آن، حسین علیه السلام را کشت، نزد من به امانت می گذاشت، آن را به او باز می گرداندم. [\(۱\)](#))

امام صادق علیه السلام

(خداوند به همه برگزیدگان خود مأموریت داد مردم را به راست گویی و ادای امانت فرا خوانند؛ که ندای فطرت است. [\(۲\)](#))

قند پارسی

قند پارسی

(طریق مردمی و جوانمردی آن است که امانت مردمان را نپذیری یا چون بپذیری، نگاه داری تا به سلامت به خداوند آن باز رسانی.)

قابوس نامه

(مباحث از جمله زنده‌ارخوانان)

که یزدان است با زنده‌داران

ویس و رامین

(امین باید از داور اندیشناک)

نه از دفع دیوان و زجر و هلاک

بوستان سعدی

(خدا ترس باید امانت گزار)

امین کز تو ترسد، امینش مدار

بوستان سعدی

(امین می باش در حفظ امانت)

مكن يك لحظه اندر وى خيانت

ج

عطار نيشابورى

۱- الحکم الزاهره، ص ۶۷۲.

۲- الحديث، ج ۱، ص ۴۶.

حدیث دیگران

حدیث دیگران

(سید جمال الدین اسدآبادی: خائن با شنیدن فضایل امانت، امین نخواهد شد.

ضرب المثل

ضرب المثل

(Set not the fox to watch the geese)

(امانت خود را هرگز به روباه نسپريد.

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

(چنان که شنودم، مردی به سحرگاه از خانه بیرون رفت تا به گرمابه رود. به راه اندر، دوستی از آن خویش را دید. گفت: موافقت کنی تا به گرمابه شویم؟ گفت: تا به گرمابه با تو همراهی کنم، لیکن اندر گرمابه نتوانم آمدن که شغلی دارم و تا نزدیک گرمابه آمد. به سر راهی رسید، بی آنکه این مرد را خبر دهد، بازگشت و به راه دیگر رفت.

اتفاق را طراری از پس این مرد می رفت به طراری خویش. این مرد باز نگرید، طرار را دید و هنوز تاریک بود. پنداشت که آن دوست وی است. صد دینار در آستین داشت، بر دستارچه بسته، از آستین بیرون گرفت و بدین طرار داد و گفت: ای برادر، این امانت است به تو؛ چون من از گرمابه بیرون آیم، به من بازدهی.

طرار زر از وی بستد و آنجا مقام کرد تا وی از گرمابه بیرون آمد. روز روشن شده بود. جام پوشید و راست همی رفت. طرار وی را باز خواند و گفت: ای جوانمرد، زر خویش بازستان و سپس برو که امروز از شغل خویش فروماندم از این نگاه داشتن امانت تو. مرد گفت: این زر چیست و تو چه مردی؟ گفت: من مردی طرارم، تو این زر به من دادی.

گفت: اگر تو طّاری، چرا زر من نبردی؟ طّار گفت: اگر به بضاعت خویش بردمی، اگر هزار دینار بدادی، از یک جو نیندیشیدی و نه باز دادمی، لکن تو به زنهار به من دادی. زینهاردار نباید زینهارخوار باشد؛ که امانت بردن، جوانمردی نیست. (۱)

۱- کیکاووس بن قابوس بن وشمگیر، قابوس نامه، تهران، طهوری، ۱۳۴۳، ص ۲۳۷.

گوهر سوم: امید (رجا)

اشاره

گوهر سوم: امید (رجا)

زیر فصل ها

کلام حق

اختران عصمت و ولایت

قند پارسی

حدیث دیگران

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

کلام حق

کلام حق

(وَلَا تَيْأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْئَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ. (یوسف: ۸۷)

و از رحمت خداوند نومید نشوید؛ که جز گروه کافران، (کسی) از رحمت خداوند نومید نمی شود.

اختران عصمت و ولایت

اختران عصمت و ولایت

حضرت رسول صلی الله علیه و آله

(امید و آرزو، رحمتی است برای پیروان من. اگر امید نبود، هیچ مادری فرزندش را شیر نمی داد و باغبانی درختی نمی

نشانده. (۱)

(ای علی! چنان امیدوار زندگی کن که گویی سال های طولانی، زنده خواهی بود و چنان پروا کن همانند کسی که می ترسد

فردا بمیرد. (۲)

(خدایا! ناامیدی را بر خوش بینی من مسلط نکن و امیدى را كه به كرم نيكويت دارم، قطع نکن. [\(۳\)](#))

۱- غلام حسين ذوالفقارى، رهنمون، تهران، انتشارات سخن و صفار، ۱۳۶۹، ص ۲.

۲- پیام پیامبر، ص ۱۷۱.

۳- سيد هاشم رسولى محلاتى، صحيفه علويه، تهران، اسلامى، ۱۳۶۹، ص ۱۹۴.

(فرزندم! به خدا چنان امیدوار باش که اگر با گناهان اهل زمین در پیشگاه او حاضر شدی، تو را ببخشد. [\(۱\)](#))

امام صادق علیه السلام

(ناامیدی از خدا و رحمت او، از زمهریر، سردتر است. [\(۲\)](#))

قند پاریسی

قند پاریسی

(نقل است که صالح بن عبدالکریم گفت: رجاء و خوف در دل مؤمن، دو نور است. با او گفتند: کدام روشن تر؟ گفت: رجاء.)

تذکره الاولیا

با همه جرمم، امید؛ با همه خوفم، رجاست

گر درم ما مس است، لطف شما کیمیاست

سعدی

(چو تو امید هر امیدواری

امیدم هست که امیدم بر آری

گنجوی نظامی

حدیث دیگران

حدیث دیگران

(بالزاک: امید بهترین پشتوانه و عالی ترین نقطه اتکاست. همیشه امیدوار باشید و ناامیدی را از خود دور سازید.)

ضرب المثل

□ While there's life, there's hope □

□ تا زندگی هست، امید هم هست. □

□ If it were not for the hope, the heart would break

□ اگر به خاطر امید نبود، قلب انسان می شکست.

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

۱- الحدیث، ج ۳، ص ۴۴۰.

۲- موسی خسروی، مواعظ امامان علیهم السلام، تهران، اسلامیة، ۱۳۶۴، ص ۱۷۱.

(شنیدم که مستی ز تاب نبید

به مقصوره مسجدی در دوید

بنالید بر آستان کرم

که یارب! به فردوس اعلی بَرَم

مؤذن گریبان گرفتش که هین!

سگ و مسجد ای فارغ از عقل و دین؟

چه شایسته کردی که خواهی بهشت

نمی زبیدت ناز با روی زشت؟

بگفت این سخن، پیر و بگریست مست:

که مستم، بدار از من ای خواجه دست!

عجب داری از لطف پروردگار

که باشد گنه کاری امیدوار؟

تو را می نگویم که عذرم پذیر

در توبه باز است و حق، دست گیر

همی شرم دارم ز لطف کریم

که خوانم گنه پیش عفوش عظیم

من آنم ز پای اندر افتاده پیر

خدایا به فضل توأم دست گیر

نگویم بزرگی و جاهم ببخش

فروماندگی و گناه‌م ببخش

گرم دست گیری، به جایی رسم

و گر بفکنی، برنگیرد کسم

دلم می دهد وقت وقت این امید

که حق شرم دارد ز موی سفید

عجب دارم ار شرم دارد ز من

که شرم نمی آید از خویشتن

نه یوسف که چندان بلا دید و بند

چو حکمش روان گشت و قدرش بلند

گنه عفو کرد آل یعقوب را؟

که معنی بود صورت خوب را

به کردار بدشان مقید نکرد

بضاعات مزاجاتشان رد نکرد

ز لطف همین چشم داریم نیز

بر این بی بضاعات ببخش ای عزیز

کس از من سیه نامه تر دیده نیست

که هیچم فعال پسندیده نیست

جز اینک اعتمادم به یاری توست

امیدم به آمرزگاری توست

بضاعت نیازدم الا امید

گوهر چهارم: اندیشیدن (تفکر)

اشاره

گوهر چهارم: اندیشیدن (تفکر)

زیر فصل ها

کلام حق

اختران عصمت و ولایت

قند پارسی

حدیث دیگران

ضرب المثل

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت:

کلام حق

کلام حق

(إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ. (آل عمران: ۱۹۰ و ۱۹۱)

بی گمان، در آفرینش آسمان ها و زمین و پیاپی آمدن شب و روز، نشانه هایی برای خردمندان است. کسانی که خداوند را ایستاده و نشسته و آرمیده بر پهلو یاد می کنند و در آفرینش آسمان ها و زمین می اندیشند: پروردگارا! اینها را بیهوده نیافریده ای. پاکا که تویی! ما را از آتش (دوزخ) بازدار.

اختران عصمت و ولایت

اختران عصمت و ولایت

حضرت رسول صلی الله علیه و آله

(دو رکعت نماز بدون تکلف و مختصر، ولی همراه با اندیشه (تفکر) از یک شب عبادت (حضرت حق) [اما بدون اندیشه،
بهتر است. (۱)]

حضرت امیر علیه السلام

(هیچ عبادتی همانند اندیشیدن در آفریده های الهی نیست. (۲)

۱- محمدعلی مجاهدی، پاداش نیکی ها و کیفر گناهان، قم، سرور، ۱۳۸۱، ص ۱۳۰.

۲- الحدیث، ج ۱، ص ۳۲۵.

(اندیشیدن، آینه پاکی است که حقیقت را به آدمی نشان می دهد. عبرت گرفتن از دیگران، ترساننده ای است که به انسان، پند و اندرز می گوید. (۱))

امام صادق علیه السلام

(بهترین عبادت، همواره اندیشیدن درباره خدا و قدرت اوست. (۲))

(بیشتر عبادت ابوذرا، اندیشه کردن و پند گرفتن بود. (۳))

قند پاریسی

قند پاریسی

(شیخ [ابوسعید ابوالخیر] را پرسیدند از تفسیر این خبر: «تَفَكَّرْ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَنَةٍ». شیخ گفت: یک ساعت اندیشه از نیستی، خود بهتر از یک ساله طاعت به اندیشه هستی خویش.

اسرار التوحید

(اگر به جیب تفکر فرو بری سر خویش

گذشته های قضا را ادا توانی کرد

دیوان شمس

(چنان کن از تفکر عقل و تمیز

که در عالم، یکی بینی همه چیز

عطار نیشابوری

(از یک اندیشه که آید در درون

صد جهان گردد به یک دم سرنگون

مثنوی معنوی

(ای برادر! تو همه اندیشه ای

مابقی خود استخوان و ریشه ای

مثنوی معنوی

(تفکر رفتن از باطل سوی حق

به جزو اندر بدیدن کل مطلق

گلشن راز شبستری

۱- الحدیث، ج ۱، ص ۳۲۵.

۲- ثقه الاسلام کلینی، اصول کافی، ترجمه: حاج سید جواد مصطفوی، تهران، علمیه اسلامیة، ج ۳، ص ۹۱.

۳- شیخ صدوق، خصال، ترجمه: مدرس گیلانی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات جاویدان، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۳۲.

حدیث دیگران

حدیث دیگران

(ولتر: هرچه بیشتر فکر می کنم، بهتر می فهمم که هیچ نمی دانم.

ضرب المثل

ضرب المثل

(Laugh and grow fat.

(فکر خوب و شیرین، مرد را فربه می کند.

(You never know what you can do till you try.

(فکر هر کس به قدر همت اوست.

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت:

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت:

(محمد بن واسع گفت: مردی از اهل بصره پس از وفات ابی ذر بر «أُم ذر» همسر وی رفت و از عبادت اباذر پرسید. گفت:

همه روز در گوشه خانه بودی و تفکر کردی. [\(۱\)](#)

۱- محمد بن محمد غزالی، احیاء علوم الدین، ترجمه: مؤیدالدین محمد خوارزمی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴، چ ۴، ج ۴، ص ۷۴۹.

گوهر پنجم: پاکدامنی (حیا)

اشاره

گوهر پنجم: پاکدامنی (حیا)

زیر فصل ها

کلام حق

اختران عصمت و ولایت

قند پارسی

حدیث دیگران

ضرب المثل

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

کلام حق

کلام حق

(قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ... وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَمَّا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا. (نور: ۳۰ و ۳۱)

به مردان مؤمن بگو دیدگان (از نگاه حرام) فرو دارند و پاک دامنی ورزند... و به زنان مؤمن بگو دیدگان (از نگاه حرام) فرو دارند و پاک دامنی ورزند و زیور خود را آشکار نگردانند، مگر آنچه از آنکه خود پیداست....

اختران عصمت و ولایت

اختران عصمت و ولایت

حضرت رسول صلی الله علیه و آله

(حیا، دو گونه است: حیای عقل و حیای بی عقلی. حیای عقل، دانایی و حیای بی عقلی، نادانی است. (۱))

(هر دینی، اخلاقی دارد و خُلق [\(۲\)](#) اسلام، حیا است.

(حیا و ایمان با همدیگر وابسته اند. چون یکی از میان برود، دیگری هم از میان می رود. [\(۳\)](#))

۱- پیام پیامبر، ص ۴۴۹.

۲- مشکاه الانوار، ص ۲۱۹.

۳- پیام پیامبر، ص ۴۴۹.

حضرت امیر علیه السلام

(آن که در راه خدای پیکار می کند و کشته می شود، پاداشش بیشتر از کسی نیست که بر عفت و پاک دامنی تواناست و آن را به کار می برد. شخص پاک دامن نزدیک است فرشته ای از فرشتگان شود. (۱))

(هر کس جامه حیا را بر خود بپوشاند، عیش از مردم پوشیده می ماند. (۲))

امام صادق علیه السلام

(ای مُفَضِّل! آنچه انسان بدان مخصوص شده از دیگر حیوانات و عظیم النفع است، حیاست. اگر حیا نبود، هیچ کس مهمان داری نمی کرد و وفا به عهد نمی کرد و حوایج مردم را بر نمی آورد و ارتکاب نیکی ها و اجتناب از قبایح و بدی ها نمی کرد. (۳))

امام کاظم علیه السلام

(از امثال انبیاء، فقط کلمه ای باقی مانده است و آن این است که اگر حیا نداری، هر کاری می خواهی بکن. (۴))

قند پارسی

قند پارسی

(سر دفتر کلام اخلاق و محاسن، «حیا» است که اصل درخت ایمان و دوحه اغصان اسلام است و مصطفی صلی الله علیه و آله در فضایل او مبالغت نموده است و ذکر او را مخ عبادت فرموده که «الْحَيَاءُ، مُخُّ الْعِبَادَةِ».

جوامع الحکایات

(چو ظاهر به عفت بیاراستم

تصرف مکن در کژ و راستم

۱- نهج البلاغه، کلمات قصار، ش ۱۱۲.

۲- میزان الحکمه، ص ۵۶۳.

۳- محمدباقر مجلسی، توحید مفضل، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۹، ص ۱۰۳.

۴- مشکاه الانوار، ص ۲۲۰.

بوستان سعدی

(پاکیزه روی را که بود پاک دامن

تاریکی از وجود بشوید به روشنی

سعدی

(شرم چون رفت، رفت عفت هم

تقوا و مردی و فتوت هم

ملک الشعرا بهار

نمی اندیشد از غماز هر کس پاک دامن شد

که بر تقصیر یوسف، پرده چاک پیرهن پوشد

صائب تبریزی

صورت شرمی تو اندر سیرت پاکی بلی

با چنان ایمان کامل، این چنین باید حیا

سنایی غزنوی

حدیث دیگران

حدیث دیگران

(ادیسون: حجب و حیا، نه تنها آرایش نیست، بلکه نگهداری فضا است.

ضرب المثل

ضرب المثل

(He that has no shame, has no conscience)

(هر که شرم و حیا ندارد، وجدان ندارد.

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

(زلیخا چو گشت از می عشق، مست

به دامان یوسف در آویخت دست

چنان دیو شهوت رضا داده بود

که چون گرگ در یوسف افتاده بود

بتی داشت بانوی مصر از زُخام

بر او معتکف، بامدادان و شام

در آن لحظه رویش پوشید و سر

مبادا که زشت آیدش در نظر

دل آزرده یوسف به کنجی نشست

به سر بر ز نفس ستم کاره، دست

زلیخا دو دستش ببوسید و پای

که ای سست پیمان سرکش در آی!

به سندان دلی، روی در هم مکش

به تندی پریشان مکن وقت خوش

روان گشتش از دیده بر چهره، جوی

که برگرد و ناپاکی از من مجوی

تو از روی سنگی، شدی شرمسار

مرا شرم ناید ز پروردگار؟ (۱)

گوهر ششم: پاکیزگی

اشاره

گوهر ششم: پاکیزگی

زیر فصل ها

کلام حق

اختران عصمت و ولایت

قند پارسی

ضرب المثل

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

کلام حق

کلام حق

(... لَمَسَّجِدُ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ. (توبه: ۱۰۸))

بی گمان، مسجدی که از روز نخست، بنیان آن را به پرهیزگاری نهاده اند، سزاوارتر است که در آن حاضر شوی. در آن، مردانی هستند که پاکیزه کردن (خود) را دوست می دارند و خداوند، پاکیزگان را دوست می دارد.

اختران عصمت و ولایت

اختران عصمت و ولایت

حضرت رسول صلی الله علیه و آله

(پاکیزگی از نشانه های ایمان است. (۱))

(جامه سپید بپوشید که آن پاک تر و پاکیزه تر است. (۲))

(اولین چیزی که بنده برای آن به حساب کشیده می شود، پاکیزگی است. اگر پاکیزگی اش خوب باشد، نمازش هم مانند

پاکیزگی اش است. اگر نمازش خوب باشد، دیگر کردارهایش نیز چنین خواهد بود.^(۳)

۱- باقری بیدهندی، گنج حکمت یا احادیث منظوم، قم، کتاب فروشی و نشر روح، ۱۳۶۳، ص ۲۸.

۲- ۲ محمد رضا، محمود و علی حکیمی و احمد آرام، الحیاء، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰، ج ۶، ص ۲۱۲.

۳- پیام پیامبر، ص ۳۸۳.

حضرت امیر علیه السلام

(جامه پاکیزه، غم و اندوه را می زداید و [شایسته است] با آن نماز خواند. (۱))

(آراستگی از اخلاق مؤمنان است. (۲))

امام صادق علیه السلام

(رسول الله صلی الله علیه و آله فرموده بود که اگر مایه زحمت اتم نمی شدم، به آنان فرمان می دادم هنگامی که برای نماز وضو می گیرند، مسواک کنند. (۳))

(خداوند وقتی به بنده ای نعمتی داد، دوست دارد اثر آن را در زندگی او ببیند. پرسیدند: این ظهور نعمت خدا در زندگی چگونه باید باشد؟ فرمود: لباس های تمیز بپوشد. از عطر و بوهای خوش استفاده کند. خانه اش را گچ کاری کند. حیاط و خانه را جاروب کند و تمیز نگاه دارد. حتی روشن کردن چراغ پیش از غروب، فقر را از بین می برد و روزی را فراوان می کند. (۴))

امام رضا علیه السلام

(پاکیزگی از اخلاق پیامبران است. (۵))

قند پاریسی

قند پاریسی

(پاکی و پاکیزگی از دین بود

مشرک بدین، سگ چرکین بود

ملک الشعراء بهار

برگزین از کارها، پاکیزگی و خوی نیک

۱- الحیاء، ج ۶، ص ۲۱۳.

۲- الحیاء، ج ۶، ص ۲۱۴.

۳- الحیاء، ج ۶، ص ۷۱۰.

٤- الحياه، ج ٦، ص ٢١٦.

٥- الحكم الزاهره، ص ٧٠٩.

کز همه دنیا، گزین خلق دنیا این گزید

ناصر خسرو

(به پاکی ز گل ها رباییم گوی

که پاکیزه روییم و پاکیزه خوی

رهی معیری

(پس نیست جای مؤمن پاکیزه

دوزخ که جای کافران ملعون است

ناصر خسرو

تو گران سنگی و پاکیزگی آموز، چه باک

گر نپویند به راه تو سبکساری چند

پروین اعتصامی

ضرب المثل

ضرب المثل

(Cleanliness is next to Godliness)

پاکیزگی پس از خداشناسی (و ایمان) قرار دارد.

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

(جوانی گفت با پیر خردمند

که ای درد مرا فکر تو درمان!

بگو ایمان که و ایمان چه باشد

که گفتار توأم بفزاید ایقان

بگفتا: فهم این معنی است مشکل

به صورت گر چه می پنداری آسان

ولیکن گویمت یک نکته بنیوش

که تا آگه شوی زین راز پنهان

ره پاکیزگی می پوی در عمر

بشو از هر پلیدی، جسم و هم جان

ازاین رو، مقتدای خلق فرمود:

بود پاکیزگی جزیی ز ایمان

به هر دفتر که بینی، نیست جاوید

از این معنی، به از این گفته، برهان(۱)

گوهر هفتم: پا یداری (استقامت)

اشاره

گوهر هفتم: پا یداری (استقامت)

زیر فصل ها

کلام حق

اختران عصمت و ولایت

قند پارسی

حدیث دیگران

ضرب المثل

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

کلام حق

کلام حق

(إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ. (احقاف: ۱۳)

آنان که گفتند پروردگار ما خداوند است، سپس ایستادگی کردند، نه بیمی خواهند داشت و نه اندوهگین می شوند.

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ. (محمد: ۷)

ای مؤمنان! اگر خدا را یاری کنید، شما را یاری می کند و گام هایتان را استوار می دارد.

(وَ أَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا. (جن: ۱۶)

و (به من وحی شده است) که اگر به راه (حق) پایداری ورزند، آنان را از آبی (و رفاهی) فراوان سیراب می کنیم.

اختران عصمت و ولایت

اختران عصمت و ولایت

حضرت رسول صلی الله علیه و آله

(آن که در راه راستی استقامت نکند، گمراهی، او را زیان رساند. [\(۱\)](#))

حضرت امیر علیه السلام

(کار اندکی که بر آن مداومت کنی، امیدبخش تر از کار بسیاری است که از آن ملول شوی. [\(۲\)](#))

۱- سید عبدالحسین رضایی، کتاب الروضه در مبانی اخلاق، تهران، اسلامیه، ۱۳۶۴، ص ۳۰۵.

۲- الحیاه، ج ۱، ص ۵۰۵.

امام باقر علیه السلام

(درست ترین کارها نزد خدای بزرگ، کاری است که بنده بر آن مداومت کند، هر چند اندک باشد. [\(۱\)](#))

امام صادق علیه السلام

(پسر جندب! اگر شیعیان ما استقامت بورزند، فرشتگان با آنها مصافحه خواهند کرد و ابر بر سرشان سایه می افکند و روزهای روشن و تابان دارند و از بالا و پایین، نعمت بر آنها فرو می ریزد و هر چه از خدا بخواهند، به ایشان می بخشد. [\(۲\)](#))

قند پارسی

قند پارسی

چون الف، هر چند ما را از دو عالم، هیچ نیست

ز استقامت، سقف گردون را به پا داریم ما

صائب تبریزی

دست از طلب ندارم تا کام من بر آید

یا تن نرسد به جانان یا جان زن تن درآید

حافظ شیرازی

حدیث دیگران

حدیث دیگران

(لافونتن: هرچه بخواهید، به دست خواهید آورد به این شرط که استقامت را سرمایه خود قرار دهید.

(جدا شد یکی چشمه از کوهسار

به ره گشت ناگه به سنگی دچار

به نرمی چنین گفت با سنگ سخت:

کرم کرده راهی ده ای نیک بخت!

جناب اجل کش گران بود سر

زدش سیلی و گفت، دور ای پسر!

نشد چشمه از پاسخ سنگ، سرد

به کنند در استاد و ابرام کرد

بسی کند و کاوید و کوشش نمود

کز آن سنگ خارا، رهی برگشود

ز کوشش به هر چیز خواهی رسید

به هر چیز خواهی، کماهی رسید

گرت پایداری است در کارها

شود سهل پیش تو دشوارها(۳)

ضرب المثل

ضرب المثل

(قطره آب، سنگ را سوراخ می کند. مثل روسی

۱- الحیاء، ج ۱، ص ۵۰۵.

۲- مواظ امامان، ص ۲۴۷.

۳- محمدتقی بهار، دیوان اشعار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۶، ص ۱۴۳.

(Diligence is the mother of good luck)

(سخت کوشی، مادر خوش شانس است.

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

□ جدا شد یکی چشمه از کوهسار

به ره گشت ناگه به سنگی دچار

به نرمی چنین گفت با سنگ سخت:

کرم کرده راهی ده ای نیک بخت!

جناب اجل کش گران بود سر

زدش سیلی و گفت، دور ای پسر!

نشد چشمه از پاسخ سنگ، سرد

به کنند در استاد و ابرام کرد

بسی کند و کاوید و کوشش نمود

کز آن سنگ خارا، رهی برگشود

ز کوشش به هر چیز خواهی رسید

به هر چیز خواهی، کماهی رسید

گرت پایداری است در کارها

شود سهل پیش تو دشوارها (۱)

گوهر هشتم: پدر و مادر (والدین)

اشاره

گوهر هشتم: پدر و مادر (والدین)

زیر فصل ها

کلام حق

اختران عصمت و ولایت

قند پارسی

حدیث دیگران

ضرب المثل

کلام حق

کلام حق

(وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا. (بقره: ۸۳)

و (یاد کنید) آن گاه را که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که به جز خداوند را نپرستید و با پدر و مادر (خود) نیکی کنید.

(وَفَضَّلَ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَنْفُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا. (اسراء: ۲۳)

و پروردگارت فرمان داده است که جز او را نپرستید و به پدر و مادر نکویی کنید. اگر هر یک از آن دو یا هر دو نزد تو به پیری رسند، به آنان اف مگو و بر آنها بانگ مزین و با ایشان سخن به نکویی بگوی.

اختران عصمت و ولایت

اختران عصمت و ولایت

حضرت رسول صلی الله علیه و آله

(خشنودی خدا با خشنودی پدر و مادر و خشم خدا با خشم پدر و مادر است. [\(۱\)](#))

(نگاه محبت آمیز فرزند به پدر و مادرش، عبادت است و در پیشگاه الهی استحقاق پاداش دارد. [\(۲\)](#))

۱- الحکم الزاهره، ص ۴۴۸.

۲- الحدیث، ج ۳، ص ۳۳۸.

(هر آن کس که به پدر و مادرش نیکی کند، خوشا به حال او، خداوند بر عمرش بیفزاید. (۱))

حضرت امیر علیه السلام

(نیکی به پدر و مادر حسنه ای است که برای آخرت پیش فرستی. (۲))

(هر کس به پدر و مادر خود نیکویی کند، فرزندانیش نیز با او چنان خواهند کرد. (۳))

امام صادق علیه السلام

(هر کس می خواهد هنگام جان دادن، راحت بمیرد، باید از خویشاوندانش دلجویی کند و به پدر و مادرش نیکی کند. هرگاه چنین کند، مرگ بر او آسان می شود و در زندگی فقیر نخواهد شد. (۴))

قند پاریسی

قند پاریسی

(کمتر حرمت پدر و مادر آن است که هر دو واسطه اند میان تو و آفریدگار تو. پس چندان که آفریدگار خود را و خود را حرمت داری، واسطه را نیز در خور او بیاورد داشت.)

قابوس نامه

(وقتی به جهل جوانی، بانگ بر مادر زدم، به کنجی نشست و گریان همی گفت: مگر خُردی فراموش کردی که درشتی می کنی؟)

چه خوش گفت زالی به فرزند خویش

چو دیدش پلنگ افکن و پیل تن

۱- پیام پیامبر، ص ۳۹۱.

۲- حمیدرضا شیخی و داعی شیرازی، نثر الّالّی، تهران، الهام، ۱۳۷۷، ص ۵۵.

۳- تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، شرح: آقا جمال الدین خوانساری، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۶، ج ۵، ص ۴۵۴.

۴- فضل بن حسن طبرسی، مشکاه الانوار، ترجمه: عزیزالله عطاردی، تهران، عطارد، ۱۳۷۴، ص ۱۵۲.

گر از عهد خردیت یاد آمدی

که بیچاره بودی در آغوش من

نکردی در این روز بر من جفا

که تو شیرمردی و من پیرزن

گلستان سعدی

رضای مادر و خشنودی پدر جویم

که در کتاب خود ایزد مرا چنین فرمود

امیر معزی

حدیث دیگران

حدیث دیگران

(سقراط: با پدر و مادر خود چنان رفتار کن که از فرزندان خود توقع داری.

(ناپلئون: مادر، با دستی گهواره کودک و با دستی دیگر دنیا را تکان می دهد.

ضرب المثل

ضرب المثل

(خانه بی مادر، تاریک است. (مثل انگلیسی)

A mothers goodness is deeper than sea and a father goodness is higher than
.mountain

(عشق و محبت مادری، عمیق تر از دریاها و عشق و محبت پدری، بلندترین قله های کوه هاست.

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

(گویند مرا چو زاد مادر

پستان به دهن گرفتن آموخت

شب ها بر گاهواره من

بیدار نشست و خفتن آموخت

دستم بگرفت و پا به پا برد

تا شیوه راه رفتن آموخت

یک حرف و دو حرف بر زبانم

الفاظ نهاد و گفتن آموخت

لبخند نهاد بر لب من

بر غنچه گل شگفتن آموخت

پس هستی من ز هستی اوست

تا هستم و هست، دارمش دوست [\(۱\)](#)

۱- ایرج میرزا، دیوان اشعار، تهران، کتاب خانه مظفری، ۱۳۱۱، ص ۱۱۷.

گوهر نهم: پرهیزگاری (تقوا)

اشاره

گوهر نهم: پرهیزگاری (تقوا)

زیر فصل ها

کلام حق

اختران عصمت و ولایت

قند پارسی

حدیث دیگران

ضرب المثل

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

کلام حق

کلام حق

(الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَهُمْ مِّنَ السَّاعَةِ مُشْفِقُونَ. (انبیا: ۴۹)

(پرهیزگاران) آنان که از پرورگارشان در نهان می هراسند و از رستاخیز می ترسند.

(إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ. (نحل: ۱۲۸)

بی گمان، خدا با کسانی است که پرهیزگاری می ورزند و [با] کسانی است که نیکوکارند.

(ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِن قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ أُولَٰئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ. (بقره: ۲ _ ۵)

این است کتابی که در [حقانیت] آن هیچ تردیدی نیست و مایه هدایت تقوایندگان است. کسانی که «غیب» را باور دارند و نماز را بر پا می دارند و از آنچه به آنان روزی داده ایم، می بخشند و کسانی که به آنچه بر تو و به آنچه پیش از تو فرو

فرستاده اند، ایمان و به جهان واپسین یقین دارند. آنهایند که از هدایتی از جانب پروردگارشان برخوردارند و آنها همان رستگارانند.

اختران عصمت و ولایت

اختران عصمت و ولایت

حضرت رسول صلی الله علیه و آله

(گرامی ترین مردم، پرهیزگارترین آنها هستند. [\(۱\)](#))

۱- پیام پیامبر، ص ۳۹۳.

(مسلمانانی که از یک گناه پرهیزد، پاداش هفتاد حج مقبول در پیشگاه خدا را دارد. (۱))

حضرت امیر علیه السلام

(سرکرده تمام خوی های نیک، تقوا و ترس از خداست. (۲))

(پرهیز از گناه و تقوای الهی در راه سعادت، بهتر از نیکوکاری است. (۳))

امام باقر علیه السلام

(سخت ترین عبادت ها، پرهیزکاری است. (۴))

امام صادق علیه السلام

(گریه ظاهر فریاد، شما را نفریبد؛ چون تقوا، امری قلبی و باطنی است. (۵))

قند پاریسی

قند پاریسی

(و پسندیده تر افعال و اخلاق مردمان، تقواست.)

کلیله و دمنه

(عارفی بر گروهی بگذشت. وی را گفتند اینان زاهدانند. عارف گفت: دنیا خود چه ارزد تا کسی که از آن پرهیزد، در خور

سپاس بود؟)

کشکول شیخ بهایی

به آب دیده بشویم خرقة ها از می

که موسم ورع و روزگار پرهیز است

خواجه حافظ شیرازی

گر شما را طاعت است و زهد و تقوا و ورع

- ۱- الحدیث، ج ۱، ص ۹۵.
- ۲- گنج حکمت، ص ۱۷.
- ۳- الحدیث، ج ۱، ص ۹۷.
- ۴- اصول کافی، ج ۳، ص ۱۲۲.
- ۵- مشکاه الانوار، ص ۳۹.

عطار نیشابوری

هر که او با عقل باشد، متقی است

این شقاوت بی شکی از احمقی است

عطار

(راه تقوا و ورع گر سپری

پندگیری تو ز قرآن چه شود

ملا محسن فیض کاشانی

حدیث دیگران

حدیث دیگران

(سلیمان نبی: پرهیزگار باش و امر خدا را اطاعت کن تا به کمال انسانیت برسی.

(افلاطون: به پرهیزگاری عادت کنید؛ که توشه آخرت و نجات دنیاست.

(بتهوون: همواره تقوا را به کودکان خود توصیه کنید. تنها تقوا عامل خوشبختی است، نه ثروت.

ضرب المثل

ضرب المثل

Virtue is its own reward)

(تقوا، خود پاداش خود است.

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

یکی از وزرا پیش ذوالنون مصری رفت و همت خواست که روز و شب به خدمت سلطان مشغولم و به خیرش امیدوارم و از عقوبتش ترسان. ذوالنون گریست و گفت: اگر من از خدای عزوجل چنان ترسیدمی که تو از سلطان، از جمله صدیقان

گوهر دهم: پند (نصیحت)

اشاره

گوهر دهم: پند (نصیحت)

زیر فصل ها

کلام حق

اختران عصمت و ولایت

قند پاریسی

ضرب المثل

گر نکته دان عشقی بشنو تو این حکایت

کلام حق

کلام حق

(أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنْصَحُ لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ. (اعراف: ۶۲)

(نوح خطاب به قومش): پیام های پروردگارم را به شما می رسانم و برای شما خیرخواهی (و نصیحت) می کنم.

اختران عصمت و ولایت

اختران عصمت و ولایت

حضرت رسول صلی الله علیه و آله

(برترین مردمان به نزد خداوند در روز قیامت، کسی است که بیشتر برای خیرخواهی بندگانش تلاش می کند. (۱))

(هرکس باید در حق برادر مسلمانش چنان خیرخواه باشد که در حق خود خیرخواهی می کند. (۲))

حضرت امیر علیه السلام

(فرزند عزیز! من هیچ وقت در انجام وظیفه نصیحت به تو کوتاهی نکردم و در اندرز گفتنت مسامحه نوریذدم... که من از روی مهر پدری در اندیشه نیک بختی و رستگاری تو هستم. [\(۳\)](#))

۱- پیام پیامبر، ص ۶۵۹.

۲- پیام پیامبر، ص ۶۵۹.

۳- الحدیث، ج ۱، ص ۳۰۲.

امام صادق علیه السلام

(بر مؤمن واجب است که ناصح و خیرخواه مؤمن باشد. (۱))

امام حسن عسکری علیه السلام

(آن کس که برادر خود را در خفا اندرز گوید، به وی جمال و زیبایی بخشیده است و کسی که به برادرش آشکارا نصیحت کند، وی را ناآراسته ساخته است. (۲))

قند پاریسی

قند پاریسی

(نصیحت از دشمن پذیرفتن خطاست، ولی شنیدن رواست تا به خلاف آن کار کنی که عین صواب است.

گلستان سعدی

(هر که نصیحت نشنود، سر ملامت شنیدن دارد.

چون نیاید نصیحتت در گوش

اگر سرزنش کنم، خاموش

گلستان

نصیحت گوش کن جانا که از جان دوست تر دارند

جوانان سعادت‌مند، پند پیر دانا را

حافظ شیرازی

(نصیحتی کنمت، بشنو و بهانه مگیر

هر آنچه ناصح مشفق بگویدت، بپذیر

حافظ

(گفت «الدَّيْنُ نَصِيحَه» آن رسول

آن نصیحت در لغت، ضد غلول

مثنوی معنوی

۱- اصول کافی، ج ۳، ص ۲۹۶.

۲- الحدیث، ج ۱، ص ۳۰۴.

(در خانه گر کس است، یک حرف بس است.

خواجه عبدالله انصاری

ضرب المثل

ضرب المثل

(A fool may give a wise man counsel)

(یک دیوانه نیز می تواند به یک مرد عاقل پند دهد.

(تنها نصیحتی کردم، به آن عمل می کنند و بابتش پول می پردازند. [این] سخنی است که پزشک یا وکیل مدافع می گوید.
(مثل ایرلندی)

گر نکته دان عشقی بشنو تو این حکایت

گر نکته دان عشقی بشنو تو این حکایت

(کاروانی در زمین یونان بزدند و نعمت بی قیاس بردند. بازرگانان گریه و زاری کردند و خدا و پیغمبر شفیع آوردند؛ فایده نبود.

چو پیروز شد دزد تیره روان

چه غم دارد از گریه کاروان

لقمان حکیم اندر آن کاروان بود. یکی گفتش از کاروانیان مگر اینان را نصیحت کنی و موعظه ای گویی تا طرفی از مال ما دست بدارند که دریغ باشد چندین نعمت که ضایع شود. گفت: دریغ کلمه حکمت باشد با ایشان گفتن.

آهنی را که موریانه بخورد

نتوان برد از او به صیقل، زنگ

با سیه دل چه سود، گفتن وعظ

نرود میخ آهنین در سنگ (۱)

گوهر یازدهم: تواضع (فروتنی)

اشاره

گوهر یازدهم: تواضع (فروتنی)

زیر فصل ها

کلام حق

اختران عصمت و ولایت

قند پارسی

حدیث دیگران

ضرب المثل

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

کلام حق

کلام حق

(وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا. (فرقان: ۶۳)

و بندگان خداوند بخشنده آنانند که بر زمین فروتنانه گام برمی دارند و هرگاه نادانان، ایشان را طرف خطاب قرار دهند، پاسخی نرم گویند.

(وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ. (شعرا: ۲۱۵)

و با مؤمنانی که از تو پیروی می کنند، افتادگی کن.

اختران عصمت و ولایت

اختران عصمت و ولایت

حضرت رسول صلی الله علیه و آله

(به راستی، تواضع بر بزرگی شخص فروتن، می افزاید. پس فروتنی کنید تا خداوند به شما بلندی بخشد. [\(۱\)](#))

(هرگاه فروتنان امت مرا دیدید، شما هم برای آنها تواضع کنید و هرگاه متکبران را دیدید، شما هم به آنها تکبر کنید که این مایه خواری و کوچکی آنهاست. [\(۲\)](#))

۱- پیام پیامبر، ص ۵۹۹.

۲- ابی الحسین ورام بن ابی فراس المالکی الاشری، مجموعه ورام، ترجمه: محمدرضا عطایی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹، ص ۳۷۴.

حضرت امیر علیه السلام

(تواضع، مرد را برافرازد و تکبر، او را خوار سازد. (۱))

(تاج فروتنی را بر سر نهید و تکبر و خودپسندی را زیر پا بگذارید و حلقه های زنجیر خودبزرگ بینی را از گردن باز کنید و فروتنی را میان خود و شیطان و لشکریانش سنگر قرار دهید. (۲))

امام صادق علیه السلام

(پیشی گرفتن بر دیگران در سلام و درود، از فروتنی است. (۳))

(بدانید هر مؤمنی که در برابر زورمداری که مخالف آیین اوست، از روی آزمندی، فروتنی کند، خداوند او را به وی وامی گذارد و بر او خشم می گیرد. (۴))

قند پاریسی

قند پاریسی

(هر که گردن به دعوی افرازد

دشمن از هر طرف برو تازد

سعدی، افتاده ای است آزاده

کس نیاید به جنگ افتاده

دیباچه گلستان

(خاک صفت راه تواضع گزین

خاکی و از خاک نیاید جز این

وحشی بافقی

تواضع گرچه محبوب است و فضل بی کران

نشاید کرد با هر کس که هیبت را زیان دارد

۱- غررالحکم، ج ۱، ص ۵.

۲- نهج البلاغه، ترجمه: سید جعفر شهیدی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸، ص ۳۸۵.

۳- خصال، ج ۱، ص ۱۰.

۴- پاداش نیکی ها و کیفر گناهان، ص ۶۲۴.

مواعظ سعدی

آن کس که فروتن است، گیرندش دست

آرند فراترش ز هر پایه که هست

و آن کو ز غرور و سرکشی باشد مست

از پای در افتد آخر و گردد پست

ابوالقاسم حالت

حدیث دیگران

حدیث دیگران

(گاندی: شاخ پر بار سر به زمین می نهد و عظمت آن همچنان در فروتنی او جلوه گر است.

(شکسپیر: تواضع، نردبان بزرگی و بلندی است.

ضرب المثل

ضرب المثل

(آب زیاد، صدایش کم است. (مثل هندی)

.Empty vessels make the most sound)

(ظروف خالی بیشترین صدا را می کنند.

.A high hanging bunch of grapes is sour)

(خوشه انگوری که در بالاتر است، ترش است.

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

یکی قطره باران ز ابری چکید

خجل شد چو پهنای دریا بدید

که جایی که دریاست، من کیستم

چو او هست، حقا که من نیستم

چو خود را به چشم حقارت بدید

صدف در کنارش به جان پرورید

سپهرش به جایی رسانید کار

که شد نامور لؤلؤ شاهوار

بلندی از آن یافت کو پست شد

در نیستی کوفت تا هست شد [\(۱\)](#)

۱- بوستان سعدی، ص ۱۰۱.

گوهر دوازدهم: توبه (پشیمانی)

اشاره

گوهر دوازدهم: توبه (پشیمانی)

زیر فصل ها

کلام حق

اختران عصمت و ولایت

قند پارسی

حدیث دیگران

ضرب المثل

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

کلام حق

کلام حق

(وَمَنْ تَابَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَإِنَّهُ يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ مَتَابًا). (فرقان: ۷۱)

و هر که توبه آرد و کرداری شایسته دارد، بی گمان، به سوی خداوند به بایستگی باز می گردد.

(فَأَمَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَغَسَىٰ أَنْ يَكُونَ مِنَ الْمُفْلِحِينَ. (قصص: ۶۷)

آن که توبه کرده و ایمان آورده و کار شایسته انجام داده است، امید است که از رستگاران باشد.

اختران عصمت و ولایت

اختران عصمت و ولایت

حضرت رسول صلی الله علیه و آله

(همانا خدای عزوجلّ توبه بندگان را تا دم مرگ می پذیرد. [\(۱\)](#))

(محبوب تر از هر چیز نزد خدا، جوانی است که از گناه توبه می کند و از پیشگاه الهی آمرزش می خواهد. [\(۲\)](#))

۱- ۱ پیام پیامبر، ص ۴۰۱.

۲- الحدیث، ج ۱، ص ۲۳۲.

(وقتی کار بدی از تو سر زد، از آن توبه کن. برای گناه پنهان، توبه پنهانی و برای گناهان آشکار، توبه آشکار. [\(۱\)](#))

حضرت امیر علیه السلام

(توبه، دل ها را پاکیزه می کند و گناهان را می شوید. [\(۲\)](#))

(استغفار و توبه شش شرط دارد:

۱. پشیمانی از گذشته؛

۲. تصمیم بر ترک در آینده؛

۳. پرداخت حقوق مردم؛

۴. ادای حق خدا در هر کار واجب؛

۵. آب کردن گوشت هایی که از حرام رویده است، به گونه ای که پوست به استخوان بچسبد و سپس گوشت تازه آورد؛

۶. چشاندن رنج طاعت به بدن، چنان که لذت معصیت را چشیده است. [\(۳\)](#))

امام رضا علیه السلام

(کسی که به زبان، آمرزش بخواهد و در دل، از گناهان خود پشیمان نباشد، خویشتن را مسخره کرده است. [\(۴\)](#))

قند پاریسی

قند پاریسی

(درویشی را دیدم که سر بر آستان کعبه همی مالید و می گفت: یا غفور، یا رحیم، تو دانی که از ظلوم و جهول چه آید.

۱- گنج حکمت، ص ۲۳۰.

۲- الحکم الزاهره، ص ۴۸۹.

۳- تحف العقول، ص ۳۰۱.

۴- الحدیث، ج ۱، ص ۲۳۲.

عذر تقصیر خدمت آوردم

که ندارم به طاعت، استظهار

عاصیان از گناه توبه کنند

عارفان از عبادت، استغفار

عابدان جزای طاعت خواهند و بازرگانان بهای بضاعت. من بنده امید آورده ام، نه طاعت و به در یوزه آمده ام، نه به تجارت.

... بر در کعبه، سائلی دیدم

که همی گفت و می گرفتنی خوش

می نگویم که طاعتم بپذیر

قلم عفو بر گناهم کش

گلستان سعدی

دارم امید عاطفتی از جانب دوست

کردم جنایتی و امیدم به عفو اوست

دانم که بگذرد ز سر جرم من که او

گرچه پری وش است و لیکن فرشته خوست

حافظ

سهو و خطای بنده گرش اعتبار نیست

معنی عفو و رحمت آمرزگار چیست؟

حافظ

هست جنت را ز رحمت، هشت در

یک در توبه است زان هشت ای پسر

مثنوی معنوی

حدیث دیگران

حدیث دیگران

(ژوبر: پشیمانی، مجازاتی است که بر اثر ارتکاب گناه به ما روی می آورد و توبه، کفاره آن است.

ضرب المثل

ضرب المثل

(Repentance is good, but innocence is better)

(توبه از گناه، امری نیکوست، ولی بی گناهی به مراتب بهتر است.

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

(نقل است که (فضیل عیاض) پیوسته مروتی و همتی در طبع او بود، چنان که اگر در قافله، زنی بودی، کالای وی نبردی و کسی که سرمایه او اندک بودی، مال او نستدی و با هرکسی به مقدار سرمایه، چیزی بگذاشتی و همه میل به صلاح داشت. یک شب، کاروانی می گذشت. در میان کاروان، یکی قرآن می خواند. این آیت به گوش فضیل رسید: «أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ؟ آیا وقت نیامد که این دل خفته شما بیدار گردد؟» تیری بود که بر جان او آمد چنان آیت به مبارزت فضیل بیرون آمد و گفت: ای فضیل تا کی تو راه زنی؟ گاه آن آمد که ما نیز راه تو زنیم. فضیل از دیوار فرو افتاد و از وقت نیز بر گذشت. سرآسیمه و خجل و بی قرار، روی به ویرانه نهاد. جماعتی کاروانیان بودند، می گفتند برویم. یکی گفت نتوان رفت که فضیل بر راه است (و رهنمی می کند). فضیل گفت: بشارت شما را که او دیگر توبه کرد. پس همه روزه می رفت و می گریست و خصم خشنود می کرد. (۱)

گوهر سیزدهم: توکل و رضا

اشاره

گوهر سیزدهم: توکل و رضا

زیر فصل ها

کلام حق

اختران عصمت و ولایت

قند پاریسی

ضرب المثل

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

کلام حق

کلام حق

(وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا. (طلاق: ۳))

و هر که بر خدا توکل کند، همو وی را بسنده است و به راستی، خداوند به خواست خویش، رسنده است و بی گمان، خداوند برای هر چیز، اندازه ای نهاده است.

(وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ. (حج: ۷۸))

و به (ریسمان) خداوند چنگ زنید. او سرور شماست که نیکو سرور و نیکو یاری است.

اختران عصمت و ولایت

اختران عصمت و ولایت

حضرت رسول صلی الله علیه و آله

(اگر شما بر خداوند چنان که سزاوار توکل است، توکل کنید، به شما همچون پرندگان روزی می دهد؛ که با شکم خالی،

صبح می کنند و با شکم پر، شب. (۱)

(پایین ترین حدّ توکل این است که آن رزق و روزی ای را که از جانب رزاق حقیقی برای تو قسمت شده است، پیش از فرصت نطلبی. (۲)

حضرت امیر علیه السلام

(توکل، حصار حکمت است. (۳)

۱- پیام پیامبر، ص ۴۶۵.

۲- مصباح الشریعه؛ سخنان امام صادق علیه السلام، ترجمه: حسن مصطفوی، تهران، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۶۴، ص ۴۶۵.

۳- شرح غررالحکم، ج ۱، ص ۲۶.

امام باقر علیه السلام

(هر که بر خدا توکل کند، مغلوب نشود و هر که به ریسمان خدا چنگ زند، هرگز نگریزد. (۱))

قند پاریسی

قند پاریسی

(تکیه بر تقوا و دانش در طریقت کافری است

راهرو گر صد هنر دارد، توکل بایدهش

حافظ شیرازی

(خلیل وار توکل به کردگار نمای

که تا رهاند از آتش غمت چو خلیل

ایرج میرزا

(گفت پیغامبر به آواز

با توکل، زانوی اشتر ببند

مثنوی معنوی

(رمز «الکاسب حیب الله» شنو

از توکل در سبب کاهل مشو

مثنوی معنوی

ضرب المثل

ضرب المثل

(Trust in God, and keep your powder dry)

(به خدا توکل کنید و باروت خود را خشک نگه دارید.

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

(یکی روبهی دید بی دست و پای

فرو ماند در لطف و صنع خدای

که چون زندگانی به سر می برد؟

بدین دست و پای از کجا می خورد؟

در این بود درویش شوریده رنگ

که شیری برآمد شغالی به چنگ

۱- شرف الدین خویدکی، کاشف الاستار در ترجمه جامع الاخبار، تهران، کتاب فروشی اسلامیة، ص ۱۱۶.

شغال نگون بخت را شیر خورد

بماند آنچه روباه از آن سیر خورد

دگر روز باز اتفاقی فتاد

که روزی رسان قوت روزش بداد

یقین، مرد را دیده بیننده کرد

شد و تکیه بر آفریننده کرد

کزین پس به کنجی نشینم چو مور

که روزی نخوردند پیلان به زور

زنخدان فرو برد چندی به جیب

که بخشنده روزی فرستد ز غیب

نه بیگانه تیمار خوردش، نه دوست

چو چنگش رگ و استخوان ماند و پوست

چو صبرش نماند از ضعیفی و هوش

ز دیوار محرابش آمد به گوش

برو شیر درنده باش ای دغل

مینداز خود را چو روباه شل

چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر

چه باشی چو روبه به وامانده سیر؟

چو شیر آن که با گردنی فربه است

گر افتد چو روبه، سگ از وی به است

به چنگ آ و با دیگران نوش کن

نه بر فضله دیگران گوش کن

بخور تا توانی به بازوی خویش

که سعی ات بود در ترازوی خویش^(۱)

گوهر چهاردهم: خاموشی (سکوت)

اشاره

گوهر چهاردهم: خاموشی (سکوت)

زیر فصل ها

کلام حق

اختران عصمت و ولایت

قند پارسی

حدیث دیگران

ضرب المثل

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

کلام حق

کلام حق

(وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ. (اعراف: ۲۰۴)

و چون قرآن خوانده شود، بدان گوش فرا دهید و خاموش مانید. باشد که بر شما بخشایش آورند.

اختران عصمت و ولایت

اختران عصمت و ولایت

حضرت رسول صلی الله علیه و آله

(خاموشی، حکمت و تدبیر است و اندکند کسانی که خاموشی اختیار کنند. [\(۱\)](#)

(به راستی، زبان مؤمن در پشت دل اوست. هر گاه بخواهد سخنی بگوید، در دل می اندیشد و آن گاه بر زبان می راند. زبان

منافق پیشاپیش دل اوست. پس هر گاه چیزی را قصد کند، بر زبان براند بدون آنکه در دل بیندیشد. [\(۲\)](#)

(همه خوبی ها در سه چیز جمع شده است: نگاه و خاموشی و سخن. خوشا به حال کسی که نگاهش، عبرت؛ خاموشی و سکوتش، اندیشه و سخنش با یاد خدا همراه باشد. [\(۳\)](#))

۱- مجموعه ورام، ص ۲۰۴.

۲- مجموعه ورام، ص ۲۰۶.

۳- پاداش نیکی ها و کیفر گناهان، ص ۴۴۹.

امام باقر علیه السلام

(شیعیان ما بی زبانند. (کم گوی و گزیده گوی هستند). (۱))

امام صادق علیه السلام

(خاموشی، گنجی کاهش ناپذیر، آرایش حلیم و خردمند و پوشش جاهل است. (۲))

(مؤمن تا هنگامی که لب از سخن بسته است، پیوسته نیکوکار به حساب می آید و چون لب به سخن بگشاید، یا نیکوکار یا بدکار شمرده خواهد شد. (۳))

قند پاریسی

قند پاریسی

(نادان را به از خاموشی نیست و اگر این مصلحت بدانستی، نادان نبودی.)

گلستان سعدی

(زبان بریده به کنجی نشسته صُمُّ بُکُم)

به از کسی که نباشد زبانش اندر حکم

دیباچه گلستان

(هست خاموشی، نشان اهل راز)

باش دایم از خموشی در گداز

عطار نیشابوری

(پیش بینا شد خموشی نفع توج)

بهر این آمد خطاب «اَنْصِتُوا»

مثنوی معنوی

(کم گوی و گزیده گوی چون دُر

تا ز اندک تو جهان شود پر

نظامی گنجوی

(اگر چه پیش خردمند، خاموشی، ادب است

۱- اصول کافی، ج ۳، ص ۱۷۵.

۲- محمدحسین صفاخواه، گلچین صدوق، تهران، فیض کاشانی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۱۴۴.

۳- پاداش نیکی ها و کیفر گناهان، ص ۴۱۶.

به وقت مصلحت آن به که در سخن کوشی

دو چیز طیره عقل است: دم فرو بستن

به وقت گفتن و گفتن به وقت خاموشی

گلستان سعدی

(کی تواند تافت بازوی زبان، قفل سکوت؟

با خاموشی می توان داد دل از دشمن گرفت

واعظ قزوینی

حدیث دیگران

حدیث دیگران

(اقلیدس: آدم پر حرف، تخم می پاشد و آدم خاموش، درو می کند.

(منتسکیو: گاهی سکوت بیش از هر استدلالی به ما کمک می کند.

(لقمان حکیم: (فرزندم) اگر خیال کنی سخن از نقره است، بدان که خاموشی از طلاست.

ضرب المثل

ضرب المثل

(خاموشی، زینت نادانی است. (مثل سانسکریت)

(peeche is silver, but silence is golden.

(سخن نقره است، ولی سکوت از طلاست.

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

(جوانی خردمند از فنون فضایل، حظی وافر داشت و طبعی نافر. چندان که در محافل دانشمندان نشست، زبان سخن بیستی. باری پدرش گفت: ای پسر! تو نیز آنچه دانی، بگوی. گفت: ترسم که پرسندم از آنچه ندانم و شرمساری برم. [\(۱\)](#))

گوهر پانزدهم: خوش خویی (حسن خلق)

اشاره

گوهر پانزدهم: خوش خویی (حسن خلق)

زیر فصل ها

کلام حق

اختران عصمت و ولایت

قند پارسی

حدیث دیگران

ضرب المثل

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

کلام حق

کلام حق

(وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا. (بقره: ۸۳)

با مردم [به زبانی] خوش سخن بگویید.

(فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ. (آل عمران: ۱۵۹)

پس با بخشایشی از (سوی) خداوند، با آنان نرم خویی ورزیدی و اگر درشت خویی سنگدل بودی، از پیرامونت پراکنده می شدند.

اختران عصمت و ولایت

اختران عصمت و ولایت

حضرت رسول صلی الله علیه و آله

(بیشترین چیزی که امت من به آن به بهشت در آیند، تقوای الهی و اخلاق نیک است. [\(۱\)](#))

(کامل ترین مؤمنان از ایمان، نیکوترین ایشان از خلق است و مسلمان نیست مگر آنکه مسلمانان از دست و زبان او سلامت باشند. [\(۲\)](#))

حضرت امیر علیه السلام

(در خوش خلقی، گنج های روزی نهفته است. [\(۳\)](#))

۱- پیام پیامبر، ص ۳۲۹.

۲- کاشف الاستار، ص ۱۹۱.

۳- ثقه الاسلام کلینی، روضه کافی، ترجمه: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، انتشارات علمیه اسلامی، ج ۱، ص ۳۲.

امام حسن علیه السلام

(هیچ چیز مانند خوش خلقی، زندگی را شیرین نمی کند. (۱))

امام صادق علیه السلام

(خوشبختی مرد در اخلاق نیکو داشتن اوست. (۲))

(خلق نیکو، گناه را آب می کند، چنان که خورشید، یخ را آب می کند. (۳))

قند پاریسی

قند پاریسی

(خوش خویی و مردمی پیشه کن و ز خوی های ناستوده، دور باش.)

قابوس نامه

(گر ز دست بلا بر فلک رود بدخوی)

ز دست خوی بد خویش در بلا باشد

گلستان سعدی

(خواهی که خدای بر تو بخشد)

با خلق خدای کن نکویی

گلستان سعدی

(هر که را اخلاق نیکو داد حق)

می برد از خلق عالم او سبق

اسیری لاهیجی

(یکی خوب کردار خوش خوی بود ج)

که بدسیرتان را نکوگوی بود

به خوابش کسی دید چون در گذشت

که باری حکایت کن از سرگذشت

دهانی به خنده چو گل باز کرد

چو بلبل به صوتی خوش آغاز کرد

که بر من نکردند سختی بسی

که من سخت نگرفتمی با کسی

بوستان سعدی

۱- فیاما دفاع زاده، بهشت نو، تهران، انتشارات جزیل، ۱۳۷۹، ص ۱۶۵.

۲- مشکاه الانوار، ص ۲۰۸.

۳- اصول کافی، ج ۳، ص ۱۵۷.

حدیث دیگران

حدیث دیگران

(ژان ژاک روسو: ساده ترین درس زندگی این است: هرگز کسی را میازار.

ضرب المثل

ضرب المثل

(یک قطره عسل بیش از یک ظرف سرکه، مگس دور خود جمع می کند. (مثل انگلیسی)

(Make yourself all honey and the flies will devour you)

(چون خودت را شیرین و عسلی کنی، زنبورها اطرافت جمع می شوند.

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

(دو سرو لاله رخ بودند همزاد

که از مادر، به شکل آن دو کم زاد

به صورت گر به یک دستور بودند

ولی در سیرت از هم دور بودند

یکی بر خاطر هر خسته، راحت

یکی از جور، بر دل ها، جراحات

یکی بر سینه ها مرهم نهادی

یکی صد داغ دل بر هم نهادی

بت دلجوی را از حسن سیرت

به جان می خواستند اهل بصیرت

قدم هر جا نهادی بر سر کوی

ز بسیاری نگنجیدی سر موی

نگار تندخو، هر جا نشستی

ز دست خوی بد تنها نشستی

شنیدم گفت روزی از خجالت

که یارب این چه حال است و چه حالت؟

که در حسن و جمال ما شکی نیست

تو را صد عاشق و ما را یکی نیست

چو این حرف آن حریف تندخو گفت

نکوخو در جواب او، نکو گفت:

چه سود از حسن؟ چون احسان نداری

تو این داری و لیکن آن نداری

خداوندا، به حسن نیک خویان

به خلق و سیرت پاکیزه رویان

که حسن خُلق عادت ساز ما را

به اخلاق حسن، بفراز ما را [\(۱\)](#)

۱- هلالی جغتایی، صفات العاشقین، تهران، سنایی، ۱۳۳۷، ص ۴۷.

گوهر شانزدهم: خویشاوندی (صله رحم)

اشاره

گوهر شانزدهم: خویشاوندی (صله رحم)

زیر فصل ها

کلام حق

اختران عصمت و ولایت

قند پارسی

ضرب المثل

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

کلام حق

کلام حق

(قَاتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ. روم: ۳۸)

حق خویشاوند را پرداز.

(فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتُقَطُّعُوا أَرْحَامَكُمْ. محمد: ۲۲)

آیا امید بستید که چون (از کتاب خداوند) رو بگردانید، در زمین تباهی انگیزید و پیوندتان را با خویشاوندان بگسلید؟

اختران عصمت و ولایت

اختران عصمت و ولایت

حضرت رسول صلی الله علیه و آله

(زود پاداش ترین نیکی ها، صله رحم است. [۱](#))

(نیک اخلاق ترین، بردبارترین و نیک کردارترین شما نسبت به خویشاوندانش و باانصاف ترین شما در حق خدا به من شبیه تر است. [\(۲\)](#))

(صله رحم کنید، هر چند با سلام کردن باشد. [\(۳\)](#))

حضرت امیر علیه السلام

۱- پیام پیامبر، ص ۵۷۱.

۲- پیام پیامبر، ص ۲۲۹.

۳- الحکم الزاهره، ص ۴۱۶.

(انسان اگر چه مال و فرزند داشته باشد، هرگز نباید از خویشاوند خود و از دوستی و کرامت و دفاع دستی و زبانی آنها رو بگرداند. آنها از همه مردم، اطرافش را محکم تر دارند و به او مهربان ترند و اگر مصیبتی به او رسد، یا بدی برایش پیش آید، پریشانی او را سامان دهنده ترند و هر که دست کمک از فامیل خویش باز گیرد، از آنها یک دست گرفته شده است و از خود او دست های بسیار (و خود زیان می کند). (۱)

امام سجاد علیه السلام

(کسی که برای خدا و به قصد صله رحم ازدواج کند، پروردگار جهان، او را به تاج بزرگی و عظمت، سرافراز خواهد ساخت. (۲)

امام باقر علیه السلام

(صله رحم، اعمال را پاک کند و بلا را دور سازد و اموال را برکت دهد و مرگ را به تأخیر اندازد و روزی را وسعت دهد. (۳)

قند پاریسی

قند پاریسی

(اولین فرض است خویشاوند را

که بجوید گم شده پیوند را

پروین اعتصامی

(هر که گرداند ز خویشاوندانش رو

بی گمان، نقصان پذیرد عمر او

گرچه خویشان تو باشند از بدان

بدتر از قطع رحم کاری مدان

هر که او ترک اقارب می کند

جسم خود قوت عقارب می کند

هر که او از خویش خود بیگانه گشت

نامش از روی بدان افسانه گشت

عطار نیشابوری

(باز پرسم ز یاد و خویشاوند

دل به درمان برم مگر زین بند

نیما یوشیج

۱- اصول کافی، ج ۳، ص ۲۲۵.

۲- الحدیث، ج ۲، ص ۲۳۰.

۳- اصول کافی، ج ۳، ص ۲۲۳.

ضرب المثل

ضرب المثل

(One who is a bad one by close relations, is supported by remote strangers)

کسی که خویشان نزدیکش را از دست بدهد، بیگانگان او را درمی یابند.

گرنکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

گرنکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

(چون نبود خویش را دیانت و تقوی

قطع رحم بهتر از مودّت قربی

یاد دارم که مدعی در این بیت بر قول من اعتراض کرد و گفت: حق تعالی در کتاب مجید از قطع رحم نهی کرده است و به مودت ذی القربی فرموده و آنچه تو گفتی، مناقض آن است. گفتم غلط کردی (غلط پنداشتی) که موافق قرآن: **وَإِنْ جَاهِدَاكَ عَلَى أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا:**

هزار خویش که بیگانه از خدا باشد

فدای یک تن بیگانه که آشنا باشد (۱)

گوهر هفدهم: خویشتن داری (حلم)

اشاره

گوهر هفدهم: خویشتن داری (حلم)

زیر فصل ها

کلام حق

اختران عصمت و ولایت

قند پارسی

حدیث دیگران

ضرب المثل

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

کلام حق

کلام حق

(وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ. (آل عمران: ۱۳۴)

(پرهیزگاران، همان کسانی که) فروخورند گان خشم و درگذرند گان از مردمند و خداوند، نیکوکاران را دوست می دارد.

اختران عصمت و ولایت

اختران عصمت و ولایت

حضرت رسول صلی الله علیه و آله

(نیرومند با کُشتی شناخته نمی شود. همانا پیروز کسی است که هنگام خشم، خویشتن دار است. (۱))

(ایمان، دو نیم است: یک نیمه اش در بردباری و نیمه دیگرش در شکر است. (۲))

(یا علی! غضب نکن! هرگاه خشمگین شدی، به زمین بنشین و بیندیش که چگونه خداوند بر بندگان قدرت دارد و حکم می کند و آنها را به خطاها بازخواست نمی کند. چون هنگام غضب به تو گویند از خدا بترس؛ خشم را به دور افکن و به بردباری باز گرد. [\(۳\)](#))

۱- سید عطاءالله مجدی، گل های جاویدان، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۹، ص ۲۷.

۲- پیام پیامبر، ص ۷۵۹.

۳- تحف العقول، ص ۳۱.

حضرت امیر علیه السلام

(بردباری، سرپوشی پوشاننده است و خِرد، شمشیری برنده. پس نقص های خُلق خود را با بردباری خود بپوشان و با خِرد خود با هوای نفس به کارزار برخیز. (۱))

(هیچ شرفی، برتر از اسلام نیست و نه عزتی، ارجمندتر از پرهیزگاری و نه پناهگاهی، نکوتر از خویشتن داری. (۲))

امام باقر علیه السلام

(بردباری، جامه عالم است. مبدا خود را از آن برهنه کنی. (۳))

(هر بنده ای که خشم خود را هنگام غضب فرو برد و از خود واکنشی نشان ندهد، خداوند او را دوست دارد. (۴))

امام صادق علیه السلام

(بردباری، چراغ الهی است که آدمی بدو، به جوار رحمت الهی و به فیض های بی پایان دست می یابد. (۵))

قند پاریسی

قند پاریسی

(یکی را زشت خویی داد دشنام

تحمل کرد و گفت ای نیک فرجام!

بتر زانم که خواهی گفتن آنی

که دانم عیب من چون من ندانی

گلستان سعدی

(در خاک بیلقان برسیدم به عابدی

گفتم مرا به تربیت از جهل پاک کن

گفتا برو چو خاک تحمل کن ای فقیه

- ۱- الحیاء، ج ۱، ص ۱۷۶.
- ۲- نهج البلاغه، ص ۴۲۷.
- ۳- حمیدرضا آذیر، بهشت کافی، قم، سرور، ۱۳۸۱، ص ۸۸.
- ۴- مشکاه الانوار، ص ۲۰۳.
- ۵- مصباح الشریعه، ص ۳۵۴.

گلستان سعدی

(گر ز قرآن به دل رسیدت فیض

یاد کن سرّ «کاظمین الغیظ»

اوحدی مراغه ای

(کسی خوش تر از خویشان دار نیست

که با خوب و زشت کشش کار نیست

بوستان سعدی

(تیغ حلم از تیغ شمشیر، تیزتر

بل ز صد لشکر، ظفرانگیزتر

مثنوی معنوی

حدیث دیگران

حدیث دیگران

(لقمان حکیم: سه کس را در سه حالت می توان شناخت: دلیر را هنگام جنگ؛ بردبار را هنگام خشم و برادر را هنگامی که بدو نیاز داری.

ضرب المثل

ضرب المثل

(ثمره جهالت، خجالت است و نتیجه غضب، ندامت. (مثل شرقی)

(What cant be cared must be endured)

(آنچه علاج ناپذیر است، باید تحمل شود.

.Let not the sun go down on your wrath)

(نگذار خورشید روی خشم غروب کند.

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

(یکی از صاحب دلان، زور آزمایی را دید به هم بر آمده و کف بر دماغ آمده، گفت این را چه حالت است؟ گفتند: فلان دشنام دادش. گفت: این فرومایه هزار من سنگ بر می دارد و طاقت سخنی نمی آرد؟

لاف سرپنجگی و دعوی مردی بگذار

عاجز نفس فرومایه چه مردی، چه زنی

گرت از دست بر آید، دهنی شیرین کن

مردی آن نیست که مشتی بزنی بر دهنی

اگر خود بر درد پیشانی پیل

نه مرد است آن که در وی مردمی نیست

بنی آدم، سرشت از خاک دارد

اگر خاکی نباشد، آدمی نیست (۱)

۱- گلستان سعدی، ص ۶۲.

گوهر هجدهم: دانش (علم)

اشاره

گوهر هجدهم: دانش (علم)

زیر فصل ها

کلام حق

اختران عصمت و ولایت

قند پارسی

حدیث دیگران

ضرب المثل

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

کلام حق

کلام حق

(وَيَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِي أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ هُوَ الْحَقُّ وَيَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ. (سبا: ۶)

و کسانی که آنان را از دانش بهره داده اند، می بینند که آنچه از پروردگارت به سوی تو فرو فرستاده شده، راستین است و به راه (خداوند) پیروز و ستوده، رهنمون می شود.

(وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا. (طه: ۱۱۴)

و بگو: پروردگارا! بردانش من بیفزای.

(... قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ. (زمر: ۹)

... بگو: آیا آنان که می دانند، با آنها که نمی دانند، برابرند؟

اختران عصمت و ولایت

اختران عصمت و ولایت

حضرت رسول صلی الله علیه و آله

(کسی که در راه آموختن دانش گام بردارد، خداوند او را به بهشت خواهد برد و به درستی که فرشتگان بال های خود را
برای دانشجو از روی رضایت

می گسترانند و همه آنچه در آسمان ها و زمین هستند، همه، حتی ماهیان دریا برای جوینده دانش آمرزش می خواهند. (۱)

(دانش بجوید، هر چند در چین باشد؛ زیرا دانش جویی بر هر مسلمانی واجب است. (۲)

(دانشمندان، وارثان پیامبران هستند. (۳)

حضرت امیر علیه السلام

(ای مردم! بدانید که کمال دین در دانش جویی و به کار بستن آن است. (۴)

(به هر نسبت که دانش آدمی زیادتر می شود، توجه خود را به خویشتن افزون می کند و برای دست یابی به سعادت و صلاح، کوشش خود را به کار می اندازد. (۵)

امام سجاد علیه السلام

(اگر مردم بدانند در دانش اندوزی چه فایده ای است، آن را می طلبند، اگرچه با ریختن خون دل و فروختن درّ گران بها باشد. (۶)

قند پاریسی

قند پاریسی

(معصیت از هر که صادر شود، ناپسندیده است و از علما، ناخوب تر؛ که دانش، سلاح جنگ شیطان است و خداوند سلاح را چو به اسیری برند، شرمساری بیش برد.

۱- پاداش نیکی ها و کیفر گناهان، ص ۳۴۱.

۲- الحکم الزاهره، ص ۱۱.

۳- پاداش نیکی ها، ص ۳۴۲.

۴- پرویز اتابکی، رهاورد خرد، تهران، نشر و پژوهش فرزانه روز، ۱۳۷۶، ص ۱۹۴.

۵- الحدیث، ج ۲، ص ۳.

۶- اصول کافی، ج ۱، ص ۴۳.

عالم نادان پریشان روزگار

به ز دانشمند ناپرهیزگار

کان به نابینایی از راه افتاد

وین دو چشمش بود و در چاه افتاد

گلستان سعدی

(توانا بود هر که دانا بود

ز دانش، دل پیر برنا بود

شاهنامه فردوسی

(علم و دانش جمله ارث انبیاست

انبیا را علم از نزد خداست

شیخ بهایی

(چون بدانستی سبب را سهل شد

دانشت، اسباب دفع جهل شد

مثنوی معنوی

(تا جهان بود از سر آدم فراز

کس نبود از راز دانش، بی نیاز

رودکی

حدیث دیگران

حدیث دیگران

(کالریج: دانش از شگفتی و اعجاب آغاز می شود و هم به شگفتی و اعجاب پایان می یابد.

(جرج برنارد شاو: دانش تنها زمانی خطرناک می شود که خیال کند به هدف خود رسیده است.

ضرب المثل

ضرب المثل

(Knowledge is power.

(دانایی، توانایی است.

(A man without know is as one that is dead

(انسان بی دانش همچون مرده است.

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

(گفت اندر پیش افلاطون کسی

کای فلانی حمد می گفتت بسی

در هنر بستود بسیاری تو را

تا فلک بنهاد مقداری تو را

زان سخن بگریست افلاطون به درد

روی آورد از سر دردی به مرد

گفت: می‌گیرم که در دل مشکلی است

تا چه کردم کان پسند جاهلی است

هر چه باشد مرد نادان را پسند

مرد دانا را بود آن تخته بند

می‌ندانم تا پسند او چه بود؟

تا از آن توبه کنم در حال، زود

یک ستایش کان ز جاهل آیدم

صد عقوبت دان که حاصل آیدم [\(۱\)](#)

گوهر نوزدهم: دوستی (رفاقت)

اشاره

گوهر نوزدهم: دوستی (رفاقت)

زیر فصل ها

کلام حق

اختران عصمت و ولایت

قند پارسی

حدیث دیگران

ضرب المثل

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

کلام حق

کلام حق

(مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ. (فتح: ۲۹)

محمد صلی الله علیه و آله، پیامبر خداوند است و آنان که با وی هستند، بر کافران، سخت گیر و میان خویش مهربانند.

(يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا. (فرقان: ۲۸)

(و هنگامی که قیامت شود، کافران انگشت ندامت به دندان می گزند. و خطاب به دوستان گمراه خود گویند): ای وای! کاش فلانی را به دوستی نمی گرفتم.

اختران عصمت و ولایت

اختران عصمت و ولایت

حضرت رسول صلی الله علیه و آله

(محکم ترین زنجیره ایمان، دوست داشتن است برای خدا و دشمن داشتن برای خدا و دوست داشتن دوستان خدا و بیزار بودن از دشمنان خدا. [\(۱\)](#))

(هرگاه شخصی برادر مؤمنش را دوست بدارد، باید به او خبر دهد که دوستش می دارد. (تا دوستی هایشان، تحکیم شود). [\(۲\)](#))

۱- پیام پیامبر، ص ۴۸۷.

۲- پیام پیامبر، ص ۴۸۵.

(روش آدمی بر اساس مذهب و سیره دوست صمیمی و رفیق دلبندش خواهد بود. (۱))

حضرت امیر علیه السلام

(ناتوان ترین مردم کسی است که از دوست یابی، ناتوان باشد و ناتوان تر از او کسی است که دوستی را که به آن دست یافته است، از کف بدهد. (۲))

(از رفاقت با کسانی که افکارشان، خطا و اعمالشان، ناپسند است، بر حذر باش. (۳))

امام سجاد علیه السلام

(فرزندم! از رفاقت با احمق پرهیز کن؛ چون او اراده می کند، به نفع تو قدمی بردارد، ولی بر اثر حماقت و نفهمی مایه زیانت می شود. (۴))

امام صادق علیه السلام

(کسی که با رفیق بد هم نشین شود، سالم نمی ماند و سرانجام به ناپاکی آلوده می شود. (۵))

قند پاریسی

قند پاریسی

(چو می دانی که دوران را بقا نیست

غنیمت دان حضور دوستان را

خواجوی کرمانی

(درخت دوستی بنشان که کام دل به بار آرد

نهال دشمنی بر کن که رنج بی شمار آرد

۱- الحدیث، ج ۲، ص ۸۹.

۲- الحکم الزاهره، ص ۳۹۹.

۳- الحدیث، ج ۲، ص ۸۹.

۴- الحدیث، ج ۲، ص ۹۰.

حافظ شیرازی

(تا توانی، می گریز از یار بد

یار بد، بدتر بود از مار بد

مار بد تنها همی بر جان زند

یار بد بر جان و بر ایمان زند

مثنوی معنوی

(با دوستان، مضایقه در عمر و مال نیست

صد جان فدای یار نصیحت نیوش کن

یارا! بهشت، صحبت یاران همدم است

دیدار یار نامتناسب، جهنم است

هر دم که در حضور عزیزی به سربری

دریاب کز حیات جهان، حاصل آن دم است

حافظ شیرازی

حدیث دیگران

حدیث دیگران

(ناپلئون بناپارت: نایاب ترین چیزها در جهان، دوست خوب و صمیمی است.

(شکسپیر: وقتی دوستان خود را امتحان کردید و از یک رنگی آنها مطمئن شدید، قدرشان را بدانید؛ که دوست وفادار بسیار کم یاب است.

ضرب المثل

ضرب المثل

.Better be alone than in bad company)

(تنها بودن بهتر از هم نشینی با بدان است.

.A man is known by the company he keeps)

(هر کسی را از دوستانش می شناسند.

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

(اسکندر را گفتند به چه سبب یافتی آنچه یافتی از دولت سلطنت و وسعت مملکت با صغر سن و حوادث عهد؟

گفت: به استمالت دشمنان تا از غایله دشمنی زمام تافتند و از تعاهد دوستان تا در قاعده دوستی استحکام یافتند.

بایدت ملک سکندر چون وی از حسن سیر

دشمنان را دوست گردان، دوستان را دوست تر [\(۱\)](#)

۱- نورالدین عبدالرحمان جامی، بهارستان، تهران، اطلاعات، ۱۳۴۷، ص ۱۷۳.

گوهر بیستم: رازداری

اشاره

گوهر بیستم: رازداری

زیر فصل ها

کلام حق

اختران عصمت و ولایت

قند پارسی

حدیث دیگران

ضرب المثل

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

کلام حق

کلام حق

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِّن دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا. (آل عمران: ۱۱۸)

ای کسانی که ایمان آورده اید، از غیر خودتان هم راز مگیرید [آنان] از هیچ نابکاری در حق شما کوتاهی نمی ورزند.

اختران عصمت و ولایت

اختران عصمت و ولایت

حضرت رسول صلی الله علیه و آله

(جلسان، نگه دار امانت یکدیگرند و روا نیست یکی از آنها راز رفیق خود را آشکار سازد. (۱)

(هر بنده ای که در دنیا برای دیگران راز پوشی کند، خدا در روز قیامت، رازپوش وی شود. (۲)

(رازداری، گوشه ای از سعادت است. [\(۳\)](#))

(سینه خردمند، صندوق راز اوست. [\(۴\)](#))

۱- نهج الفصاحه، ص ۳۴۶.

۲- نهج الفصاحه، ص ۶۸۲.

۳- تحف العقول، ص ۳۴۷.

۴- نهج البلاغه، ص ۳۶۱.

امام صادق علیه السلام

(دوست را از راز خود آگاه نکن، مگر تا آنجا که اگر دشمن تو بر آن راز آگاه شود، نتواند به تو زیان رساند؛ چون ممکن است دوست روزی دشمن شود. (۱))

امام کاظم علیه السلام

(اگر در دست خود چیزی داری، دست دیگری از آن اطلاع پیدا نکند. (۲))

قند پارسی

قند پارسی

(هر آن سَرّی را که داری، با دوست در میان منه؛ چه دانی باشد که وقتی دشمن گردد؛ و هر بدی که توانی به دشمن مرسان؛ که باشد که وقتی دوست گردد.)

گلستان سعدی

(و رازی که نهان خواهی، با کس در میان منه، اگر چه دوست مخلص باشد که مر آن دوست را نیز دوستان مخلص باشد همچنان مسلسل.)

گلستان

(به راز خود امانت دار کردی)

دلم را مخزن اسرار کردی

حزین لاهیجی

(سخن هیچ مگشا با رازدار)

که او را بود نیز انباز و یار

شاهنامه حکیم فردوسی

حدیث دیگران

(افلاطون: هر چیز را که نگهبان بیشتر بود، استوارتر گردد، مگر راز را که نگه دار آن هر چند زیاد باشد، آشکارتر گردد.

۱- محمدباقر کمره ای، آداب معاشرت، تهران، اسلامیة، ۱۳۶۴، ص ۱۱۳.

۲- مشکاه الانوار، ص ۳۰۴.

(بزرگ مهر حکیم: قوی ترین رکن دوستی، کتمان اسرار دوستان و رازداری آنهاست.

ضرب المثل

ضرب المثل

.Don't wash your dirty linen in public

(لباس کثیف را در ملاعام نشوی (سفره دلت را پیش هر کس پهن نکن).

.It is a foolish sheep that makes the wolf his confessor)

(گوسفند احمق باید باشد که گرگ را محرم اسرار خود کند.

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

(بود مردی علیل از ورمی

وز ورم بر نیامدیش دمی

رفت روزی به نزد دانایی

زیر کی پر خرد توانایی

گفت: بنگر که از چه معلوم

کز خور و خواب و عیش معزولم

محبشش چون بدید، مرد حکیم

گفت: ایمن نشین زانده و بیم

نیست در باطن تو هیچ خلل

می نبینم ز هیچ نوع علل

مرد گفتا که باز گویم حال

کز چه افتاد بر من این احوال

رازدار ملوک و پادشهم

با مزاج ملّون و تبهم

شه سکندر دهد همه کامم

که ورا، من گزیده حجامم

لیک رازی است در دلم پیوست

روز و شب جان نهاده بر کف دست

نتوانم گشاد راز نهان

که از آن بیم سر بود به زمان

سال و مه، مستمند و غمگینم

بیش از این نیست راه و آیینم

گفت مرد حکیم: رو تنها

بی علایق نهان سوی صحرا

چاهساری بین خراب شده

گشته مطموس و خشک از آب شده

اندر آن چاه، گوی راز دلت

تا بیاساید این سرشته گِلَت

مرد پند حکیم چون بشنید

همچنان کرد از آنکه چاره ندید

شد به صحرا برون دانا مرد

از پی دفع رنج و راحت درد

دید چاهی خراب و خالی جای

درد خود را در آن شناخت دواي

سر سوی چاه کرد و گفت: ای چاه

راز من را نگاه دار نگاه

شه سکندر دو گوش همچو خران

دارد، این است راز، دار نهان

باز گفت این سخن سه بار و برفت

بنگر او را که چون گرفت آفت

زان کهن چاه، نی بُنی بر رست

شد قوی بُن و برآمد چست

دید مردی شبان در آن چه نی

ببرید آن نی و شمردش فی

کرد نایی از آن نی تازه

راز دل را که داند اندازه؟

نای چون در دمید، کرد آواز

با خلاق که فاش کردم راز

شه سکندر دو گوش خر دارد

خلق را از این راز او خبر دارد

فاش گفت این سخن به گرد جهان

مرد حجام را برید زبان

تا بدانی که راز بهروزان

بهتر از جمر و آتش سوزان

عالمی پر از آتش و تف و دود

بهتر از یک سخن که راز تو بود^(۱)

۱- ابوالمجد مجدود بن آدم سنایی غزنوی، گزیده حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه، تهران، هیرمند، ۱۳۷۲، ص ۳۱۱.

گوهر بیست و یکم: راستی (صداقت)

اشاره

گوهر بیست و یکم: راستی (صداقت)

زیر فصل ها

کلام حق

اختران عصمت و ولایت

قند پارسی

حدیث دیگران

ضرب المثل

کلام حق

کلام حق

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ. (توبه: ۱۱۹)

ای مؤمنان، از خداوند پروا کنید و با راست گویان باشید.

(يَوْمُ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ. (مائده: ۱۱۹)

این (قیامت) روزی است که راست گویی راست گویان به آنها سود خواهد داد.

اختران عصمت و ولایت

اختران عصمت و ولایت

حضرت رسول صلی الله علیه و آله

(نیک رفتارگی همراه با راستی از مظاهر کمال است. (۱)

(راستی بجوید، اگر چه در ظاهر ببینید که هلاکت در خود دارد؛ چرا که راستی در پایان جز نجات و رستگاری در خود ندارد و از دروغ بپرهیزید، اگر چه در آن نجات بیاید؛ چرا که فرجام آن جز هلاکت همراه ندارد. [\(۲\)](#))
(خداوند، دروغی را که موجب اصلاح باشد، دوست تر دارد از راستی که مایه فساد شود. [\(۳\)](#))

۱- پیام پیامبر، ص ۴۹۳.

۲- پیام پیامبر، ص ۷۶۵.

۳- الحدیث، ج ۱، ص ۸۸.

حضرت امیر علیه السلام

(راستی، فیروزمندترین راهنمایی است به سوی خیر و سعادت و از همه راهنماها، ظفر یابنده تر به مطلوب و رساننده تر به آن. (۱))

(دنیا، جایگاه راستی و درست کاری است. اگر کسی راست گویی و درست کاری آن را تصدیق کند، سرایی است پر عافیت برای آنان که این حقیقت را به خوبی از آن درک کنند و بازار سرمایه اندوزی و بی نیازی است برای کسی که از آن توشه برگیرد. (۲))

امام صادق علیه السلام :

(خداوند به همه پیامبران و برگزیدگان خود مأموریت داد مردم را به راست گویی و امانت داری فرا خوانند که ندای فطرت است. (۳))

قند پارسی

قند پارسی

(راستی پیش آر و یا خاموش کن

وانگهان رحمت بین و نوش کن

مثنوی معنوی

(به صدق کوش که خورشید زاید از نفست

که از دروغ سیه روی گشت صبح نخست

حافظ

(پاکی گزین که راستی و پاکی

بر چرخ بر فراشت مسیحا را

پروین اعتصامی

(گوید از فرزند ایران راست گویی پیشه کن

۱- غررالحکم، ج ۱، ص ۱۹۳.

۲- سید مجتبی علوی تراکمه ای، آینه یقین، قم، هجرت، ۱۳۷۴، ص ۲۱۴.

۳- الحدیث، ج ۱، ص ۸۷.

پیشه ایران چنین بود از زمان پیشداد

ملک الشعراء بهار

(راستی موجب رضای خداست

کس ندیدم که گم شد از ره راست

گلستان سعدی

(طاعت آن نیست که بر خاک نهی صورت خویش

صدق پیش آر که اخلاص به پیشانی نیست

سعدی

حدیث دیگران

حدیث دیگران

(ویلیام شکسپیر: هیچ میراثی گران بهاتر از راستی و درستی نیست.

ضرب المثل

ضرب المثل

(سرم را بشکن، ولی حقیقت را بگو. (مثل روسی)

(All truths will not bear telling)

(هر حقیقتی را نباید بر زبان آورد (دروغ مصلحت آمیز به از راست فتنه انگیز).

(Honesty is the best policy)

(راستی، بهترین سیاست است.

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

(پادشاهی را شنیدم که به کشتن اسیری اشارت کرد. بیچاره در حالت نومیدی، ملک را دشنام دادن گرفت و سقط گفتن؛ که گفته اند هر که دست از جان بشوید، هر چه در دل دارد، بگوید.

وقت ضرورت چو نماند گریز

دست بگیرد سر شمشیر تیز

إِذَا أَيْسَ الْإِنْسَانُ طَالَ لِسَانُهُ

كَسَنُورٍ مَغْلُوبٍ يَصُولُ عَلَى الْكَلْبِ

ملک پرسید: چه می گوید؟ یکی از وزرای نیک محضر گفت: ای خداوندا می گوید: «وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ». ملک را رحمت آمد و از سر خون او درگذشت. وزیر دیگر که ضد او بود، گفت: ابنای جنس ما را نشاید در حضرت پادشاهان جز به راستی سخن گفتن. این، ملک را دشنام داد و ناسزا گفت.

ملک روی از این سخن در هم کشید و گفت: مرا آن دروغ پسندیده تر آمد از این راست که تو گفتی؛ که آن را روی در مصلحتی بود و بنای این بر خبیثی؛ و خردمندان گفته اند: «دروغ مصلحت آمیز به از راست فتنه انگیز».

هر که شاه آن کند که او گوید

حیف باشد که جز نکو گوید (۱)

گوهر بیست و دوم: سخاوت

اشاره

گوهر بیست و دوم: سخاوت

زیر فصل ها

کلام حق

اختران عصمت و ولایت

قند پارسی

حدیث دیگران

ضرب المثل

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

کلام حق

کلام حق

(الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ. (بقره: ۲۷۴)

آنان که دارایی های خود را در شب و روز، پنهان و آشکار می بخشند، پاداششان نزد خداوند است و نه بیمی خواهند داشت و نه اندوهگین می شوند.

(قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ. (سبا: ۳۹)

بگو: پروردگار من برای هر کس از بندگان که بخواهد، روزی را فراخ و تنگ می گرداند و هر چیزی را هزینه کنید، او جای گزین آن را می دهد و او بهترین روزی دهندگان است.

اختران عصمت و ولایت

اختران عصمت و ولایت

حضرت رسول صلی الله علیه و آله

(از لغزش مرد سخاوتمند، بگذرید؛ زیرا هر دم که بلغزد، خدا دست او را می گیرد. [\(۱\)](#))

حضرت امیر علیه السلام

(سزاوارترین مردم به بخشش و انفاق، کسی است که نعمت خدا بر او فراوان تر باشد. [\(۲\)](#))

۱- نهج الفصاحه، ص ۲۳۶.

۲- الحکم الزاهره، ص ۶۶۵.

(منت گذاشتن، احسان و بخشش را تلخ و ناگوار می سازد. (۱))

امام باقر علیه السلام

(سخاوت، درختی است در بهشت که شاخه هایش در دنیا است. هر کس به شاخه ای از آن آویزد، آن شاخه، او را به بهشت می رساند. (۲))

امام رضا علیه السلام

(سخاوتمند از غذای مردم می خورد تا مردم از غذایش بخورند، ولی بخیل از غذای مردم نمی خورد تا از غذایش نخورند. (۳))

قند پاریسی

قند پاریسی

(باران رحمت بی دریغش، همه را رسیده و خوان نعمت بی دریغش، همه جا کشیده.

دیباچه گلستان

(پرده ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد و وظیفه روزی به خطای منکر نبرد.

دیباچه گلستان

(نیم نانی گر خورد مرد خدای

بذل درویشان کند نیم دیگر

گلستان سعدی

(هر که در این سرای آمد، نانش دهید و از ایمانش نپرسید که هر که در درگاه حق تعالی به جانی ارزد، در پیش ما البته به نانی بیارزد.

ابوالحسن خرقانی

حدیث دیگران

(بزرگ مهر حکیم: کریم کسی است که بی چیز باشد و با این حال سخاوت کند.

ضرب المثل

ضرب المثل

۱- الحیاء، ج ۶، ص ۷۸.

۲- الحکم الزاهره، ص ۶۶۳.

۳- الحکم الزاهره، ص ۶۶۲.

(کسی که نیمی از نان خود را به تو داده است، دوست توست. (مثل یونانی)

(. Nobles oblige

(بزرگواران، سخاوتمندند.

(It is better to give than to receive

(دادن و بخشش بهتر از دریافت کردن و قبولی بخشش است.

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

(یکی از بزرگان اهل تمیز

حکایت کند ز ابن عبدالعزیز

که بودش نگینی بر انگشتری

فرومانده در قیمتش، جوهری

به شب گفתי از جرم گیتی فروز

دری بود و در روشنایی چو روز

قضا را در آمد یکی خشک سال

که شد بدر سیمای مردم، هلال

چو در مردم، آرام و قوت ندید

خود، آسوده بودن مروّت ندید

چو بیند کسی زهر در کام خلق

کی اش بگذرد آب نوشین به حلق

بفرمود و بفروختندش به سیم
که رحم آمدش بر غریب و یتیم
به یک هفته، نقدش به تاراج داد
به درویش و مسکین و محتاج داد
فتادند در وی ملامت کنان
که دیگر به دست نیاید چنان
شنیدم که می گفت و باران دمع
فرو می دویدش به عارض چو شمع
که زشت است پیرایه بر شهریار
دل شهری از ناتوانی، فگار
مرا شاید انگشتی بی نگین
نشاید دل خلقی اندوهگین
خنک آن که آسایش مرد و زن
گزیند بر آرایش خویشان
نکردند رغبت هنرپروران
به شادی خویش از غم دیگران^(۱)

گوهر بیست و سوم: شجاعت

اشاره

گوهر بیست و سوم: شجاعت

زیر فصل ها

کلام حق

اختران عصمت و ولایت

قند پارسی

حدیث دیگران

ضرب المثل

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

کلام حق

کلام حق

(الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ. (احزاب: ۳۹)

کسانی که پیام های خدا را ابلاغ می کنند و از او می ترسند و از هیچ کس جز خدا بیم ندارند.

(... يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ. (مائده: ۵۴)

در راه خدا جهاد می کنند و از سرزنش هیچ ملامتگری نمی ترسند.

اختران عصمت و ولایت

اختران عصمت و ولایت

حضرت رسول صلی الله علیه و آله

(شجاع ترین مردم کسانی هستند که بر تمایلات نفسانی خود پیروز شوند و آنها را مطیع و مسخر منطق عقل خویشان سازند. [\(۱\)](#))

(شجاعت را با سه غریزه سرشته اند که هر یک امتیازی ویژه دارد (که در دو مورد دیگر نیست): فداکاری؛ ننگ داشتن ذلت (زیر بار ذلت نرفتن) و نام جویی.

اگر هر سه این غریزه ها در وجود شخص شجاع کامل باشد، او همان قهرمانی است که هیچ کس را تاب مقاومتش نباشد و در عصر خود به

دلیری نامور شود و اگر بعضی ناقص بود، شجاعتش در آن صفت که به حد کمال است، بیشتر و اقدامش در آن ناحیه، نیرومندتر است. (۱)

حضرت امیر علیه السلام

(به خاطر حق در هر جا که باشد، خویشتن را به کام امواج سهمگین در افکن. (۲)

(زکات شجاعت، جهاد در راه خداست. (۳)

امام حسن عسکری علیه السلام

(شجاعت، اندازه ای دارد که اگر اضافه بر آن شد، بی باکی است. (۴)

قند پارسی

قند پارسی

(آورده اند که امیرالمؤمنین علی _ كَرَّمَ اللهُ وَجْهَهُ _ در کمال شجاعت و جمال مردانگی از جمله مردان جهان و دلیران عالم بر سر آمده بود تا از غایت دلاوری، سیدالمرسلین علیه السلام او را اسدالله خواند.

جوامع الحکایات

(خامان ره نرفته چه داند ذوق عشق

دریادلی بجوی، دلیری، سرآمدی

حافظ شیرازی

(تو زور و دلیری ز یزدان شناس

از او دار تا زنده باشی سپاس

شاهنامه فردوسی

(مسلّم است شجاعت بر آن کسی «صائب»

٢- الحياه، ج ٢، ص ٤٨٣.

٣- الحياه، ج ٦، ص ٤٠٩.

٤- مواعظ امامان، ص ٣٢٣.

که پیش تیر حوادث، سپر نخواسته است

صائب تبریزی

حدیث دیگران

حدیث دیگران

(ناپلئون بناپارت: شجاعت واقعی در غلبه بر سختی های زندگی است.

ضرب المثل

ضرب المثل

(Fortune favours the brave)

(اقبال با شخص شجاع، مساعد است.

(None but the brave deserves the fair)

(فقط شجاع است که استحقاق چیز خوب و زیبا را دارد.

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

(اندر آخر حمزه چون در صف شدی

بی زره، سرمست در غزو آمدی

سینه باز و تن برهنه پیش پیش

در فکندی در صف شمشیر، خویش

خلق پرسیدند: کای عم رسول

ای هژبر صف شکن، شاه فحول

نه تو لا تُلقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى

تَهْلُكَةٍ خواندی ز پیغام خدا

پس چرا تو خویش را در تهلکه

می دراندازی چنین در معرکه

چون جوان بودی و زفت و سخت زه

تو نمی رفتی سوی صف بی زره

لاابالی وار با تیغ و سنان

می نمایی دار و گیر و امتحان

تیغ حرمت می ندارد پیر را

کی بود تمیز تیغ و تیر را

زین نسق غم خوارگان بی خبر

پند می دادند او را از غیر

گفت حمزه چونک بودم من جوان

مرگ می دیدم وداع این جهان

سوی مردن کس به رغبت کی رود؟

پیش اژدرها برهنه کی شود؟

لیک از نور محمد من کنون

نیستم این شهر فانی را زبون

خیمه در خیمه، طناب اندر طناب

شکر آنکه کرد بیدارم ز خواب

آنک مردن پیش چشمش، تهلکه است

امر لا تُلَقُّوا بگیری د او به دست

و آنک مردن پیش او شد فتح باب

سارِ عُوا آید مر او را در خطاب (۱)

۱- محمد بلخی (مولانا)، مثنوی معنوی، تهران، سهیل، ۱۳۷۲، ص ۴۸۲.

گوهر بیست و چهارم: شکر و سپاس

اشاره

گوهر بیست و چهارم: شکر و سپاس

زیر فصل ها

کلام حق

اختران عصمت و ولایت

قند پارسی

حدیث دیگران

ضرب المثل

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

کلام حق

کلام حق

(... وَاشْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ. (نحل: ۱۱۴))

و نعمت خداوند را سپاس بگذارید، اگر تنها او را می پرستید.

(لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ. (ابراهیم: ۷))

اگر سپاس گزار باشید، بر نعمت شما می افزایم و اگر ناسپاسی کنید، بی گمان، عذاب من سخت است.

اختران عصمت و ولایت

اختران عصمت و ولایت

حضرت رسول صلی الله علیه و آله

(کسی که کم را سپاس نگوید، بسیار را نیز شکر نمی گزارد و کسی که از مردم تشکر نمی کند، تشکر خداوند را نیز نمی گزارد. [\(۱\)](#))

حضرت امیر علیه السلام

(ناسپاسی و کفران نعمت مایه پیش آمدن مصایب و گرفتاری هاست. [\(۲\)](#))

امام صادق علیه السلام

۱- پیام پیامبر، ص ۵۵۵.

۲- الحکم الزاهره، ص ۶۴۸.

(برای تسکین خاطر و تخفیف اندوه خود، همواره به کسی نظر کن که نصیبش از نعمت های الهی کمتر از توست تا شکر نعمت های موجود را به جای آوری و برای افزایش نعمت خداوند شایسته باشی. (۱))

(در تورات آمده است: کسی که به تو نعمت داد، سپاسش گزار و به کسی که از تو سپاس گزاری کرد، نعمتش ده؛ زیرا با سپاس گزاری، نعمت ها نابود نشود و با ناسپاسی، پایدار نماند. سپاس گزاری مایه افزایش نعمت و ایمنی از دگرگونی است. (۲))

امام جواد علیه السلام

(نعمتی که سپاس گزاری نشود، مانند گناهی است که بخشوده نمی شود. (۳))

قند پاریسی

قند پاریسی

(هر نفسی که فرو می رود، ممدّ حیات است و چون بر می آید، مفرح ذات. پس در هر نفسی، دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی، شکری واجب.

از دست و زبان که بر آید

کز عهده شکرش به در آید

دیباچه گلستان

(هر که بویش نیست، بی بینی بود

بوی آن بوی است کان دینی بود

چونک جویی برد و شکر آن نکرد

کفر نعمت آن دو بینیش خورد

شکر کن مر شاكران را بنده باش

پیش ایشان مرده شو، پاینده باش

مثنوی معنوی

(نشانه بندگی، شکر است، هرگز مردم دانا

به نسیاسی ز حد بندگی اندر نیاجارد

۱- الحدیث، ج ۲، ص ۲۹۹.

۲- اصول کافی، ج ۳، ص ۱۴۹.

۳- ۱۵الحکم الزاهره، ص ۶۴۶.

ناصر خسرو

(هم زبان از ثنای تو قاصر

هم خرد در سپاس تو حیران

ملاحسن فیض کاشانی

(فضل خدا را که تواند که شمار کرد

یا کیست آن که شکر یکی از هزار کرد؟

سعدی

(سپاس و شکر ایزد چون گزاریم

مگر جان را به شکر او سپاریم

نظامی گنجوی

(سپاس از جهان دار پیروزگر

کز او یست مردی و بخت و هنر

شاهنامه فردوسی

حدیث دیگران

حدیث دیگران

(هرشل: یکی از راهای خوشبختی این است که شخص در برابر کوچک ترین نعمت ها شکر گزار باشد.

ضرب المثل

ضرب المثل

(Who gives not thanks to men, gives not thanks to God)

(کسی که از بندگان خدا سپاس گزاری نکند، از خدا سپاس گزاری نخواهد کرد. (من لم یشکر المخلوق، لم یشکر الخالق)

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

(هرگز از دور زمان ننالیدم و روی از گردش آسمان در هم نکشیدم، مگر وقتی که پایم برهنه بود و استطاعت پای پوشی نداشتم. به جامع کوفه درآمدم دل تنگ. یکی را دیدم که پای نداشت. سپاس نعمت حق به جای آوردم و بر بی کفشی خود صبر کردم.

مرغ بریان به چشم مردم سیر

کمتر از برگ تره برخان است

و آن که را دستگاه و شوکت نیست

شلغم پخته، مرغ بریان است [\(۱\)](#)

۱- گلستان سعدی، ص ۷۵.

گوهر بیست و پنجم: صبر

اشاره

گوهر بیست و پنجم: صبر

زیر فصل ها

کلام حق

اختران عصمت و ولایت

قند پارسی

حدیث دیگران

ضرب المثل

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

کلام حق

کلام حق

(وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ. (انفال: ۴۶)

و شکیا باشید؛ که خداوند با شکیبایان است.

(... وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّ إِلَيْنَا رَاجِعُونَ أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ. (بقره: ۱۵۵ - ۱۵۷)

... و شکیبایان را نوید بخش، همان کسانی که چون بدیشان مصیبتی رسد، می گویند: اِنَّا لِلّٰهِ و اِنَّا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ (ما از آن خداوندیم و به سوی او باز می گردیم). بر آنان از پروردگارشان آمرزش ها و بخشایشی است و آنانند که ره یافته اند.

اختران عصمت و ولایت

اختران عصمت و ولایت

حضرت رسول صلی الله علیه و آله

(صبر، گنجی از گنج های بهشت است. [\(۱\)](#))

(از کم یاب ترین چیزهایی که به شما داده شده، صبر و یقین است. [\(۲\)](#))

حضرت امیر علیه السلام

(صبر دو گونه است: صبر در مصیبت که نیکو و زییاست و نیکوتر از آن صبر و خودداری از چیزی است که خدای عزوجل آن را بر تو حرام کرده است. [\(۳\)](#))

۱- گنج حکمت، ص ۳۳۷.

۲- حسین جناتی شاهرودی، آرام بخش دل داغ دیدگان، قم، نشر روح، ۱۳۸۰، ص ۱۰۳.

۳- اصول کافی، ج ۳، ص ۱۴۳.

(با اراده های آهین و صبر، غم هایی را که بر تو وارد می شوند، دور افکن. نفس خود را به شکیبایی عادت ده؛ که شکیبایی، اخلاقی نیکوست. و نفس را در ترس ها و اندوه های دنیا که به تو رسیده است، به مشقت افکن. (۱))

امام باقر علیه السلام

(بهشت در میان ناگواری ها و شکیبایی هاست. پس هر که در دنیا بر ناگواری ها صبر کند، به بهشت رود. (۲))

امام صادق علیه السلام

(صبر نسبت به ایمان مانند سر است نسبت به تن که چون سر برود، تن هم برود. همچنین اگر صبر برود، ایمان هم می رود. (۳))

قند پاریسی

قند پاریسی

(صبر کن حافظ به سختی روز و شب

عاقبت روزی بیابی کام را

حافظ

(ساقی بیا که هاتف غیم به مژده گفت

با درد صبر کن، که دوا می فرستمت

حافظ شیرازی

(گفت ای نور حق و دفع حرج

معنی الصبر، مفتاح الفرّج

مثنوی معنوی

(گفت پیغامبر خداش ایمان نداد

هر که را صبری نباشد در نهاد

حدیث دیگران

حدیث دیگران

۱- علی صحت، جهاد النفس وسایل الشیعه، تهران، نشر ناس، ۱۳۶۴، ص ۱۳۱.

۲- اصول کافی، ج ۳، ص ۱۴۳.

۳- اصول کافی، ج ۳، ص ۱۴۰.

(خضر نبی: هر کس مقام و منزلت صبر را بشناسد، هرگز راضی نمی شود که در مقدمات و موجبات صبر، توقف و کوتاهی ورزد و خود را آماده نسازد.

(الکساندر دوما: چکیده دانش های آدمی دو کلمه است: صبر و امیدواری.

ضرب المثل

ضرب المثل

(صبر، بالاترین هنر است. (مثل اسپانیولی)

(ارزش مرد به صبر اوست. (مثل انگلیسی)

(Patience is a virtue.

(صبر، فضیلت است.

(All things come to those who wait.

(همه چیزها به آنان که انتظار می کشند (شکیبایان)، روی می کنند.

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

(رفت لقمان سوی داوود صفا

دید کو می کرد ز آهن، حلقه ها

جمله را با همدگر در می فکند

ز آهن پولاد آن شاه بلند

صنعت زراد، او کم دیده بود

در عجب می ماند، وسواسش فزود

کاین چه شاید بود واپرسم از او
که چه می سازی ز حلقه تو به تو
باز با خود گفت صبر اولی تراست
صبر تا مقصود زوتر رهبر است
چون نپرسی، زودتر کشف شود
مرغ صبر از جمله پران تر بود
ور پرسی، دیرتر حاصل شود
سهل از بی صبریت مشکل شود
چونک لقمان تن بزد هم در زمان
شد تمام از صنعت داوود، آن
پس زره سازید و در پوشید او
پیش لقمان کریم صبرخو
گفت: این نیکو لباس است ای فتی
در مصاف و جنگ، دفع زخم را
گفت لقمان: صبر هم نیکودمی است
که پناه و دافع هر جا غمی است
صبر را با حق قرین کرد ای فلان
آخر والعصر را آگه بخوان

صد هزاران کیمیا حق آفرید

کیمیایی همچو صبر، آدم ندید [\(۱\)](#)

۱- مثنوی معنوی، ص ۴۱۳.

گوهر بیست و ششم: عدالت

اشاره

گوهر بیست و ششم: عدالت

زیر فصل ها

کلام حق

اختران عصمت و ولایت

قند پارسی

حدیث دیگران

ضرب المثل

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

کلام حق

کلام حق

(إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ. (نحل: ۹۰)

و به راستی، خداوند به دادگری و نیکی کردن فرمان می دهد.

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا. (مائده: ۸)

ای مؤمنان! برای خداوند به پا خیزید و با دادگری گواهی دهید و نباید دشمنی با گروهی شما را وا دارد که دادگری نکنید.

اختران عصمت و ولایت

اختران عصمت و ولایت

حضرت رسول صلی الله علیه و آله

(عادل ترین مردم کسی است که آنچه را بر خود نمی پسندد، بر دیگران نیز نپسندد. [\(۱\)](#))

(عدل در کشاکش های اجتماعی همانند سپر نگهبانی است که افراد در پناه آن از تعدی دیگران محفوظند و مانند بهشت پایداری است که همواره مردم از نعمت های آن برخوردارند. [\(۲\)](#))

۱- غلام حسین ذوالفقاری، رهنمون، تهران، انتشارات سخن و صفا، ۱۳۶۹، ص ۵۰۸.

۲- الحدیث، ج ۲، ص ۲۶۵.

(بین فرزندان خود به عدالت رفتار کنید؛ همان گونه که مایلید فرزندان شما و مردم بین شما به عدل، داد و ستد کنند. (۱))

حضرت امیر علیه السلام

(همانا گشایش و آزادگی در عدل است و کسی که محیط عدل و داد در نظرش تنگ آید، عرصه جور و ستم بر وی تنگ تر خواهد بود. (۲))

(چون حکومت بر پایه های عدل و داد بنا شود و به پشتوانه های عقل و خرد تقویت گردد، خدا هوادار آن را یاری می کند و دشمنش را مغلوب می سازد. (۳))

امام صادق علیه السلام

(عدالت، شیرین تر از آبی است که به لب تشنه برسد. عدالت با گشایش همراه است، اگر چه کم باشد. (۴))

قند پارسی

قند پارسی

(ساقی به جام عدل بده باده تا گدا

غیرت نیاورد که جهان پر بلا کند

حافظ شیرازی

(مرد را ظلم، بیخ کن باشد

عدل و دادش، حصار تن باشد

اوحدی مراغه ای

(جزای عدل، نور و رحمت آمد

سزای ظلم، لعن و ظلمت آمد

گلشن راز

(عدل چه بود؛ وضع اندر موضعش

ظلم چه بود؛ وضع در نا موضعش

عدل، وضع نعمتی در موضعش

نه بهر بیخی که باشد آبکش

مثنوی معنوی

۱- الحدیث، ج ۲، ص ۲۶۸.

۲- الحدیث، ج ۲، ص ۲۶۵.

۳- الحیاه، ج ۶، ص ۴۹۹.

۴- اصول کافی، ج ۳، ص ۲۱۶.

(مملکت از عدل شود پایدار

کار تو از عدل تو گیرد قرار

مخزن الاسرار

(عدالت کن که در عدل آنچه یک ساعت به دست آید

میسر نیست در هفتاد سال، اهل عبادت را

صائب تبریزی

حدیث دیگران

حدیث دیگران

(امیر کبیر: تصور می کردم که مملکت، وزیر عاقل می خواهد، ولی اشتباه کرده بودم. مملکت، (حاکم) عادل می خواهد.

(امانوئل کانت: اگر عدالت نابود شود، دیگر زندگی انسان روی زمین به رنج و زحمتش نمی ارزد.

ضرب المثل

ضرب المثل

(Be just before your generous.

(پیش از آنکه سخاوتمند باشی، عادل باش.

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

(آورده اند که نوشیروان عادل را در شکارگاهی، صیدی کباب کردند و نمک نبود. غلامی به روستا رفت تا نمک آورد. نوشیروان گفت: نمک به قیمت بستان تا رسمی نشود و ده خراب نگردد. گفتند: از این قدر چه خلل آید؟ گفت: بنیاد ظلم در جهان اول اندکی بوده است. هر که آمد، مزیدی کرد تا بدین نهایت رسیده.

اگر ز باغ رعیت، ملک خورد سیبی

برآوردند غلامان او درخت از بیخ

به پنج بیضه که سلطان ستم روا دارد

زنند لشکریانش هزار مرغ به سیخ^(۱)

۱- گلستان سعدی، ص ۲۶.

گوهر بیست و هفتم: عزت (شرف)

اشاره

گوهر بیست و هفتم: عزت (شرف)

زیر فصل ها

کلام حق

اختران عصمت و ولایت

قند پارسی

حدیث دیگران

ضرب المثل

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

کلام حق

کلام حق

(وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ . (المنافقون: ۸۰)

عزت برای خدا و برای پیامبر و برای مؤمنان است.

(وَ تُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ . (آل عمران: ۲۶)

و هر کس را بخواهی، گرامی می داری و هر کس را بخواهی، خوار می گردانی. نیکی در کف توست. بی گمان، توبه هر کاری، توانایی.

اختران عصمت و ولایت

اختران عصمت و ولایت

حضرت رسول صلی الله علیه و آله

(عزّت مردم باایمان در بی نیازی از مردم است و آزادی و شرافت در پرتو قناعت به دست می آید. [\(۱\)](#))

(یا علی! آفت شرافت و بزرگی، فخر فروشی است. [\(۲\)](#))

حضرت امیر علیه السلام

(کسی که ریشه خانوادگی اش، شریف و باکرامت است، در حضور و در غیاب و در هر حال، بافضیلت است. [\(۳\)](#))

۱- الحدیث، ج ۲، ص ۲۷۲.

۲- میرزا احمد آشتیانی، طرائف الحکم، تهران، کتاب خانه صدوق، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۱۹۶.

۳- الحدیث، ج ۳، ص ۳۶۶.

(خواهند گی و دریوز گی، طوق ذلّتی است که عزت را از عزیزان و شرافت خانوادگی را از شریفان سلب می کند. (۱))

(فرزندم! نفس عزیز خویش را عزیز شمار و به هیچ پستی تن نده، گرچه عمل پست، تو را به تمنیات برساند؛ زیرا هیچ چیز با شرافت نفس برابری نمی کند و هرگز به جای عزت از دست رفته، چیزی همانند آن نصیب انسان نخواهد شد. (۲))

امام حسین علیه السلام

(مردن با عزت از زندگی ذلت بار بهتر است. (۳))

امام صادق علیه السلام

(عزت و شرف مؤمن در این است که از دیگران ناامید باشد و از آنچه در دست مردم است، قطع امید کند. (۴))

قند پرسی

قند پرسی

(و حکیمان گفته اند: آب حیات اگر فروشند، فی المثل به آب روی؛ دانا نخرد که مردن به علت، به از زندگانی به ذلت.

گلستان سعدی

(پس اگر تقدیر حیات باشد، شجاعت سبب نیک نامی بوده و اگر خلاف آن باشد، مرگ در نام نیک، به از زندگانی به بدنامی، چنان که گفته اند:

(به نام نکو گر بمیرم رواست

مرا نام باید که تن مرگ راست

جوامع الحکایات

۱- الحدیث، ج ۱، ص ۲۴۲.

۲- الحدیث، ج ۲، ص ۲۷۲.

۳- گنج حکمت، ص ۱۵۸.

۴- الحدیث، ج ۳، ص ۴۳۹.

(آنجا که یار پرده عزت برافکند

عارف، کمال بیند و اهل نظر، جمال

خواجوی کرمانی

(از سرافرازان عزت، سر مکش

از چنین خوش محرمان، خود در مکش

مثنوی معنوی

حدیث دیگران

حدیث دیگران

(موریس دو کبری: سلام بر خون هایی که در راه شرف بر خاک می ریزد.

ضرب المثل

ضرب المثل

(Kind hearts are more than coronets)

(قلب های مهربان بر اصل و نسب، شرف دارند.

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

(وقتی یعقوب لیث بیمار شد و بیماری سخت گشت و همه طبیبان در علاج او عاجز آمدند و مداومت ایشان هیچ مفید نیفتاد، گفتند: به دعای پیران و بزرگواران تقرب باید کرد و از همت ایشان استمداد طلبید تا مگر شفا روی نماید. پس کس فرستادند و سهل عبدالله تستری را بطلبید و التماس نمود تا دعایی کند تا خدای عزوجل او را شفا دهد.

سهل دست به دعا برداشت و گفت: بار خدایا، ذلّ معصیت او بدو نمودی، عزّ بندگی من به من بنمای. هم در ساعت، یعقوب شفا یافت و آن درد از وی زایل شد. یعقوب بفرمود تا مال بسیار پیش خدمت وی آوردند. در آن ننگریست و گفت: ما این عزت به ناگرفتن یافته ایم. اگر ما را به دنیا میل بودی، دعای ما را اجابت نیاوردی. (۱)

۱- محمد بن محمد عوفی بخارایی، جوامع الحکایات و لوامع الروایات، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۵، ص ۱۹۱.

گوهر بیست و هشتم: عفو (گذشت)

اشاره

گوهر بیست و هشتم: عفو (گذشت)

زیر فصل ها

کلام حق

اختران عصمت و ولایت

حدیث دیگران

ضرب المثل

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

کلام حق

کلام حق

(خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ. (اعراف: ۱۹۹)

گذشت را در پیش گیر و به نیکی فرمان ده و از نادان روی بگردان.

(إِنْ تَعْفُوا عَنْ سُوءِ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوءًا قَدِيرًا. (نساء: ۱۴۹)

اگر ... از بدی [دیگران] در گذرید، بی گمان، خداوند در گذرنده ای تواناست.

اختران عصمت و ولایت

اختران عصمت و ولایت

حضرت رسول صلی الله علیه و آله

(عذر را از هر کس، قبول کنید؛ چه محق باشد چه باطل. هر کس عذر قبول نکند، به شفاعت من نخواهد رسید. [\(۱\)](#)

(بر شما باد به گذشت و عفو؛ زیرا گذشت بر عزت بنده می افزاید. پس همدیگر را عفو کنید تا خداوند شما را عزیز گرداند. (۲))

حضرت امیر علیه السلام

(زشت ترین عیب ها، کم گذشتن از لغزش های مردم و بزرگ ترین گناهان، شتاب کردن در انتقام گیری است. (۳))

۱- مشکاه الانوار، ص ۲۱۴.

۲- آداب معاشرت، ص ۱۲۷.

۳- الحدیث، ج ۱، ص ۸۹.

(چون بر دشمنت پیروز شدی، گذشت از او را شکرانه ی پیروزی ات قرار بده. [\(۱\)](#))

امام سجاد علیه السلام

(حق اخلاقی آن کس که به تو بد کرده، این است که او را عفو کنی، مگر اینکه بدانی عفو او زیان بار است و او را به گستاخی و تجاوز و ا می دارد. [\(۲\)](#))

امام صادق علیه السلام

(عفو کردن و از تقصیر کسی گذشتن با وجود قدرت داشتن بر انتقام، روش پیامبران و پرهیزگاران است. [\(۳\)](#))

(رحم آوردن بر بدان، ستم است بر نیکان و عفو کردن از ظالمان، جور است بر درویشان.

گلستان سعدی

(خدای راست مسلّم بزرگواری و حکم

که جرم می بیند و نان برقرار می دارد

گلستان سعدی

(به خوشی بناز و به خوبی ببخش

مکن روز را بر دل خویش رخس

شاهنامه فردوسی

(عذرخواهان را خطاکاری ببخش

زینهار را به جان ده زینهار

سعدی

(آب می گردیم اگر بر روی ما آری گناه

بگذر ای پیرمغان، دانسته، از تقصیر ما

حدیث دیگران

حدیث دیگران

۱- آداب معاشرت، ص ۱۲۸.

۲- الحدیث، ج ۱، ص ۸۹.

۳- مصباح الشریعه، ص ۳۷۴.

(ابوعلی سینا: عفو در هنگام قدرت، نشان دلیری است.

(ولتر: حقیقت را دوست بدار، ولی اشتباه و خطا را عفو کن.

ضرب المثل

ضرب المثل

(Forgive and forget.

(بیخس (عفو کن) و فراموش کن.

(To err is humane, to forgive divine.

(خطا کردن، انسانی و بخشودن، خدایی (و الهی) است.

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

(شنیدم که لقمان سیه فام بود

نه تن پرور و نازک اندام بود

یکی بنده خویش پنداشتش

زبون دید و در کار گل داشتش

جفا دید و با جور و قهرش بساخت

به سالی، سرایی ز بهرش بساخت

چو پیش آمدش بنده رفته باز

ز لقمانش آمد نهیبی فراز

به پایش درافتاد و پوزش نمود

بخندید لقمان که پوزش چه سود؟

به سالی ز جورت جگر خون کنم

به یک ساعت از دل به در چون کنم؟

ولی هم ببخشایم ای نیک مرد

که سود تو ما را زیانی نکرد

تو آباد کردی شبستان خویش

مرا حکمت و معرفت گشت بیش

غلامی است در خیلیم ای نیک بخت

که فرمایمش وقت ها کار سخت

دگر ره نیازارش سخت دل

چو یاد آیدم سختی کار گل

هر آن کس که جور بزرگان نبرد

نسوزد دلش بر ضعیفان خرد

گر از حاکمان سختت آید سخن

تو بر زبردستان درشتی مکن [\(۱\)](#)

گوهر بیست و نهم: عهد (پیمان)

اشاره

گوهر بیست و نهم: عهد (پیمان)

زیر فصل ها

کلام حق

اختران عصمت و ولایت

قند پارسی

حدیث دیگران

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

کلام حق

کلام حق

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ. (مائده: ۱)

ای مؤمنان! به پیمان ها وفا کنید.

(بَلَىٰ مَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ وَاتَّقَىٰ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ. (آل عمران: ۷۶)

بله، آن کس که به پیمان خود وفا کند و پرهیزگاری ورزد، (بداند) بی گمان، خداوند پرهیزگاران را دوست دارد.

اختران عصمت و ولایت

اختران عصمت و ولایت

حضرت رسول صلی الله علیه و آله

(مسلمان نیست آن که به عهد و پیمان خود وفادار نباشد. (۱)

(چون به کودکان خود وعده ای دادید، وفا کنید و تخلف نکنید؛ زیرا کودکان گمان می کنند شما رزاق آنها هستید. [\(۲\)](#))

حضرت امیر علیه السلام

(وفای به عهد و پیمان، آراستن جوانمردی است. [\(۳\)](#))

۱- الحدیث، ج ۲، ص ۵۶.

۲- الحدیث، ج ۱، ص ۱۰۱.

۳- الحدیث، ج ۱، ص ۹۲.

(ای مالک! اگر مشکلی رخ داد و ناچار شدی با دشمن صلحی برقرار کنی یا عهد و میثاقی ببندی، باید به پیمان خود وفادار باشی و قرارداد را با کمال درستی محترم بشماری و جان خود را سپر پیمان سازی. هیچ یک از دستورهای خداوند همانند پیمان نیست. تمام ملت ها با همه اختلافاتی که در آرا و عقاید و ادیان دارند، به قول و قرار خویش پای بندند. (۱))

امام موسی کاظم علیه السلام

(سه چیز است که در آن به اجازه و (دستور) خدا نیازی نیست. نیکی به پدر و مادر، چه خوب باشند و چه بد؛ وفای به عهد برای هر خوب و بدی و پس دادن سپردنی به گذارنده، چه خوب و چه بد باشد. (۲))

قند پارسی

قند پارسی

(بسوخت حافظ و در شرط عشق بازی او

هنوز بر سر عهد و وفای خویشان است

حافظ شیرازی

(اگر رفیق شفیقی، درست پیمان باش

حریف خانه و گرمابه و گلستان باش

حافظ

(وفای عهد نگه دار و از جفا بگذر

به حق آن که نیم یار بی فای دوست

سعدی

(شرط است وفا به عهد کردن

در پاس عهود جهد کردن

هفت اورنگ

۱- تحف العقول، ص ۲۱۹.

۲- خصال، ج ۱، ص ۱۰۳.

(افلاطون: به آنچه وعده کرده ای، وفا کن تا به فضیلت جود و صدق آراسته شوی.

ضرب المثل

□ سند پاره می شود، قول پاره نمی شود. (مثل آلمانی)

□ گاو به شاخش بسته می شود و مرد به قولش. (مثل ژاپنی)

□ An honest man's word is as good as his bond

□ قول یک مرد درست کار همچون قرارداد و سندش اعتبار دارد.

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

(آورده اند که سلمان فارسی در شهری از شهرهای شام امیر بود و عادت و سیرت او در ایام امارت و موسم ولایت، هیچ تفاوتی نکرده بود، بلکه پیوسته گلیم پوشیدی و پیاده رفتی و اسباب خانه خود را تکفل کردی.

یک روز در میان بازار می رفت. مردی دید که اسبست(۱) خریده بود و در راه نهاده و کسی می طلبید تا او را به بیگار بگیرد و آن را به خانه برد. ناگاه سلمان به آنجا رسید. مرد، وی را شناخت و به بیگار گرفت و آن اسبست در پشت او نهاد و سلمان هیچ امتناع نکرد و همچنان می رفت تا او را مردی در راه پیش آمد. (به سلمان) گفت: ای ایرانی! بار به کجا می بری؟ آن مرد (صاحب بار) چون دانست که او، سلمان است، در پایش افتاد و دست او بوسیدن گرفت و گفت: ای امیر! مرا در حل کن (مرا حلال کن) که تو را شناختم و ندانستم. اکنون بار از سر مبارک بردار تا من خاک تو توتیای دیده سازم.

سلمان گفت: نه، چون قبول کرده ام که این بار به خانه تو رسانم، مرا از عهده عهد خود بیرون باید آمد. پس سلمان آن بار را به خانه آن مرد برسانید و گفت: من عهد خود وفا کردم. اکنون تو عهد کن تا هیچ کس را به بیگاری نگیری. (۱)

گوهر سی ام: عیادت بیمار

اشاره

گوهر سی ام: عیادت بیمار

زیر فصل ها

کلام حق

اختران عصمت و ولایت

قند پارسی

حدیث دیگران

ضرب المثل

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

کلام حق

کلام حق

(در قرآن، آیه ای که به صراحت و یا تلویحی به این موضوع اشاره کرده باشد، وجود ندارد. با این حال، در برخی آیات، به بعضی تخفیف ها و معافیت هایی که پروردگار در بیماری مؤمنان در نظر می گیرد، اشاره رفته است، از جمله: معافیت از جهاد، (۱) معافیت روزه، (۲) معافیت وجوب حج یا برخی مناسک آن (۳) و موارد مشابه دیگر.

اختران عصمت و ولایت

اختران عصمت و ولایت

حضرت رسول صلی الله علیه و آله

(حق مسلمان بر مسلمان آن است که چون او را ببیند، به او سلام کند و چون بیمار شد، به عیادتش برود و چون بمیرد، جنازه اش را تشییع کند. (۴)

(اگر کسی بیمار را عیادت کند، آوازدهنده ای، او را به نامش از آسمان آواز می دهد. ای فلانی! خوش آمدی و خوش باد پاداش قدم رنجه ات که بهشت است. آن عیادتی از پاداش بیشتری برخوردار است که مدتش کوتاه باشد. [۵](#))

۱- نک: نسا: ۹۵ و ۱۰۲.

۲- نک: بقره: ۱۸۴ و ۱۸۵.

۳- نک: بقره: ۱۹۶.

۴- مکارم الاخلاق، ج ۲، ص ۲۰۲.

۵- پیام پیامبر، ص ۵۸۹.

حضرت امیر علیه السلام

(عیادت بیمار یکی از بهترین حسنات است. (۱))

امام صادق علیه السلام

(کسی که برای خدا به عیادت بیماری رود، آنچه را بیمار در حق او دعا کند، خداوند آن را مستجاب می فرماید. (۲))

قند پاریسی

قند پاریسی

(کسی به عیادت بیماری رفت و بسیار نشست. از بیمار پرسید: از چه شکایت داری؟ گفت: از بسیار نشستن تو.

کشکول شیخ بهایی

(یک شب عیادت من بیمار پیش گیر

نبرد گنه، عیادت یاران به هیچ کیش

ملک الشعراء بهار

(شخصی همه شب بر سر بیمار گریست

چون صبح شد، او بمرد و بیمار بزیست

عدی

(به انتظار عیادت که دوست می آید

خوش است بر دل رنجور، عشق بیماری

سعدی

حدیث دیگران

حدیث دیگران

(فخرالدین علی صفی: برای بیمار، سخت تر از درد بیماری، تحمل گران جانی بر بالین است.

ضرب المثل

ضرب المثل

۱- الحدیث، ج ۲، ص ۳۳۸.

۲- ۴ پاداش نیکی ها و کیفر گناهان، ص ۴۸۹.

(Taking care of the sick is worse than sickness)

(سخت تر از بیماری، تیمار بیمار و بیمار داری است.

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

اشاره

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

زیر فصل ها

به عیادت رفتن کر بر همسایه رنجور خویش

به عیادت رفتن کر بر همسایه رنجور خویش

به عیادت رفتن کر بر همسایه رنجور خویش

(آن کری را گفت افزون مایه ای

که تو را رنجور شد همسایه ای

گفت با خود کر که با گوش گران

من چه دریابم ز گفت آن جوان

خاصه رنجور و ضعیف آواز شد

لیک باید رفت آنجا نیست بد

چون بینم کان لبش جنبان شود

من قیاسی گیرم آن را هم ز خود

چون بگویم چونی ای محنت کشم!

او بخواهد گفت نیکم یا خوشم

من بگویم شکر چه خوردی ابا

او بگوید شربتی یا ماش با

من بگویم صبحه نوشت، کیست آن

از طبیان پیش تو، گوید فلان

من بگویم بس مبارک پاست او

چونک او آمد، شود کارت نکو

پای او را آزمودستیم ما

هر کجا شد، می شود حاجت روا

این جوابات قیاسی راست کرد

پیش آن رنجور شد آن نیک مرد

گفت: چونی؟ گفت مُردم، گفت: شکر

شد از این رنجور پر آزار و نگر

کاین چه شکر است، او مگر با ما بد است

کر قیاسی کرد و آن کثر آمد است

بعد از آن گفتش: چه خوردی؟ گفت: زهر

گفت: نوشت باد؛ افزون گشت قهر

بعد از آن گفت: از طبیان کیست او

که همی آید به چاره پیش تو؟

گفت: عزرائیل می آید، برو

گفت: پایش بس مبارک، شاد شو

کر برون آمد، بگفت او شادمان
شکر کش کردم مراعات این زمان
گفت رنجور این عدوی جان ماست
ما ندانستیم کو کان جفاست
خاطر رنجورجویان شد سقط
تا که پیغامش کند از هر نمط
چون کسی که خورده باشد آتش بد
می بشوراند دلش، تا قی کند
کظم غیظ این است، آن را قی مکن
تا بیابی در جزا شیرین سخن
چون عیادت بهر دل آرامی است
این عیادت نیست، دشمن کامی است
تا ببیند دشمن خود را نزار
تا بگیرد خاطر زشتش قرار
بس کسان کایشان ز طاعت گم‌رهند
دل به رضوان و ثواب آن دهند
خود حقیقت معصیت باشد خفی
بس کدر کان را تو پنداری صفی
همچو آن کر کو همی پنداشتست

کو نکویی کرد و آن برعکس جست

او نشسته خوش که خدمت کرده ام

حق همسایه به جا آورده ام

بهر خود او آتشی افروخته است

در دل رنجور و خود را سوخته است [\(۱\)](#)

۱- مثنوی معنوی، ص ۱۵۰.

گوهر سی و یکم: عیب پوشی

اشاره

گوهر سی و یکم: عیب پوشی

زیر فصل ها

کلام حق

اختران عصمت و ولایت

قند پاریسی:

حدیث دیگران

ضرب المثل

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

کلام حق

کلام حق

(وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ. (همزه: ۱)

وای بر عیب جوی طعنه زن.

اختران عصمت و ولایت

اختران عصمت و ولایت

حضرت رسول صلی الله علیه و آله

(همه امت من بخشش می یابند جز پرده دران. [\(۱\)](#))

(اگر کسی، زشتی را آشکار سازد، همچون آغازگر و انجام دهنده آن است. [\(۲\)](#))

(بر عیب مرد همین بس که از دیدن عیب خود کور باشد و به خرده دیگران پردازد و مردمان را بر کاری نکوهش کند که خود قدرت ترک آن را ندارد و همدم خود را به آنچه سود ندارد، آزار دهد. (۳))

حضرت امیر علیه السلام

(کسی که در عیب خویش اندیشه کند، از عیب جویی دیگران باز می ماند. (۴))

۱- پیام پیامبر، ص ۵۹۱.

۲- پیام پیامبر، ص ۵۹۳.

۳- خصال، ج ۱، ص ۸۷.

۴- جهاد النفس، ص ۱۶۱.

(ای بنده خدای، در گفتن عیب کسی که گناهی کرده است، شتاب مکن؛ چرا که امید می رود که آن گناه را بر او ببخشند و به گناه خویش ایمن مباش؛ چه بود که تو را به آن عذاب کنند. (۱))

امام صادق علیه السلام :

(دورترین بنده از درگاه خداوند کسی است که در حال دوستی و برادری دیگری، لغزش های وی را به خاطر بسپارد تا روزی او را برای آن لغزش ها سرزنش کند. (۲))

کسی که عیب مؤمنی را که از آشکار شدن آن می ترسد، بپوشاند، خداوند هفتاد عیب او را که از آشکار شدن آنها بیمناک است، در دنیا و آخرت پنهان می سازد. (۳))

قند پاریسی:

قند پاریسی:

(مردمان را عیب نهان پیدا مکن که مرایشان را رسوا کنی و خود را بی اعتماد.

گلستان سعدی

(الا ای هنرمند پاکیزه خوی

هنرمند نشنیده ام عیب جوی

بوستان سعدی

(حق جل و علا می بیند و می پوشد و همسایه نمی بیند و می خروشد.

گلستان سعدی

(کو کرم، کو سترپوشی، کو حیا

صد هزاران عیب پوشند انبیا

مثنوی معنوی

(چون بینی ز آشنا، عیبی

گر به بیگانگان نگویی، به

ز آنکه در کیش آخرانیشان

عیب پوشی ز عیب جوئی به

۱- نهج البلاغه، ص ۱۳۷.

۲- آداب معاشرت، ص ۱۹۷.

۳- پاداش نیکی ها، ص ۳۵۰.

حدیث دیگران

حدیث دیگران

(افلاطون: اشرار کسانی هستند که عیب های مردم را جست و جو می کنند تا به آن بچسبند و نیکویی آنان را نادیده و فراموش گذارند، مانند پشه که در جاهای کثیف و زخم بدن می نشیند و از جاهای تمیز دوری می کند.

ضرب المثل

ضرب المثل

(Nothing is perfect but God .

(فقط خدا بی عیب است.

(Men are blind in their own cause .

(آدم ها نسبت به عیب های خویش کورند.

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

(جوانی هنرمند و فرزانه بود

که در وعظ، چالاک و مردانه بود

نکونام و صاحب دل و حق پرست

خط عارضش خوش تر از خط دست

قوی در بلاغات و در نحو، چست

ولی حرف ابجد نگفتی درست

یکی را بگفتم ز صاحب دلان

که دندان پیشین ندارد فلان

برآمد ز سودای من سرخ روی

کز این جنس بیهوده دیگر مگوی

تو در وی همان عیب دیدی که هست

ز چندان هنر، چشم عقلت ببست؟

یقین بشنو از من که روز یقین

نبینند بد مردم نیک بین

منه عیب خلق ای خردمند پیش

که چشمت فرو دوزد از عیب خویش

من ار حق شناسم و گر خودنمای

برون با تو دارم، درون با خدای

اگر سیرتم، خوب و گر منکر است

خدایم به سر از تو داناتر است

نکوکاری از مردم نیک رأی

یکی را به ده می نویسد خدای

تو نیز ای عجب هر که را يك هنر

بینی، ز ده عیش اندر گذر [\(۱\)](#)

۱- بوستان سعدی، ص ۱۷۸.

گوهر سی و دوم: قناعت

اشاره

گوهر سی و دوم: قناعت

زیر فصل ها

کلام حق

اختران عصمت و ولایت

قند پارسی

حدیث دیگران

ضرب المثل

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

کلام حق

کلام حق

(إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ. (نور: ۳۲)

اگر نادار باشند، خداوند از بخشش خویش به آنان، بی نیازی (و مناعت) می دهد و خداوند، نعمت گستری دانا است.

اختران عصمت و ولایت

اختران عصمت و ولایت

حضرت رسول صلی الله علیه و آله

(قناعت، پادشاهی بی پایان است. (۱)

(هر که طمع ورزد، نیازمند و هر که قناعت کند، بی نیاز است. (۲)

(عزت مردم باایمان در بی نیازی از مردم است و آزادی و شرافت در پرتو قناعت به دست می آید. (۳))

حضرت امیر علیه السلام

(قناعت، ثروتی تمام نشدنی است. (۴))

۱- الحیاه، ج ۴، ص ۳۷۵.

۲- الحکم الزاهره، ص ۶۵۰.

۳- الحدیث، ج ۱، ص ۹۱.

۴- الحکم الزاهره، ص ۶۵۱.

(قانع، توانگر است؛ (زیرا کسی که قناعت کند، از مردم بی نیاز می شود و این، حقیقت توانگری و کمال آن است). (۱)

امام صادق علیه السلام

(اگر شخص قانع دعوی کند که من مالک دو جهان (دنیا و آخرت) هستم و بر دعوی خود قسم یاد کند، راست گفته و قسم دروغ نخورده است. به واسطه بزرگ بودن مرتبه قناعت نزد حضرت باری. (۲)

امام کاظم علیه السلام

(هر که به آنچه او را کافی است، قناعت کند، بی نیاز می شود و هر که به آنچه او را کافی است، قناعت نکند، هرگز بی نیاز نمی شود. (۳)

قند پارسی

قند پارسی

(دو برادر بودند؛ یکی خدمت سلطان کردی و دیگری به زور بازو نان خوردی. باری توانگر گفت درویش را که چرا خدمت نکنی تا از مشقت کار کردن برهی؟ گفت: تو چرا کار نکنی تا از مذلت خدمت رهایی یابی که خردمندان گفته اند: نان خود خوردن و نشستن به که کمر زرین به خدمت بستن.

(به دست آهن تفته کردن خمیر

به از دست بر سینه پیش امیر

گلستان سعدی

(زان گنج شایگان که بر کنج قناعت است

مور ضعیف گر چو سلیمان شود، رواست

حافظ شیرازی

۱- غررالحکم، ج ۴، ص ۵۲۵.

۲- مصباح الشریعه، ص ۲۰۵.

۳- تحف العقول، ص ۷۰۷.

(چو حافظ در قناعت کوش و از دنیی دون بگذر

که یک جو منت دونان، دو صد من زر نمی ارزد

حافظ شیرازی

(قناعت توانگر کند مرد را

خبر کن حریص جهانگرد را

بوستان سعدی

(حرص، خزان است و قناعت، بهار

نیست جهان را ز خزان، خرمی

دیوان شمس

(آن شنیدستی که در صحرای غور

بارسالاری بيفتاد از ستور

گفت: چشم تنگ دنیا دوست را

یا قناعت پر کند یا خاک گور

گلستان سعدی

حدیث دیگران

حدیث دیگران

(شکسپیر: قناعت، بزرگ ترین سرمایه ماست.

(بنیامین فرانکلین: قناعت، کیمیایی است که هر چه را لمس کند، طلا می شود.

ضرب المثل

.The greastest wealthment with little)

(بزرگ ترین دارایی ها، قناعت به اندک است.

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

(یکی گربه در خانه زال بود

که برگشته ایام و بدحال بود

دوان شد به مهمان سرای امیر

غلامان سلطان زدندش به تیر

چکان خونس از استخوان می دوید

همی گفت و از هول جان می دوید

اگر جستم از دست این تیرزن

من و موش و ویرانه پیرزن

نیرزد غسل، جان من، زخم نیش

قناعت، نکوتر به دوشاب خویش

خداوند از آن بنده خرسند نیست

که راضی به قسم خداوند نیست (۱)

گوهر سی و سوم: گمان نیکو (حسن ظن)

اشاره

گوهر سی و سوم: گمان نیکو (حسن ظن)

زیر فصل ها

کلام حق

اختران عصمت و ولایت

قند پارسی

حدیث دیگران

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

کلام حق

کلام حق

(یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا.... (حجرات: ۱۲)

ای مؤمنان! از بسیاری از گمان ها دوری کنید؛ که برخی گمان ها گناه است و (در کار مردم) کاوش نکنید.

اختران عصمت و ولایت

اختران عصمت و ولایت

حضرت رسول صلی الله علیه و آله

(گمان های خود را به برادران مؤمن نیکو کنید؛ زیرا حسن ظن به مؤمن موجب صفای دل است و پاکی طبع. (۱)

(خداوند می فرماید من با گمان بنده ام که به من دارد، قرینم. اگر نیکوکار بود، نیکی بیند و اگر بد گمان بود، بد بیند. (۲)

حضرت امیر علیه السلام

(هر کس گمان نیکو به تو داشت، گمانش را (با عملت) تصدیق کن. [\(۳\)](#))

(نیکوگمانی از افزون ترین خوی ها و بزرگ ترین عطایاست. [\(۴\)](#))

۱- مصباح الشریعه، ص ۵۱۷.

۲- نهج الفصاحه، ص ۵۹۷.

۳- الحکم الزاهره، ص ۶۶۵.

۴- شرح غررالحکم، ج ۳، ص ۳۸۴.

امام صادق علیه السلام

(گمان نیک از حسن ایمان برمی خیزد. هرچه ایمان آدمی، بیشتر و سینه اش از تیرگی و سیاهی سالم تر باشد، حسن ظن او به خدا بیشتر است. (۱))

امام رضا علیه السلام

(گمان خود را به خدا نیکو سازید و به رحمتش امیدوار باشید که خداوند می گوید عمل من با بنده ام بر اساس گمانی است که او به من دارد. (۲))

قند پرسی

قند پرسی

(یکی از بزرگان گفت پرسی را که: چه گویی در حق فلان عابد که دیگران به طعنه سخن ها گفته اند. گفت: بر ظاهرش عیبی نمی بینم و در باطنش غیب نمی دانم.

هر که را جامه پارسا بینی

پارسا دان و نیک مرد انگار

ور ندانی که در نهادش چیست

محتسب را درون خانه چه کار؟

گلستان سعدی

(بدو گفت شیدای شوریده سر

جوابی که شاید نبشتن به زر

دلم خانه مهر یار است و بس

از آن می نگنجد در آن کین کس

بوستان سعدی

(در حضرتت برد «فیض»، پیوسته ظن نیکو

انجام هر مهمی از حسن ظن برآید

ملا محسن فیض کاشانی

حدیث دیگران

حدیث دیگران

۱- مصباح الشریعه، ص ۵۱۶.

۲- ۶ الحدیث، ج ۳، ص ۱۱۹.

(اقلیدس: بدترین مردم کسی است که از بدگمانی بسیار، به هیچ کس اطمینان ندارد و از بدکاری بسیار، هیچ کس به او اطمینان نمی کند.

ضرب المثل

□ مثل یونانی: نفرت، سلاح آدم بدبین است.

□ The optimist's cup is half full; the pessimist's cup is half empty.

□ لیوان خوش بین تا نصفه پر است، ولی لیوان بدبین همیشه تا نصفه خالی است.

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

(زاهدی مهمان شیخ ضریر که نابینا بود، شد و دید در خانه اش (قرآن) باز است. تعجب کرد و به فکر فرو رفت (که چگونه او با این حال قرآن می خواند!):

اندر این اندیشه تشویشش فزود

که جز او را نیست اینجا باش و بود

اوست تنها مصحفی آویخته

من نیم گستاخ یا آمیخته

مرد مهمان صبر کرد و ناگهان

کشف گشتش حال مشکل در زمان

نیم شب آواز قرآن را شنید

جست از خواب، آن عجایب را بدید

که ز مصحف، کور می خواندی درست

گشت بی صبر و ازو آن حال جست

گفت: آیا ای عجب، با چشم کور

چون همی خوانی همی بینی سطور

آنچ می خوانی بر آن افتاده ای

دست را بر حرف آن بنهاده ای

گفت: ای گشته ز جهل تن جدا

این عجب می داری از صنع خدا؟

من ز حق درخواستم کای مستعان

بر قرائت من حریصم همچو جان

نیستم حافظ، مرا نوری بده

در دو دیده وقت خواندن بی گره

آمد از حضرت ندا، کای مرد کار

ای به هر رنجی به ما امیدوار

حسن ظن است و امیدی خوش تو را

که تو را گوید به هر دم برتر آ

هر زمان که قصد خواندن باشدت

یا ز مصحف ها قرائت بایدت

من در آن دم وا دهم چشم تو را

تا فرو خوانی معظم جوهر را

همچنان کرد و هر آن گاهی که من

واگشایم مصحف اندر خواندن

باز بخشد بینشم آن شاه فرد

در زمان همچون چراغ شب نورده(۱)

گوهر سی و چهارم: مشورت

اشاره

گوهر سی و چهارم: مشورت

زیر فصل ها

کلام حق

اختران عصمت و ولایت

قند پارسی

حدیث دیگران

ضرب المثل

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

کلام حق

کلام حق

(وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ . (آل عمران: ۱۵۹)

(ای پیامبر) و با آنها درکار، رازنی کن و چون آهنگ (کاری) کردی، به خداوند توکل کن که خدا توکل کنندگان (به خویش) را دوست دارد.

(... وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ (شورا: ۳۸)

(مؤمنان) کارشان رازنی میان همدیگر است

اختران عصمت و ولایت

اختران عصمت و ولایت

حضرت رسول صلی الله علیه و آله

(هیچ گونه تنهایی، وحشتناک تر از خودپسندی و هیچ گونه همکاری، مطمئن تر از مشورت نیست. [\(۱\)](#))

((خطاب به امیرمؤمنان علی علیه السلام): با ترسو مشورت نکن که راه رهایی را به تو تنگ می کند و با بخیل مشورت نکن که تو را از هدف باز می دارد و با حریص مشورت نکن که طمع کاری را برای تو زینت می دهد. [\(۲\)](#))

۱- الحکم الزاهره، ص ۵۰۲.

۲- خصال، ج ۱، ص ۱۵۷.

حضرت امیر علیه السلام

(خردمند از مشورت بی نیاز نیست. (۱))

(هیچ پشتیبانی چون مشاوره نیست. (۲))

امام صادق علیه السلام :

(در کارها مشورت با مؤمنان موجب تحصیل دانش است و عاقل کسی است که به وسیله مشورت با مؤمنان، علم و آگاهی جدیدی به دست آورد و از آن علم، راه به مقصود و مراد خود ببرد. (۳))

قند پارسی

قند پارسی

(مشورت ادراک و هوشیاری دهد

عقل ها مر عقل را یاری دهد

مثنوی معنوی

(زانکه با عقلی چو عقلی جفت شد

مانع بد فعلی و بد گفت شد

مثنوی معنوی

(هر که بی مشورت کند تدبیر

غالبش بر غرض نیاید تیر

سعدی

(بی مشورت مباش که سرکردگان راه

یک گام بی صلاح توکل نمی زنند

صائب تبریزی

(مشورت با مردم بزدل مکن

که تو را در کارها سازند سست

کار کوچک را کنند آنها بزرگ

نقص ها آرند بر کار درست

امین میرهادی

حدیث دیگران

حدیث دیگران

۱- الحکم الزاهره، ص ۵۱۹.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۵۴.

۳- مصباح الشریعه، ص ۳۵۰.

(لقمان حکیم: با بزرگان مشورت کن و (حتی) از مشورت با افراد کوچک نیز شرم نداشته باش.

ضرب المثل

ضرب المثل

(Four eyes see more two .

(چهار چشم بیش از دو چشم می بیند.

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

(رسول صلی الله علیه و آله (پس از واقعه جنگ اُحُد و نافرمانی برخی یاران) بر یاران خویش خشم گرفت از آنکه در حرب احد به هزیمت (شکست) شدند و رسول را فرو گذاشتند. او را از آن، رنج کرد و نومید آمد. گفت: من خود نیز با شما (از این به بعد) مشاورت نکنم که آنچه به من رسید، بدان رسید که به قول شما کار کردم و اگر من بر آن چه صواب دیدم، برفتمی و در مدینه نبودمی، به (= بهتر) بودی، مرا از شما و یاری شما.

یاران چون آن بشنیدند، سخت اندوهگین شدند و گفتند مخاطره است که شومی آزار رسول در ما رسد (خطر بلا بر ما به سبب اذیت و آزار رساندن به رسول می رود). خدای تعالی این آیت (وَ شاورْهُمْ فِی الْأَمْرِ) بفرستاد و فایده آن اینکه در مشاورت رسول، تسلیت و تألیف دل های یاران بود و دلالت امت بر مشاورت که چون رسول را با کمال عقل او و مدد وحی وی را چاره نبود از مشاورت، بدانند که هیچ عاقل را از مشاورت چاره نبود تا امت وی نیز به رسول اقتدا کنند. (۱)

۱- ابوبکر عتیق نیشابوری، تفسیر سور آبادی، تهران، فرهنگ و نشر نو، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۵۳ (با کمی تغییر و تلخیص).

گوهر سی و پنجم: مهمان نوازی

اشاره

گوهر سی و پنجم: مهمان نوازی

زیر فصل ها

کلام حق

اختران عصمت و ولایت حضرت رسول صلی الله علیه و آله

ضرب المثل

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

کلام حق

کلام حق

(فَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تُخْزَوْا فِي ضَيْفِي أَلَيْسَ مِنْكُمْ رَجُلٌ رَشِيدٌ. (هود: ۷۸)

[لوط]: از خدا پروا کنید و مرا در (کار) مهمانم، خوار نگردانید. آیا در میان شما مرد کاردانی نیست؟

اختران عصمت و ولایت حضرت رسول صلی الله علیه و آله

اختران عصمت و ولایت حضرت رسول صلی الله علیه و آله

(هرگاه یکی از شما به برادر مسلماننش در خانه او وارد شود، او بر صاحب خانه، امیر است تا آن گاه که بیرون رود. (۱)

(پذیرایی از مهمان تا سه روز حق اوست. افزون بر آن در حکم صدقه ای است که میزبان به او می دهد. (۲)

(هرگاه خداوند نسبت به گروهی اراده نیکی کند، هدیه ای به ایشان مرحمت می فرماید. [آن هدیه]، مهمان است که با

روزی خود می آید و می رود. با این حال، مایه آمرزش اهل خانه می شود. (۳)

حضرت امیر علیه السلام

۱- گنج حکمت، ص ۳۳۸.

۲- خصال، ج ۱، ص ۱۱۸.

۳- مجموعه ورام، ص ۲۵.

(از افزون ترین مکرمات ها، شاخص ترین بزرگواری ها، بر خود گرفتن دیون مردم و مهمان کردن مهمانان است. (۱))

امام رضا علیه السلام

(ما اهل بیت حاضر نیستیم که مهمانان خود را به کاری [هر چند به کوچکی و ناچیزی روشن کردن چراغی باشد] واداریم. [اهمیت حرمت و کرامت مهمانان] (۲))

قند پاریسی

(عجمان مهمان را از آن رو مهمان نامیده اند که وی را گرمی دارند؛ چرا که «مه» نزد ایشان، سرور است و «مان» منزل. و مهمان را تا زمانی که نزد ایشان ماند، سرور خویش دانند.

کشکول شیخ بهایی

(چون میهمانی کنی، از خوبی و بدی خوردنی ها عذر مخواه که این طبع بازاریان باشد. هر ساعت نگوی که فلان چیز بخور خوب است یا چرا نمی خوری یا من نتوانستم سزای تو کنم که اینها سخن کسانی است که یک بار میهمانی کنند.

قابوس نامه

(میهمان ماست هر کس بی نواست

آشنا با ماست، چون بی آشناست

پروین اعتصامی

(تویی میهمان اندر این باغ من

فدای تو بادا تن و جان من

شاهنامه فردوسی

(جمله راضی رفته اند از پیش ما

هست مهمان، جان ما و خویش ما

مثنوی معنوی

(جمله مهمانند در عالم و لیک

کم کسی داند که او مهمان کیست

دیوان شمس

(ما همه مهمان خوان عالمیم

حق مطلق، روز و شب مهمان ماست

شاه نعمت الله ولی

ضرب المثل

ضرب المثل

(ماهی و مهمان، پس از سه روز می کنند.

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

(آورده اند که ابراهیم پیغمبر علیه السلام آیتی بوده است در مهمان داری و عادت او آن بود که تا مهمان نرسیدی، البته طعام نخوردی. وقتی یک شبانه روز بگذشت و هیچ مهمانی نرسید، به صحرا برون رفت. پیری را دید که می آمد. پرسید که تو کیستی و از کجا می آیی؟ حال خود بگفت: ابراهیم چون نیک تفحص کرد، مرد، بیگانه بود و بت پرست. ابراهیم گفت: ای دریغا، اگر مسلمان بودی، تا به یک ساعت انگشتی در نمک زدمانی [تو را میهمان می کردم]. پیر از او در گذشت. جبرئیل در رسید و گفت: ابراهیم، حق سلام می رساند و می فرماید آن پیر هفتاد سال، مشرک و بت پرست بود. ما رزق او کم نکردیم. یک روز که روزی او حواله به تو بود، به تهمت بیگانگی طعام از او بازداشتی؟

ابراهیم، به عقب او دوید و او را بازخواند. پیر گفت: ردّ اول و قبول آخر چه بود؟ ابراهیم عتاب حضرت حق، باز راند. پیر بگریست و گفت:

خلاف کردن چنین خدای از مروت نباشد. پس اسلام آورد و از جمله بزرگان دین گشت. [\(۱\)](#)

۱- جوامع الحکایات و لوامع الروایات، ص ۲۴۰.

گوهر سی و ششم: میانه روی و اعتدال

اشاره

گوهر سی و ششم: میانه روی و اعتدال

زیر فصل ها

کلام حق

اختران عصمت و ولایت

قند پارسی

حدیث دیگران

ضرب المثل

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

کلام حق

کلام حق

(وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ . (بقره: ۱۴۳)

بدین گونه شما را امتی میانه کرده ایم تا گواه بر مردم باشید.

اختران عصمت و ولایت

اختران عصمت و ولایت

حضرت رسول صلی الله علیه و آله

(در دنیاخواهی میانه رو باشید؛ زیرا به هر کس آنچه قسمت اوست، می رسد. (۱)

(بین دو چیز میانگین وجود دارد و میانه روی بهترین کارهاست. (خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا) (۲)

(ای برادر همدانی! [\(۳\)](#) بدان که بهترین شیعیان من آن دسته و فرقه ای هستند که راه اعتدال و میانه روی اختیار کرده اند. تا آنان که راه علو پیش گرفته اند، به آنان بازگشت کنند و آن دسته عقب افتاده، خود را به ایشان برسانند. [\(۴\)](#))

۱- پیام پیامبر، ص ۴۶۰.

۲- گل های جاویدان، ص ۵۸.

۳- منظور، حارث بن همدانی است.

۴- شیخ صدوق، امالی، ترجمه: محمد باقر کمره ای، تهران، اسلامیه، ۱۳۷۶، ص ۱۶.

امام صادق علیه السلام

(اعتدال و میانه روی، امری است که خداوند آن را دوست می دارد و اسراف و زیاده روی را ناخوش دارد. (۱))

(یکی دیگر از سپاهیان خرد، مال داری در حد قوام (اعتدال) است و ضد آن، فزون خواهی است. (۲))

قند پاریسی

قند پاریسی

(نه چندان درشتی کن که از تو سیر شوند و نه چنان نرمی کن که بر تو دلیر شوند.

(درشتی و نرمی به هم در به است

چو رگ زن که جراح و مرهم نه است

درشتی نگیرد خردمند بیش

نه سستی که نازل کند قدر خویش

گلستان سعدی

(در میان رو، نه به عز و نه به ذل

زانکه جزوی است اعتدال از عقل کل

عطار نیشابوری

(معتدل شود که هر که اهل دل است

در جمیع امور، معتدل است

وسط آمد محل عزّ و شرف

به وسط روی نه ز هر دو طرف

تا رساند تو را به فرّ و بها

حکم خیر الامور اَوْسَطُهَا

عبدالرحمان جامی

(گشته است در میانه روی عمر ما تمام

ما از پل صراط همین جا گذشته ایم

صائب تبریزی

(به زهد و ورع کوش و صدق و صفا

ولیکن میفزای بر مصطفی

۱- پاداش نیکی ها و کیفر گناهان، ص ۴۷۱.

۲- الحیاء، ج ۴، ص ۳۲.

چه رند پریشان شوریده بخت

چه زاهد که بر خود کند کار سخت

سعدی

(همه اخلاق نیکو در میانه است

که از افراط و تفریطش کرانه است

گلشن راز

(ره را میان خوف و رجا رو که در خبر

«خیر الامور اوسطها» قول مصطفی است

سنایی غزنوی

حدیث دیگران

حدیث دیگران

(ارسطو: میانه روی انسان را در رسیدن به مرحله کمال نزدیک کند.

(ژوزف هال: میانه روی، قیطان حریری است که از میان زنجیر مروارید فضایل دیگر عبور می کند.

ضرب المثل

ضرب المثل

(There is measure in all things.

(در هر چیزی، اندازه و حدی وجود دارد.

(Moderation in all things.

(در هر چیزی اعتدال داشته باش.

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

(طیّبی در یکی نکته نهفته است

خدا آن نکته را با خلق گفته است

ز بسیار و ز کم بگذر که خام است

نگه دار اعتدال، اینت تمام است

دو زیرک خوانده ام کاندردیاری

رسیدند از قضا بر چشمه ساری

یکی کم خورد کاین جان می گزاید

یکی پر خورد کاین جان می فزاید

چو بر حد عدالت ره نبردند

ز محرومی و سیری، هر دو مردند^(۱)

۱- حکیم نظامی گنجوی، خسرو و شیرین، تهران، زوار، ۱۳۸۵، ص ۱۱۴.

گوهر سی و هفتم: نیکوکاری

اشاره

گوهر سی و هفتم: نیکوکاری

زیر فصل ها

کلام حق

اختران عصمت و ولایت

قند پارسی

حدیث دیگران

ضرب المثل

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

کلام حق

کلام حق

(مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنَّىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ. (نحل: ۹۷)

هر کس از مرد و زن، کار [نیکو] و شایسته ای کند و مؤمن باشد، بی گمان، او را با زندگانی پاکیزه ای زنده می داریم و به یقین، نیکوتر از آنچه انجام می دهند، پاداششان را خواهیم داد.

(فَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفْرَانَ لِسَعْيِهِ وَإِنَّا لَهُ كَاتِبُونَ. (انبیا: ۹۴)

آن گاه هر کس چیزی را از کردارهای شایسته انجام دهد و مؤمن باشد، هیچ ناسپاسی در برابر کوشش او نخواهد بود و بی گمان، ما نگارنده آن (کوشش او) هستیم.

اختران عصمت و ولایت

اختران عصمت و ولایت

حضرت رسول صلی الله علیه و آله

(چون آفتاب غروب کند، درهای آسمان و درهای بهشت گشوده می شود و دعا به اجابت می رسد. پس خوشا به حال کسی که عمل صالحش بالا می رود. [\(۱\)](#))

۱- محمدعلی کوشا، چهل حدیث، قم، نهانندی، ۱۳۷۴، ص ۳۱.

(اسلام، برهنه است. لباسش، تقوا است قوام آن، پارسایی؛ کمالش، عقیده و میوه اش، عمل صالح است. [\(۱\)](#))

حضرت امیر علیه السلام

(بهای بهشت، عمل صالح است. پس هر که بهشت خواهد، باید که نیکوکاری کند. [\(۲\)](#))

(ثروت و اولاد، محصول کشتزار دنیاست، ولی عمل صالح، محصول کشت آخرت است. [\(۳\)](#))

امام حسین علیه السلام

(نیکوکاری مانند ژاله باران است که نیک و بد را فرا می گیرد. [\(۴\)](#))

امام صادق علیه السلام

(نیکوکاری، زکات نعمت هاست. [\(۵\)](#))

امام رضا علیه السلام

(نیکوکاری، غنیمت شخص دورانیش است. [\(۶\)](#))

قند پاریسی

قند پاریسی

(هر که در حال توانایی، نیکویی نکند، در وقت ناتوانی، سختی بیند.)

گلستان سعدی

(به گیتی جز از دست نیکی مبر)

که آید یکی روز نیکی به بر

اسدی طوسی

۱- تحف العقول، ص ۸۹.

۲- شرح غررالحکم، ج ۳، ص ۳۵.

۳- مواظ امامان، ص ۵۲.

۴- مواعظ امامان، ص ۱۱۰.

۵- مواعظ امامان، ص ۲۳۵.

۶- مواعظ امامان، ص ۳۰۲.

(تو نیکی می کن و در دجله انداز

که ایزد در بیابانت دهد باز

مثنوی معنوی

(ده روزه مهر گردون، افسانه است و افسون

نیکی به جای یاران، فرصت شمار یارا

حافظ شیرازی

(به جز نیکی نخواهد برد از اینجا

خوشا آن کس به نیکی مرد اینجا

عطار نیشابوری

(جز گرد نکویی مگرد هرگز

نیکی است که پاینده در جهان است

گر عمر گذاری به نیک نامی

آن گاه تو را عمر جاودان است

پروین اعتصامی

(کسی نیک بیند به هر دو سرای

که نیکی رساند به خلق خدای

بوستان سعدی

(بدی کردند و نیکی با تن خویش

تو نیکوکار باش و بد میندیش

سعدی

(بیا تا بردباری پیشه سازیم

بیا تا تخم نیکویی بکاریم

بابا طاهر عریان

(درشتی ز کس نشنود نرم گوی

به جز نیکویی در زمانه مجوی

شاهنامه فردوسی

حدیث دیگران

حدیث دیگران

(ناپلئون: بهترین کار برای جلب دل های مردم، خیرخواهی و نیکوکاری نسبت به آنهاست.

(لئو تولستوی: نیکوکاری همه چیز را مغلوب می کند و خودش هرگز مغلوب نمی شود.

ضرب المثل

ضرب المثل

(Do good and Cast it into sea. (تو نیکی می کن و در دجله انداز)

(کار خوب انجام بده و مزدش را از دریا بگیر.

.Kindness Like grains increases by sowing)

(عمل نیک مثل دانه، با کاشتن چند برابر می شود.

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

(یکی در بیابان، سگی تشنه یافت

برون از رمق در حیاتش نیافت

کله، دلو کرد آن پسندیده کیش

چو جبل اندر آن بست دستار خویش

به خدمت میان بست و بازو گشاد

سگ ناتوان را دمی آب داد

خبر داد پیغمبر از حال مرد

که داور گناهان از او عفو کرد

الا گر جفا کردی، اندیشه کن

وفا پیش گیر و کرم پیشه کن

یکی با سگی نیکویی گم نکرد

کجا گم شود خیر با نیک مرد؟^(۱)

گوهر سی و هشتم: وطن دوستی (حب وطن)

اشاره

گوهر سی و هشتم: وطن دوستی (حب وطن)

زیر فصل ها

کلام حق

اختران عصمت و ولایت

قند پارسی

حدیث دیگران

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

کلام حق

کلام حق

(قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَنُخْرِجَنَّكَ يَا شُعَيْبُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَكَ مِنْ قَرْيَتِنَا أَوْ لَتَعُوذُنَّ فِي مِلَّتِنَا قَالَ أَوَلَوْ كُنَّا كَارِهِينَ .
(الاعراف: ۸۸)

سران قومش که تکبر می ورزیدند، گفتند: ای شعیب! بی گمان، تو و کسانی را که همراه تو ایمان آورده اند، از شهر خود بیرون خواهیم راند [و به تبعید خواهیم فرستاد] یا آنکه به آیین ما باز گردید. (شعیب) گفت: اگر چه خوش نداشته باشیم؟ [و به ماندن در وطن خود علاقه مند باشیم].

اختران عصمت و ولایت

اختران عصمت و ولایت

حضرت رسول صلی الله علیه و آله

(دوست داشتن میهن از نشانه های ایمان است. (۱))

(ابان بن سعيد حضور پیامبر اکرم ۹ شرفیاب شد. [پیامبر] فرمود: ابان! مردم مکه را در چه حال ترک کردی؟ عرض کرد: آنان را در حالی ترک کردم که خوب بودند. بوته گل خوش بویی را پشت سر نهادم که شاخه آن را بریده بودند و آن یگانه معطر را پشت سر نهادم که کم بو شده بود. پیامبر

با شنیدن این سخنان [و به سبب اشتیاق فراوان به وطنش، مکه] چشمانش به اشک نشست و همدم او شد. (۱)

حضرت امیر علیه السلام

(شهرها آباد شود به واسطه دوستی مردم نسبت به وطن های خود. (۲)

(امام حسن عسکری ۷، ده روز پیش از حادثه وفات [شهادت]، از خانه بیرون آمد و فرمود: بار خدایا، تو می دانی که اینجا [سامره] که وطن پدر و جد من است، دوست ترین بلد نزد من است، اگر مرا نمی رانند. (۳)

قند پارسی

قند پارسی

(اگر سر به سر، تن به کشتن دهیم

از آن به که میهن به دشمن دهیم

شاهنامه فردوسی

(چو ایران نباشد، تن من مباد

چنین دارم از موبد پاک، یاد

شاهنامه فردوسی

(صائب، کجا رویم که هر جا که می رویم

از سر، هوای حبّ وطن وا نمی شود

صائب تبریزی

(هر که را مهر وطن در دل نباشد، کافر است

معنی «حب الوطن»، فرموده پیغمبر است

ملک الشعرا بهار

(در سفر گر روم بینی یا ختن

از دل تو کی رود حب الوطن؟

۱- مجموعه ورام، ص ۸۷.

۲- طرائف الحکم، ص ۳۲۸.

۳- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۲۴.

مثنوی معنوی

(میان جان من و چین جعد مشکینت

تعلقی است حقیقی به حکم حبّ وطن

خواجوی کرمانی

(گنج علم «ما ظهر مع ما بطن»

گفت: از ایمان بود حب الوطن

شاه نعمت الله ولی

(تو فکندی از وطن دور مرا دستم بگیر

که چنین بی دل و بی صبر ز حب الوطنم

عطار نیشابوری

(بود حب وطن ز ایمان؛ وطن، جان را بود جانان

وطن را گر شناسد جان به قربان وطن گردد

ملا محسن فیض کاشانی

حدیث دیگران

حدیث دیگران

(افلاطون: علاقه ای در دنیا شدیدتر از عشق به وطن نیست.

(ابومسلم خراسانی: هر چه در دنیا آفریده شده، زیباست و زیباتر از همه مرگ در راه وطن است.

ضرب المثل

□ اگر می خواهی بدانی وطن خود را تا چه اندازه دوست داری، مدتی به خارج برو.

مثل رومی

□East, west, homes, best.

□ شرق، غرب [در واقع ، نه شرق و نه غرب]؛ وطن، بهترین است.

□There's no palace like home.

□ هیچ جا مثل خانه آدم نمی شود.

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

(هنوزم ز خردی به خاطر در است

که در لانه ماکیان برده دست

به منقارم آن سان به سختی گزید

که اشکم چو خون از رگ آن دم جهید

پدر خنده برگریه ام زد که: «هان!

وطن داری آموز از ماکیان»^(۱)

گوهر سی و نهم: همسایه داری

اشاره

گوهر سی و نهم: همسایه داری

زیر فصل ها

کلام حق

اختران عصمت و ولایت

قند پارسی

ضرب المثل

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

کلام حق

کلام حق

(وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ... وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَى وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنْبِ. (نساء: ۳۶)

و به پدر و مادر و ... و همسایه خویشاوند و همسایه بیگانه و هم نشین و... نکویی ورزید.

اختران عصمت و ولایت

اختران عصمت و ولایت

حضرت رسول صلی الله علیه و آله

(مؤمن نیست کسی که سیر بخوابد و همسایه اش گرسنه باشد. (۱) تا چهل خانه، همسایه به شمار می رود. (۲)

(جبرئیل پیوسته مرا به همسایه [و رعایت او] سفارش ها می کرد تا آنجا که گمان بردم خداوند، میراث برایش قرار می

دهد. (۳)

حضرت امیر علیه السلام

(از علامت لثیمی و پستی، بدی همسایگی است؛ یعنی بد سلوکی با همسایه. [\(۴\)](#))

۱- الحدیث، ج ۳، ص ۲۸۶.

۲- پیام پیامبر، ص ۶۷۹.

۳- پیام پیامبر، ص ۶۷۹.

۴- غررالحکم، ج ۶، ص ۲۰.

(امام حسن علیه السلام نقل کرده است که شب جمعه ای، مادرم فاطمه را در محرابش دیدم که پیوسته رکوع و سجود می کرد تا سپیده صبح دمید. شنیدم که برای مردان و زنان مؤمن دعا می کند و از آنان نام می برد و برای آنان بسیار دعا می کند، ولی برای خودش دعا نمی کند. گفتم: مادر! چرا همان گونه که برای دیگران دعا می کنی، برای خودت دعا نمی کنی؟ فرمود: پسر! نخست، همسایه و سپس خانه. (۱)

امام موسی کاظم علیه السلام

(خوش رفتاری با همسایه تنها خودداری از آزار او نیست، بلکه تحمل آزار او نیز هست. (۲)

قند پاریسی

قند پاریسی

(در عقد بیع سرایی مردّد بودم. جهودی گفتم: من از کدخدایان این محلتم. وصف این خانه، چنان که هست از من پرس. بخر که هیچ عیبی ندارد. گفتم به جز آنکه تو همسایه ای.

(خانه ای که چون تو همسایه است

ده درم سیم کم عیار ارزد

لیکن امیدوار باید بود

که پس از مرگ تو هزار ارزد

گلستان سعدی

(چو بد ناپسند آیدت، خود مکن

پس آن گه به همسایه گو، بد مکن

بوستان سعدی

(از عدالت نبود دور گرش پرسد حال

پادشاهی که به همسایه گدایی دارد

حافظ شیرازی

(من اینجا زار می سوزم به تاریکی و تنهایی

۱- الحکم الزاهره، ص ۲۰۰.

۲- آداب معاشرت، ص ۹۷.

وہ ای ہمسایہ غافل! تو را چون خواب می آید؟

امیر خسرو دہلوی

(ہم جواری قوی ترین پایہ است

دل ہمسایہ پیش ہمسایہ است

رہی معیری

(ہمسایہ نیک است تن تیرہ ات را جان

ہمسایہ ز ہمسایہ گیرد قیمت و مقدار

ناصر خسرو

ضرب المثل

ضرب المثل

(Better is a neighbour that is near, than a brother far off.

(ہمسایہ نزدیک، بہتر از برادر دور است.

(Love your neighbour, yet pull not down your fence)

(ہمسایہ ات را دوست بدار، ولی نگذار حجاب میان شما فرو ریزد.

گر نکتہ دان عشقی، بشنو تو این حکایت

گر نکتہ دان عشقی، بشنو تو این حکایت

(مردی مہربان و بی آزار، ہمسایہ ای ناہموار و بد داشت. سال ہا در کنار وی زیست و از او بسی ناسزا شنید و آزار دید. تا اینکہ روزی ہمسایہ بد اثاثیہ اش را جمع کرد و خواست برای ہمیشہ، شرش را از سر وی کوتاہ کند.

در موقع رفتن، ہمسایہ خوب شروع بہ گریہ و زاری کرد. ہمسایہ بد از این رخداد سخت متعجب شد و شرم زدہ پرسید: ہمسایہ خوبم، سبب گریہ چیست؟ من کہ در زمان ہمسایگی نسبت بہ تو جز بدی نکردم. چرا این قدر گریہ می کنی؟

همسایه خوب جواب داد: از اینکه از همسایگی ام

می روی، گریه نمی کنم، بلکه به حال بیچاره و سیاه روزی گریه می کنم که تو می خواهی همسایه اش شوی. (۱)

۱- احمد کیخا مقدم، امثال و حکم نیمروز، مشهد، نشر طوس، ۱۳۸۲، ص ۳۳۷.

گوهر چهلیم: یتیم نوازی

اشاره

گوهر چهلیم: یتیم نوازی

زیر فصل ها

کلام حق

اختران عصمت و ولایت

قند پارسی

حدیث دیگران

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

کلام حق

کلام حق

(أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَىٰ وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَىٰ وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَىٰ فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ. (ضحی: ۶ _ ۹)

مگر نه تو را یتیم یافت؛ پس پناه داد؟ و تو را سرگشته یافت؛ پس هدایت کرد؟ و تو را تنگ دست یافت و بی نیاز گردانید؟ و [تو نیز به پاس نعمت ما] یتیم را میازار.

(إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا. (نسا: ۱۰)

آنان که دارایی های یتیمان را به ستم می خورند، جز این نیست که در شکم خود آتش می انبارند و زود است که در آتش برافروخته در آیند.

اختران عصمت و ولایت

اختران عصمت و ولایت

حضرت رسول صلی الله علیه و آله

(با یتیم چون پدر، مهربان باش. [\(۱\)](#))

(کسی که یتیمی را در خاندان خود نگه داری کند و از هر جهت در پرورش او بکوشد تا دوران کودکی اش سپری گردد و از سرپرستی بی نیاز شود، با این عمل، خداوند بهشت را بر او واجب می کند. [\(۲\)](#))

۱- نهج الفصاحه، ص ۶۴۰.

۲- الحدیث، ج ۳، ص ۳۹۷.

حضرت امیر علیه السلام

(طفل یتیم را مانند فرزند خودت تربیت کن و هر دو را به طور یکسان از وسایل پرورش و برنامه تأدیب بهره مند ساز. (۱))

(آن که از روی ستم و به ناروا، مال یتیم را حیف و میل می کند، فرجام کار خود را خواهد دید. وبال و مکافات این کار زشت او در دنیا گریبان گیر نسل او و در عالم آخرت دامن گیر خود او خواهد شد. (۲))

امام صادق علیه السلام

(هر کس مال یتیمی را به ناروا بخورد، خداوند کسی را بر او یا فرزندانش مسلط می سازد که همان ستم را روا دارد. (۳))

قند پاریسی

قند پاریسی

(دل شکسته که مرهم نهد دگر بارش؟)

یتیم خسته که از پای بر کند خارش؟

سعدی

(خاطر ایتم را دریاب نیز)

تا تو را پیوسته حق دارد عزیز

عطار نیشابوری

(چو بینی یتیمی سرافکنده پیش)

مده بوسه بر روی فرزند خویش

یتیم ار بگرید که نازش خرد؟

و گر خشم گیرد که بارش برد؟

الا تا نگرید که عرش عظیم

۱- الحدیث، ج ۳، ص ۴۰۱.

۲- پاداش نیکی ها و کیفر گناهان، ص ۵۹۰.

۳- پاداش نیکی ها و کیفر گناهان، ص ۵۹۲.

(ز راه درد توان یافت دردمندان را ج

پور نمرده چه قدر یتیم می داند؟

صائب تبریزی

(یکی خار پای یتیمی بکند

به خواب اندرش دید صدر خجند

همی گفت و در روضه ها می چمید

کز آن خار بر من چه گل ها دمید

بوستان سعدی

(چون یتیمی را کسی گریان کند

مالک اندر دوزخش بریان کند

عطار نیشابوری

حدیث دیگران

حدیث دیگران

(شکسپیر: نشان حقیقی اصالت و علو شأن، نوازش و ترحم [یتیم] آمیخته با خوش رویی است.

ضرب المثل

□ Be kind to other people's children so that your Children may be treated kindly by them and theirs

□ به فرزندان دیگران نیکی و مهربانی کنید تا به فرزندان شما نیکی و مهربانی کنند.

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت

(روزی گذشت پادشهی از گذرگهی

فریاد شوق بر سر هر کوی و بام خاست

پرسید زان میانه یکی کودک یتیم:

کاین تابناک چیست که بر تاج پادشاست

آن یک جواب داد: چه دانیم که چیست

پیداست آن قدر که متاعی گران بهاست

نزدیک رفت پیر زنی گوژپشت و گفت:

این اشک دیده من و خون دل شماست

ما را به رخت و چوب شبانی فریفته است

این گرگ سال هاست که با گله آشناست

آن پارسا که ده خِرد و ملک، رهن است

آن پادشاه که مال رعیت خورد، گداست

بر قطره سرشک یتیمان نظاره کن

تا بنگری که روشنی گوهر از کجاست [\(۱\)](#)

۱- پروین اعتصامی، کلیات دیوان اشعار، تهران، کتاب نمونه، ۱۳۷۰، ص ۱۸۰.

کتاب نامه

کتاب نامه

□ قرآن کریم، ترجمه: سیدعلی موسوی گرمارودی، تهران، مؤسسه انتشارات قدیانی، ۱۳۸۳.

□ نهج البلاغه، ترجمه: سید جعفر شهیدی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸.

۱. (خواجه) نصیرالدین طوسی، محمد بن حسن، اوصاف الاشراف، تهران، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ۱۳۰۶.

۲. آثریر، حمیدرضا، بهشت کافی، قم، سرور، ۱۳۸۱.

۳. آشتیانی، میرزا احمد، طرائف الحکم یا اندرزهای ممتاز، تهران، کتاب خانه صدوق، ۱۳۶۲.

۴. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ترجمه: احمد جنتی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۲.

۵. ابی فراس المالکی الاشری، ابی الحسین ورام، مجموعه ورام (آداب و اخلاق در اسلام)، ترجمه: محمدرضا عطایی، مشهد، آستان قدس، ۱۳۶۹.

۶. اتابکی، پرویز، رهاورد خرد، تهران، نشر و پژوهش فرزانه روز، ۱۳۷۶.

۷. اسعد فخری گرگانی، فخرالدین، ویس و رامین، تهران، بروخیم، ۱۳۱۴.

۸. اندیشه های مردان بزرگ، تألیف و ترجمه: مهرداد مهرین، تهران، آسیا، ۱۳۴۴.

۹. ایرج میرزا (جلال الممالک)، دیوان اشعار، تهران، کتاب خانه مظفری، ۱۳۱۱.
۱۰. باقری بیدهندی، گنج حکمت یا احادیث منظوم، قم، کتاب فروشی و نشر روح، ۱۳۶۳.
۱۱. بلخی، مولانا جلال الدین محمد، دیوان شمس، تهران، ربیع، ۱۳۷۴.
۱۲. _____، مثنوی معنوی، تهران، نشر سهیل، ۱۳۷۲.
۱۳. بهار، محمدتقی، دیوان اشعار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۶.
۱۴. بهایی عاملی، کشکول، تهران، زرین، ۱۳۷۱.
۱۵. بازارگادی، علاءالدین، گزیده ای از اندرزها و کوتاه سخنان، تهران، رهنما، ۱۳۷۸.
۱۶. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، مجموعه کلمات قصار حضرت رسول ۹، تهران، دنیای دانش، ۱۳۸۲.
۱۷. پروین اعتصامی، کلیات دیوان، تهران، کتاب نمونه، ۱۳۷۰.
۱۸. ترجمه کليلة و دمنه با انشای ابوالمعالی نصرالله منشی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۵.
۱۹. جامی، نورالدین عبدالرحمان، بهارستان، تهران، اطلاعات، ۱۳۴۷.
۲۰. _____، هفت اورنگ، تهران، سعدی، ۱۳۳۷.
۲۱. جناتی شاهرودی، حسین، آرام بخش دل داغ دیدگان، قم، نشر روح، ۱۳۸۰.
۲۲. جهادالنفس وسائل الشیعه، ترجمه و گردآوری: علی صحت، تهران، نشر ناس، ۱۳۶۴.
۲۳. حافظ شیرازی، دیوان اشعار، تهران، کانون انتشارات پیام عدالت، ۱۳۷۸.

۲۴. حکیمی، محمدرضا، محمد حکیمی و علی حکیمی، الحیاء، ترجمه: احمد آرام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰.
۲۵. خرمشاهی، بهاءالدین، مسعود انصاری، پیام پیامبر، تهران، منفرد، ۱۳۷۶.
۲۶. خسروی، موسی، مواعظ امامان علیهم السلام (ترجمه جلد هفدهم بحارالانوار)، تهران، اسلامیه، ۱۳۶۴.
۲۷. خوانساری، آقا جمال الدین، شرح غررالحکم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۶.
۲۸. خویدکی، شرف الدین، کاشف الاستار در ترجمه جامع الاخبار، تهران، کتاب فروشی اسلامیه، بی تا.
۲۹. دفاع زاده، فیاما، بهشت نو، تهران، انتشارات جزیل، ۱۳۷۹.
۳۰. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، مؤسسه لغت نامه دهخدا، ۱۳۷۷.
۳۱. _____، مجموعه اشعار، تهران، کتاب فروشی زوار، ۱۳۳۴.
۳۲. ذوالفقاری، حسن، داستان های امثال، تهران، مازیار، ۱۳۸۴.
۳۳. ذوالفقاری، غلام حسین، رهنمون، تهران، انتشارات سخن و صفار، ۱۳۶۹.
۳۴. رسولی محلاتی، سیدهاشم، صحیفه علویه، تهران، اسلامی، ۱۳۶۹.
۳۵. رضایی، سیدعبدالحسین، کتاب الروضه در مبانی اخلاق، تهران، اسلامیه، ۱۳۶۴.
۳۶. روضه کافی، ترجمه: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، علمیه اسلامیه، بی تا.
۳۷. ریدوت، رونالد و کلیفورد ویتینگ، ضرب المثل ها (انگلیسی به فارسی و فارسی به انگلیسی)، تهران، نشر پارسا، ۱۳۷۵.

۳۸. سعدی، بوستان، تهران، الهام، ۱۳۸۱.
۳۹. _____، کلیات، تهران، جاویدان، ۱۳۷۴.
۴۰. _____، گلستان، تهران، آتلیه هنر، ۱۳۷۵.
۴۱. سنایی غزنوی، گزیده حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه، تهران، هیرمند، ۱۳۷۲.
۴۲. شیر، عبدالله بن محمدرضا، اخلاق، قم، هجرت، ۱۳۷۴.
۴۳. شیخ حسن طبرسی، مکارم الاخلاق، ترجمه: سید ابراهیم میرباقری، تهران، فراهانی، ۱۳۶۵.
۴۴. شیخ صدوق، خصال، ترجمه: مدرس گیلانی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات جاویدان، ۱۳۶۲.
۴۵. _____، صدوق امالی، ترجمه: محمداقرا کمره ای، تهران، اسلامی، ۱۳۷۶.
۴۶. شیخ طبرسی، فضل بن حسن، مشکاه الانوار، ترجمه: عزیزالله عطاردی، تهران، عطارد، ۱۳۷۴.
۴۷. شیخی، حمیدرضا و داعی شیرازی، نثر الالکی (سخنانی درباره امام علی ۷)، تهران، الهام، ۱۳۷۷.
۴۸. صائب تبریزی، دیوان اشعار، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی، ۱۳۶۴.
۴۹. صابری یزدی، علی رضا و محمدرضا انصاری محلاتی، الحکم الزاهره، قم، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵.
۵۰. صحیفه سجادیه، ترجمه: عبدالحمید آیتی، تهران، سروش، ۱۳۷۵.

۵۱. صفا خواه، محمدحسین، گلچین صدوق، تهران، فیض کاشانی، ۱۳۷۶.
۵۲. طباطبایی، سید محمدحسین، سنن النبی، ترجمه: هادی فقیهی، تهران، کتاب فروشی اسلامیه، ۱۳۷۸.
۵۳. عتیق نیشابوری، ابوبکر، تفسیر سورآبادی، تهران، فرهنگ نشر نو، ۱۳۸۰.
۵۴. عدنانی، منوچهر، جنگ سه زبانه مثل ها، تهران، نشر ثالث، ۱۳۸۵.
۵۵. عطار، نیشابوری، تذکره الاولیا، تهران، زوار، ۱۳۵۵.
۵۶. _____، مصیبت نامه، تهران، زوار، ۱۳۳۸.
۵۷. علمداری، مهرداد، هم خوانی مثل ها، بی جا، نشر نکته، ۱۳۷۴.
۵۸. علوی تراکمه ای، سیدمجتبی، آینه یقین، قم، هجرت، ۱۳۷۴.
۵۹. عوفی بخارایی، محمد بن محمد، جوامع الحکایات و لوامع الروایات، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۵.
۶۰. غوث، اردشیر، مثل ها و اندیشه ها، تهران، مؤسسه انتشارات آسیا، ۱۳۶۴.
۶۱. فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه، تهران، روزنه، ۱۳۸۳.
۶۲. فرید تنکبانی، مرتضی (گردآورنده)، الحدیث (روایات تربیتی)، اقتباس و گردآوری از: متن کتاب گفتارهای فلسفی (محمدتقی فلسفی)، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸.
۶۳. قنبری، عبدالله، فرهنگ ضرب المثل های انگلیسی به فارسی، تهران، رهنما، ۱۳۷۲.
۶۴. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه: حاج سید جواد مصطفوی، تهران، علمیه اسلامیه، بی تا.

۶۵. کمره ای، محمدباقر، آداب معاشرت (ترجمه جلد شانزدهم بحارالانوار)، تهران، اسلامیه، ۱۳۶۴.
۶۶. کوشا، محمدعلی، چهل حدیث، قم، نهانندی، ۱۳۷۴.
۶۷. کیخا مقدم، احمد، امثال و حکم نیمروز، مشهد، نشر طوس، ۱۳۸۲.
۶۸. کیکاووس بن قابوس بن وشمگیر، قابوس نامه، تهران، طهوری، ۱۳۴۳.
۶۹. لغت نامه یا فرهنگ بزرگ جامع نوین سیاح، تهران، اسلامیه، ۱۳۷۳.
۷۰. مجاهدی، محمدعلی، پاداش نیکی ها و کیفر گناهان، قم، سرور، ۱۳۸۱.
۷۱. مجتهدی نیشابوری، ابوالقاسم، دیوان جاوید، (بی جا)، (بی نا)، ۱۳۳۲.
۷۲. مجدی، سید عطاءالله، گل های جاویدان (هزار کلمه قصار)، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۹.
۷۳. مجلسی، محمدباقر، توحید مفضل، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۹.
۷۴. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۴.
۷۵. مصباح الشریعه (سخنان امام صادق (ع))، ترجمه: حسن مصطفوی، تهران، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۶۴.
۷۶. مطهری، مرتضی، فلسفه اخلاق، تهران، صدرا، ۱۳۸۳.
۷۷. موسوی، منوچهر، فرهنگ منظوم و منثور ضرب المثل های فارسی و معادل انگلیسی آنها، تهران، جهان رایانه، ۱۳۷۹.
۷۸. میهنی، محمد بن منور، اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید، تهران، طهوری، ۱۳۵۷.
۷۹. ناصر خسرو، دیوان اشعار، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۴.
۸۰. نراقی، احمد بن محمد مهدی، معراج السعاده، قم، هجرت، ۱۳۷۱.

۸۱. نظامی گنجوی، خسرو و شیرین، تهران، زوار، ۱۳۸۵.
۸۲. _____، مخزن الاسرار، تهران، طهوری، ۱۳۴۴.
۸۳. نفیسی، علی اکبر، فرهنگ نفیسی، تهران، بی نا، ۱۳۱۷.
۸۴. نوروزی، اسدالله (امیر)، امثال و حکم انگلیسی به فارسی، رشت، حق شناس، ۱۳۷۷.
۸۵. نیلی پور، مهدی، بهشت اخلاق، قم، مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر (عج)، ۱۳۸۵.
۸۶. هلالی جغتایی استرآبادی، مثنوی صفات العاشقین، تهران، بی نا، ۱۳۲۴.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت عليهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفاً ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱. JAVA

۲. ANDROID

۳. EPUB

۴. CHM

۵. PDF

۶. HTML

۷. CHM

۸. GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱. ANDROID

۲. IOS

۳. WINDOWS PHONE

۴. WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتاهای خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

